

باز هم مجاهدین را به سوی انقلاب فراخوانیم

● نیروهای ضد انقلاب، آگاهانه و در جهت منافع خود و محافل قشری و تنگ نظر در عمل می‌کوشند نگذارند مجاهدین جای واقعی خود را در ادوی انقلاب اشغال نمایند

در صفحه ۲

حجت الاسلام خوئینی‌ها:

«در طول ریاست جمهوری
بنی صدر به تدریج
شعار مرگ بر امریکا
فراموش شده بود»

● حجت الاسلام خوئینی‌ها در مقام موافق عدم کفایت سیاسی بنی صدر سخنانی ایراد کرد که از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.
ما ضمن استقبال از این سخنان، قسمت‌هایی از آن را درج می‌نمائیم.

در صفحه ۲۱

از تحریف تاریخ و برخورد خصمانه با مصدق
تنها لیبرال‌ها سود می‌برند

در صفحه ۲۰

اعدام سعید سلطانپور مبارز پر سابقه سالهای
خفقان شاهنشاهی را محکوم می‌کنیم

سازمان ما که اقدامات قاطع دادگاه‌ها را در برخورد با ضدانقلاب و وابستگان رژیم سابق و همه متحدان امپریالیسم همواره مورد حمایت قاطع قرار داده و می‌دهد، این اقدامات قانون‌شکنانه را محکوم می‌کند.

در صفحه ۹

اطلاعیه شاخه کردستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
درباره: حوادث اخیر کشور و جنگ افروزیهای
بانداقاسملو

در صفحه ۱۷

چرا دولت جمهوری اسلامی
قانون تأمین اجتماعی
قبل از انقلاب را لغو نمی‌کند

● تدوین یک قانون تأمین اجتماعی مترقی مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی خواست همه کارگران و زحمتکشان است.

در صفحه ۶

آبستراکسیون لیبرال‌ها!
در این شماره

خلق عمان
قاطعانه به مبارزه
خود ادامه می‌دهد

در صفحه ۱۰

هواداران سازمان در مصاحبه بارادبوی کارکن فرانسه،
توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ایران را
افشاء کردند

در صفحه ۱۹

رفیق فدائی بهزاد شیوا در راه تحقق آرمان زحمتکشان
و به هنگام تصرف ارتفاعات فوج سلطان شهید شد

در صفحه ۲۱

اگر این انسانی‌ها بجا دهند،
بس در تهران چه می‌کنند؟

در صفحه ۵

احمدزاده (بزرگوار و سرپرست صابغ فولاد)

از گسترش روابط اقتصادی ایران با

انتصارات امپریالیسم آلمان دفاع می‌کند

در صفحه ۲۳

متحد شوید!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

باز هم مجاهدین را به سوی انقلاب فراخوانیم

از دستجات سلطنت طلب و لیبرالها و مائوئیست‌های امریکائی و شرکاء چیزی جز این متصور نیست که با تمام نیرو بکوشند مجاهدین را به ادامه راه کج و نزدیک شدن به ایشان ترغیب نمایند. آنها از هر فرصتی برای تشویق مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی به ضدیت با جمهوری اسلامی سود می‌جویند. آنها محیلانه‌ترین تاکتیک‌ها را برای این منظور به کار می‌گیرند و این خوی و طینت همه آنهاست. منافع آنان تشدید انحراف و ادامه انحراف در خط حرکتی سازمان‌های انقلابی را اقتضا می‌کند.

تجربه دو ساله اخیر نیز نشان می‌دهد که محافل قشری و انحصار طلب در تمام این مدت کینه‌توزانه کوشیده‌اند تا نگذارند مجاهدین خلق گامی در جهت تصحیح سیاست خود بردارند. آنها که کورکورانه علیه تمام نیروهای ترقیخواه برخاسته‌اند حتی به شیوه‌های تروریستی و توطئه‌گرانه می‌کوشند احساسات این نیروها را تحریک و مانع از سمت‌گیری سالم آنان شوند. آنها زمانی که دیدند سازمان ما اطلاعیه ۱۵ ماده‌ای را پذیرفته و با مجوز قانونی مردم را به میتینگ میدان آزادی دعوت کرده‌است، همگام با عناصر منتسب و مربوط به محافل امریکائی، تصمیم گرفتند اجتماع را به خون کشند و نگذارند مسیری را که سازمان پیش گرفته است ادامه دهد. آیا فراموش کرده‌اید که پس از انشعاب اقلیت چگونه تمام تریبون‌های امریکائی در ایران به‌کار افتاد که سازمان ما را از راهی که رفته است منصرف سازد؟ تمام توطئه آن است که عقل و منطق از میان برداشته شود و تصمیمات سیاسی را پیرامون سرنوشت سازمان، عصیت سیاسی و خودافروختگی‌های افراطی تعیین نماید و تمکین به این، متأسفانه برای یک سازمان سیاسی در حکم انتحار سیاسی است.

بقیه در صفحه ۳

بار برای دفاع از خط بنی‌صدر در برابر خط امام به سود چه کسی تمام خواهد شد؟ آیا سازمان شما با این روش‌ها و سیاست‌ها به سرکوب خود مشروعیت نمی‌بخشد؟ آیا اعتراض به صدور احکام زندان و اعدام را زیر پوشش جو ترور و ارعابی که ایجاد می‌کند خاموش نمی‌سازد؟

اختلاف بین سازمان ما و رهبری سازمان شما زمانی شروع شد که رهبری سازمان شما حاضر نشد موضع خود را در برابر لیبرال‌ها اعلام کند و حیل‌ها و ترفندهای لیبرال‌ها را برای خلق‌افشاء نماید. ما در آن هنگام نادرستی سیاست به غایت نابخردانه و به دور از هر گونه ارزیابی عینی و علمی رهبری شما را که چگونگی موجودیت سازمان را به شرکت یا عدم شرکت در کابینه مشروط می‌کرد گوشزد کردیم در آن موقع صراحتاً به رهبران سازمان شما گفتیم که راه نیافتنشان به کابینه هیچ ربطی به مشروعیت داشتن یا مشروعیت نداشتن آنها ندارد.

ما صراحتاً در همان زمان گفته‌ایم که این نوع استدلال عواقب بسیار ناگواری را به بار خواهد آورد و امروز نیز معتقدیم مسئول تمام دشواری‌هایی که اکنون پیش روی مجاهدین قرار گرفته، بیش از هر چیز همانا رهبری سازمان مجاهدین است. اکنون به روشنی می‌بینیم آنچه که مجاهدین تحمل می‌کنند، میوه یکسال سیاست غلط و راه‌کجی است که در پیش گرفته‌اند و اولین قدم در راه نجات سازمان مجاهدین همانا بازگشت از راهی است که تاکنون پیموده‌اند و البته این کاری است کاملاً امکان‌پذیر و کاملاً موثر.

نقش مخرب محافل قشری

این درست است که در نهایت، رهبری سازمان مجاهدین مسئول تمام سرنوشتی است که سازمان بدان دچار می‌گردد، لکن باید ضرورتاً نقش سایر عوامل را هم برشمرد و در این میان

محافل قشری کور و تنگ‌نظر در جمهوری اسلامی همگی در تمام این مدت کوشیده‌اند سازمان مجاهدین را به ادامه راهی که در یک سال پیش در آن گام‌نهاد تشویق و ترغیب کنند و متأسفانه رهبری سازمان مجاهدین نیز سازمان را درست به همان سویی کشیده است که جریان‌های ضد جمهوری اسلامی می‌خواسته‌اند.

دام‌های خطرناکی بر سر راه مجاهدین گسترده بوده است. این واقعیتی است که مجاهدین یکی از سازمان‌هایی بوده‌است که همه نیروهای اجتماعی از ضد - انقلابی‌ترین مرتجعین تا نیروهای واقعا انقلابی حرکت و سرنوشت آن را به دقت تعقیب می‌کنند و باز هم متأسفانه رهبری سازمان مجاهدین در این مدت هیچ یک از توصیه‌ها و تحلیل‌های نیک‌بینانه نیروهای انقلابی را نپذیرفته‌اند و همچنان به راه خود ادامه داده است راهی که بهره اصلی آن هم به کیسه قشریون افراطی می‌رود و هم به جیب ضد - انقلاب و دود آن به چشم نیروهای انقلابی و بیش از همه به چشم خودسازمان مجاهدین.

اولین قدم در راه نجات انقلاب

در اینجا خطاب ما به اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق است. راهی که از یک سال پیش تا امروز رهبری سازمان شما پیش روی شما قرار داده است چنانکه در عمل می‌بینیم راه همراهی با جبهه‌ها و دفاتر و نهضت‌های سرمایه‌داران است راهی است که بیش از همه به سود امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود. چشم‌وگوش خود را باز کنیم ببینیم تاکتیک‌های روزهای اخیر سازمان شما کدام جریان را تضعیف کرده و کدام جریان را میدان‌دار ساخته است؟ ببینید اخبار روزنامه‌های امپریالیستی پیرامون وقایع روزهای اخیر و کنار نهادن بنی‌صدر چه نوشته‌اند. آیا به راه انداختن تظاهرات خشونت -

گسترش بی‌ثباتی سیاسی، افزایش بدبینی مردم به جمهوری، رویگردان شدن آنان از انقلاب و سرانجام روی کار آوردن یک دولت وابسته به امپریالیسم بود که از سوی تمامی نیروهای ترقیخواه و انقلابی و مدافع انقلاب نمی‌تواند محکوم نباشد.

به دنبال این حوادث چنانکه پیش‌بینی می‌شد از سوی دادگاه انقلاب اسلامی تهران ۲۳ نفر به جوخه اعدام سپرده شدند که در میان آنان تا آنجا که ما اطلاع داریم برخی از جمله سعید سلطانی‌پور اساساً نه در درگیری‌های اخیر شرکت داشته‌اند و نه مسلح بوده‌اند.

خطاهای فاحش مجاهدین

ما در طول یک سال گذشته تا امروز در موارد مختلف سیاست سازمان مجاهدین را مورد نقد و بررسی قرار داده و خطاهای فاحش سیاسی آنان را صریحاً یادآور شده‌ایم اما متأسفانه رهبری سازمان مجاهدین با تحلیل غلط و ارزیابی اشتباه از نیروی خود و از موقعیت سیاسی کشور، هم چنان بر مواضع خود تاکید داشته و به راه غلط خود ادامه داده است.

سیاست رهبری مجاهدین در حمایت از جریان‌های لیبرال در برابر نیروهای خط امام زیانبار و موجب گمراهی مردم و تقویت جبهه سرمایه‌داران است.

سیاست مجاهدین در برخورد با جنگ تحمیلی، در برخورد با درگیری و تشنج در شهرها، در برخورد با نیروها در کردستان، در برخورد با توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم و دهها مورد دیگر سیاستی به‌سود انقلاب و به‌سود خلق نیست روش مجاهدین در برخورد با حکومت جمهوری اسلامی همیشه توأم با احساسات و حساسیت‌های عصبی و به دور از تعمق کافی بوده است درست در مقابل سیاست سازمان ما، از یک سو سلطنت طلبان، لیبرال‌ها و همه نیروهای ضدانقلاب با اشتیاق تمام و از دیگر سو

جمهوری اسلامی ایران یکی از حساس‌ترین هفته‌های حیات خود را پشت سر گذاشت. مبارزه‌ای که میان جناح‌های حکومت از ابتدای شکل‌گیری این جمهوری جریان داشت و تسخیر سفارت پایان یک فاز آن بود در هفته گذشته فاز دیگری را به پایان برد. بنی‌صدر و جبهه متحدی‌راکه حول وی شکل گرفته بود با هماهنگی آشکار بنی‌صدر با جبهه بورژوازی لیبرال و سازشکار ایران که درصدد براندازی حاکمیت نیروهای خط امام در جمهوری اسلامی است، درهم شکست و دست کم در این دور مبارزه نیروهای خط امام با تحدید بیشتر مواضع بورژوازی در حکومت، مواضع خود را همه‌جانبه‌تر از هر زمانی در حکومت تحکیم کردند. بنی‌صدر برکنار شد از سوی دیگر در آغازین هفته اعلامیه‌ای به نام مجاهدین خلق ایران منتشر شد که نشان می‌داد مجاهدین با ارتکاب بزرگترین خطای سیاسی یکی دیگر از پل‌های پشت سر خود را خراب کرده‌اند. اعلامیه به گونه‌ای تنظیم شده بود که راه را برای گسترش جو خشونت و ترور و بالا گرفتن دامنه ناآرامی‌های سیاسی باز می‌گذاشت. (مفاد این اعلامیه هنوز از جانب مجاهدین تکذیب نشده است) علاوه بر این روز شنبه ۳۰ خرداد ماه با سازماندهی مجاهدین، خلق تظاهراتی (ظاهراً به دفاع از بنی‌صدر) صورت گرفت که به خشونت گرائید و مطابق آمار دولتی ۲۵ نفر کشته بر جای نهاد که از طرفین بوده است.

مواضع و اقدامات رهبری مجاهدین خلق طی دو هفته اخیر همسویی آشکار آنان را با جبهه بورژوازی لیبرال و سازشکاران ایران که جاده صاف‌کن امپریالیسم‌اند آشکارتر کرد. این مواضع و اقدامات، ضایعه بزرگی برای انقلاب و گام بلندی در راه تحقق استراتژی امپریالیسم آمریکا و گسترش نفاق و پراکندگی در میان مردم و نیروهای ضد امپریالیست

بقیه از صفحه ۲

باز هم مجاهدین ...

مجاهدین به هیچ وجه اشتباهات، افراط کاریهای مردم ستیز، جوسازی و دشمن تراشی، تنگ نظری و انحصار طلبی محافل وسیعی از حکومت را توجیه نمی کند. این محافل در تمام مدت دو ساله گذشته کوشیده اند دیگران را، هر که می خواهد باشد، از خود برانند و به زور و حتی علی رغم تمام مقاومت های موجود، به سوی دشمنان خلق برانند. تو گوئی بزرگترین مژده برای امثال هادی غفاری ها آن است که فلان جریان نیز علیه جمهوری اسلامی ایران بپا خاسته است. کسی که اینطور فکر می کند، چگونه می تواند دوست جمهوری اسلامی ایران باشد!

چه کسی می تواند منکر این باشد که تحریکات و افتراها و تهمت های حزب جمهوری و به ویژه روزنامه آن علی الخصوص در یکساله اول انقلاب در پراکنده کردن نیروها و ایجاد تفرقه و چند دستگی تاثیرات بسیار جدی داشته است. با این همه نباید فراموش کرد که حکم قطعی تاریخ حاکی از آن است که در آخرین تحلیل، رهبری هر سازمان است که اکیدا و دقیقا بار عمده مسئولیت را در قبال سرنوشتی که بدان مبتلا می شود، بر عهده دارد. سیاست های وحدت شکنانه، انحصار طلبانه، مغرضانه محافل قشری و انحصار طلب هیچ نوع حقانیتی برای هیچ یک از گروه ها و سازمان هایی که مشی نادرستی در پیش گرفته اند، ایجاد نخواهد کرد. پرونده نیروهای قشری را باید جداگانه مورد بررسی قرار داد و این کاری است که ما تا امروز توجه جدی بدان مبذول داشته ایم.

خطاب به مجاهدین

اکنون بر عهده خود می دانیم آنچه را که به مصلحت انقلاب و خلق و در جهت خیر و صلاح سازمان مجاهدین خلق ایران

می دانیم، یکبار دیگر مورد تاکید قرار دهیم: هم جبهه متحد ضد انقلاب و هم بلوک نیروهای ناآگاه قشری می کوشند شما را به سوی اتخاذ روش های قهرآمیز و در نهایت عملیات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران سوق دهند تا بدین وسیله سرکوب قهرآمیز نیروهای مجاهد مشروعیت قانونی پیدا کند. به مصلحت شما و به صلاح مردم و انقلاب است که زیر بار این توطئه نروید. مفاد اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان انقلاب را بپذیرید و جای خالی خود را در اردوی مردم، در جبهه های جنگ میهنی، در کارزار انقلابی علیه امپریالیسم آمریکا بازیابید. التزام خود را به قانون اساسی اعلام و آن را در عمل به اثبات رسانید.

لیبرالها و دیگ... همپالکی هایشان و ایضا" این گروهک های مائوئیست امریکائی، دوست شما و طرف خلق نیستند. آنها را از خود برانید و افشاء کنید. همدستی شما با لیبرالها جدا از اینکه خون محمد حنیف نژادها را وسیله کسب اعتبار برای مهدی بازرگانها و قطب زاده ها می سازد، سازمان شما را به رو در روئی آشکار با روند تکامل و گسترش انقلاب می کشاند. از دست لیبرالها هیچ کاری نه برای شما ساخته است و نه برای انقلاب و خلق.

تمایل قلبی شخص امام چنانکه از کلامش پیداست، برخلاف محافل قشری که می خواهند شما را رو در روی امام و این جمهوری قرار دهند، این است که شما پایبند به قانون باشید و مشروعیت و قانونیت خود را پایمال نسازید. باور داشته باشید که هنوز هم فرصت باقی و جای شما در جبهه نیروهای ضدامپریالیستی واقعا خالی است نگذارید زمان کار را به جایی بکشاند که نباید کشیده شود. می دانید که خیلی ها امید

بسته اند که چنین نشود. امثال قاسملوها هرگز دوست و خیرخواه شما نبوده و نیستند. زیرزمینی شدن شما در شرایط فعلی، در شرایطی که توطئه های امپریالیسم و سرمایه داران و فئودالها و دیگر نیروهای ضدانقلاب بیش از همیشه از نیروهای انقلابی حضور در صحنه و دفاع از دستاوردهای انقلاب و خنثی کردن تهاجمات آنان را می طلبد، یک ضربه آشکار به این انقلاب و به این خلق است. جای شما در متن صحنه است. جای خالی خود را پر کنید. کاری نکنید که کشتار مجاهدین با مبارزه علیه توطئه ها و دسائس ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی، با کودتای نوژه و اعمال قاسملوها و گروهک هایی مثل پیکار قابل قیاس گردد. این هم شما را از شرکت در مبارزات انقلابی باز می دارد و هم توده ها را از شما جدا می سازد.

وظایف خطیر دولت

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز وظایف خطیری را در این لحظات حساس بر عهده دارد. نیروهای قشری، هرج و مرج طلب و ضدقانون از اوضاع و احوالی که در رابطه با مجاهدین خلق پدید آمد به وجد آمده اند. خطر جدی آن است که این عناصر با سوء استفاده از فرصت، بدترین ضربات را به حیثیت و اعتبار این جمهوری وارد آورند. آنها نفع خود را در این می پندارند که جو خشونت و ارباب دامن زده شود. آنها دائم اینطور تبلیغ می کنند که باید کشت زیرا آنها مرگ خود را در استقرار قانون و نظم می بینند. آنها با حمله به مردم و عابرین، به خاطی و غیرخاطی می کوشند در مردم رعب ایجاد کنند و آنها را از صحنه برانند تا خود یکه تاز شوند. شعارهای مستهجن و رفتار غیرانسانی برخی از این عناصر تبدیل به بهترین خوراک تبلیغاتی برای ضدانقلاب و محافل امپریالیستی شده و می شود. کوشش های معینی صورت می گیرد که در این گیر و دار و با بهره برداری از غلط -

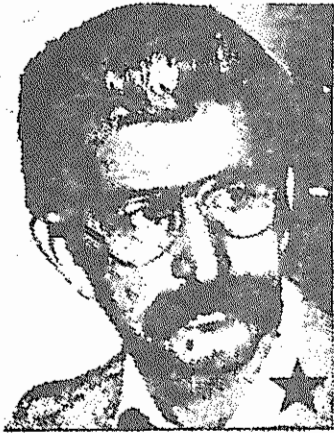
کاری های گروه های چپ رو، تر و خشک را با هم بسوزانند اکنون باندهای سیاه دست به کار شده و می شوند تا با استفاده از جو ترور و ارباب قلب انقلابیون راستین خلق را نشانه بگیرند. در صدور احکام دادگاه های انقلاب در روز ۳۱ خرداد نیز دیده شد که به شیوه ای که در تابستان ۵۸ در کردستان عمل شد و تا هم امروز هم جمهوری اسلامی زیان آن را تحمل می کند، مجرم و غیرمجرم را محاکمه کرده و بدون محاکمه در کنار هم قرار داده و به جوخه اعدام بسپارند. این روشها نه تنها دردی را درمان نمی کند، بلکه بیش از همه به اعتماد مردم نسبت به صلاحیت این دادگاهها آسیب های جبران ناپذیر وارد می سازد. جمهوری اسلامی ایران تو گوئی هنوز از برخورد سراسیمه و عجولانه با نیروهای مخالف درس نگرفته است. احکام اعدامی که در تابستان سال ۵۸ در کردستان آنگونه صادر شد، به سود چه کسی تمام شد و کدام مسئله را حل کرد جز آنکه جان عده ای بی گناه را قربانی دستپاچگی های مسئولین کرد و این دقیقا یک نقشه امپریالیستی بوده است که دادگاه های انقلاب را که تاکنون سهم شایان توجهی در سرکوب وابستگان به رژیم سابق و توطئه گران علیه این جمهوری داشته است را در انظار خلق بی اعتبار سازد. جمهوری اسلامی ایران مطمئن باشد که تنها راه اصولی و منطقی بازداشتن گروه ها از اعمال غیرقانونی اجرای دقیق و متعهدانه قانون است. شتابزدگی و سراسیمگی تنها به سود دشمنان این جمهوری تمام خواهد شد. بیش از هر چیز وقت آن است که جمهوری اسلامی ایران واقعا و در عمل مجری رهنمودهای درست امام خمینی باشد. امسال را سال قانون بداند و با قانون شکنان، با آنان که برای خود دم و دستگاه راه انداخته اند و هر کار می خواهند، می کنند همانگونه رفتار کنند که با دشمنان جمهوری اسلامی ایران رفتار می شود.

هم میهنان مبارز!

میهن ما لحظات سخت و دشواری را پشت سر می نهد. اکنون بیش از هر زمان وظیفه هر انقلابی واقعی است که مبارزه ای پیکر را علیه دسائس امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را به پیش براند. وظیفه ماست که با تمام توانی که داریم همچون یک میهن پرست واقعی استقلال و آزادی میهن را پاسداریم در جنگ مقاومت میهنی علیه تجاوزگران فعالانه شرکت جوئیم و میهن خود را از لوٹ وجود آنان پاک کنیم. بکوشیم ویرانی های بجا مانده از رژیم پهلوی و فشارها و تحمیلات مضاعف امپریالیستی و دولت های ارتجاعی منطقه را خنثی کنیم و ایرانی آباد و آزاد و دمکراتیک را بنا نهیم. بکوشیم راه وحدت کلمه و وحدت عمل همه نیروهای ضد امپریالیستی را که راه پیشرفت انقلاب است، هموار کنیم و بدانیم که بر هیچ یک از این مشکلات پیروز نخواهیم شد جز آنکه همه با هم متحد باشیم. و بالاخره با حمایت از کوشش های امام خمینی در جهت حفظ آرامش و استقرار قانون به درگیری و خصومت میان صفوف مردم پایان دهیم و تمام خلق را چون مشتکی گره خورده به سوی پیروزی نهائی، به سوی تأمین کامل استقلال ملی، دمکراسی و عدالت اجتماعی رهنمون باشیم.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اعدام سعید سلطانپور مبارز پر سابقه سالهای خفقان شاهنشاهی را محکوم می‌کنیم



★ سعید سلطانپور که در زمان رژیم منفور پهلوی با جان و دل پیکار کرده و سخت‌ترین شکنجه‌ها را متحمل شده و سالیان درازی از عمر خود را در زندان‌های رژیم وابسته شاه گذرانده بود، بدون دلیل و به شیوه‌ای کینه‌توزانه همراه با بازداشت‌شدگان حوادث اخیر به جوخه اعدام سپرده شد.

گذاشتن قانون اساسی که مورد حمایت مجلس و همه نیروهای انقلابی است، بنوبه خود عملی است که آب به آسیاب امپریالیسم و جبهه ضدانقلاب می‌ریزد و جو خشونت و ترور را گسترش می‌دهد و بهترین زمینه رشد ضدانقلاب را فراهم می‌سازد. مردم مبارز ایران آگاه هستند که سعیدسلطانپور شاعر، هنرمند و نویسنده مبارز ایران که نمونه مقاومت خلق ما در برابر رژیم کثیف شاهنشاهی بود، نزدیک به سه ماه پیش در مراسم عروسی‌اش به اتهام واهی و بی‌اساس "خروج غیرمجاز از بازداشت شده بود."

سعیدسلطانپور که در زمان رژیم منفور پهلوی با جان و دل پیکار کرده و سخت‌ترین شکنجه‌ها را در راه خلق متحمل شده و سالیان درازی از عمر خود را در زندان‌های رژیم وابسته شاه گذرانده بود، بدون دلیل و به شیوه‌ای کینه‌توزانه همراه با بازداشت‌شدگان حوادث اخیر به جوخه اعدام سپرده شد.

بی‌گمان وجدان بی‌سار مردم مبارز ایران هرگز بر چنین روش‌های کینه‌توزانه و انقلاب شکنانه‌ای صحه نخواهد گذاشت و عاملین آن را قویا محکوم خواهد ساخت. سازمان ما که اقدامات قاطع دادگاه‌ها را در برخورد با ضدانقلاب و وابستگان رژیم سابق و همه متحده‌اندگان امپریالیسم همواره مورد حمایت قاطع قرار داده و می‌دهد، این اقدامات قانون شکنانه را محکوم می‌کند و همه ارگان‌های مسئول جمهوری اسلامی و همه نیروهای سیاسی را به رعایت قانون، به حفظ حرمت انقلاب و به هشیاری در برابر دشمنان انقلاب و دشمنان مردم فرا می‌خواند.

اسلامی می‌باید قانون اساسی را رعایت کند و حقوق فردی و اجتماعی توده‌های مردم ایران را محترم بشمارد. شیوه‌ای که محافل قشری و انحصارطلب جمهوری اسلامی در دفاع از انقلاب به کار گرفته و می‌گیرند، به‌گونه‌ای است که بی‌گمان جز زشت جلوه دادن سیمای انقلاب در ایران و در سراسر جهان نتیجه‌ای ندارد، شیوه‌ای است که جز سرخورده کردن توده‌های مردم از انقلاب، رشد ضدانقلاب تضعیف صفوف توده‌های مردم و در مخاطره قراردادن سرنوشت انقلاب خونبار خلق نتیجه دیگری ندارد.

جمهوری اسلامی یکبار در مقطع جنگ کردستان نیز به این اقدامات خونین و خشونت‌بار دست زد و دهها تن را بدون محاکمه به جوخه اعدام سپرد... اما دیدیم که این اعدام‌ها نه تنها موجب تقویت جمهوری اسلامی و موجب تخفیف کشمکش‌های کردستان نشد، بلکه درست و همانگونه که همواره چنین اقدامات خشونت‌باری نشان داده است، موجب کاهش اعتبار جمهوری اسلامی در ایران و جهان و تشدید دشمنی در میان صفوف مردم و تضعیف تفاهم ملی گشت، بطوریکه می‌دانیم امروز انقلاب ایران همچنان از عواقب آن اقدامات رنج می‌برد.

این اقدامات، جمهوری اسلامی را از درون و بیرون تضعیف می‌کند و نه تنها چهره‌ای با ثبات از آن ترسیم نخواهد کرد بلکه برعکس آن را بی‌ثبات و ضعیف تصویر می‌کند.

سازمان فدائیان خلق ایران مصرانه خواهان رعایت قانون اساسی و رعایت مصالح انقلاب در برخورد با گروه‌های سیاسی است. اعدام دسته‌جمعی افراد، بدون محاکمه و با زیرپا

سازمان ما و دیگر احزاب و سازمان‌های وفادار به انقلاب و خلق بارها و بطور پیگیر توضیح و هشدار داده‌اند که امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی آن به هزاران حيله و نیرنگ برآیند تا اولاً ذهن نیروها را از دشمن اصلی انقلاب منحرف سازند، ثانیاً می‌کوشند تا از هر شکاف و هر اختلافی در هر زمینه‌ای که باشد برای ایجاد تفرقه در صف خلق و متزلزل کردن اساس انقلاب که همانا وحدت و تفاهم خلق است، بهره جویند.

سازمان ما طی اعلامیه‌ای به تاریخ ۱۸ خرداد ماه جاری ضمن اعلام موضع نسبت به اختلافات میان جناح‌های حاکم جمهوری اسلامی ایران یکبار دیگر هشدار داد که "دشمنان خارجی و داخلی انقلاب از هر سو برای شکست انقلاب و درهم شکستن صفوف خلق و تحمیل یک رژیم ضد خلقی و نوکسر امپریالیسم، تمام نیروهای اهریمنی خود را به کار انداخته‌اند. امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام که این جنگ خونین را بر ما تحمیل کرده‌اند، چشم‌انتظار تشدید اختلافات داخلی و منحرف شدن ذهن مردم از مسئله جنگ و توطئه‌های پلیدشان نشسته‌اند."

با آگاهی از این حقایق، ما هر اقدام و هر سیاستی که در جهت تضعیف اتحاد مردم و طبعاً تقویت ضدانقلاب باشد، قویا محکوم می‌کنیم. ثمره اینگونه اقدامات مستقیماً نصیب دشمنان مردم خواهد شد.

بر همین اساس است که بی‌اعتنائی آشکار محافل قدرتمند قشری و انحصارطلب را که در اعدام‌های عجولانه و کینه‌توزانه اخیر دیده می‌شود خطر بزرگی برای انقلاب می‌شناسیم و تاکید می‌کنیم که جمهوری

دولت باید با تثبیت شکل‌های واقعی کارگری، دست‌زد انقلاب را از کارخانه‌ها کوتاه کند

کارگران کارخانه رنگ‌سرو اصفهان، در نامه‌ای به اداره کار ضمن افشای اقدامات ضدکارگری کارفرما، خواهان بررسی و تعقیب پیگیرانه مشکلات خویش شده‌اند. در این نامه آمده است "کارفرما با امتناع از دادن لباس کار قطع جیره روزانه ناهار، اجباری کردن زمان کار به دلخواه خود قالب‌کردن مساعده بجای سود ویژه به کارگران و قبحانه‌تر از همه واداشتن برخی از عناصر به جاسوسی و ارسال گزارش‌های محرمانه ضدکارگری جهت تصفیه حسابش با کارگران انقلابی و مبارز و تهدید به اخراج و... ابتدائی‌ترین حقوق صنفی کارگران را نیز پایمال می‌نماید" کارگران رنگ‌سازی سرو در خاتمه تاکید کرده‌اند: "دولت جمهوری اسلامی باید با تثبیت قانونی شکل‌های واقعی کارگران، مبارزات انقلابی و برحق کارگران را علیه استثمار و اجحاف و ستم سرمایه‌داری و کوتاه کردن دست ضدانقلاب از عرصه تولید تقویت نماید"

نه کمونیست است و نه اتحادیه یات‌گروهک مائوئیست است

هفته پیش گروهکی که عوام‌فریبانه نام جعلی "اتحادیه کمونیست‌ها" را بر خود گذاشته اعلامیه‌ای صادر کرده و در آن وظایف تاکتیکی به اصطلاح "جبهه متحدانقلاب" را در برانداختن جمهوری اسلامی روشن کرد! اعلامیه از "نویسندگان آزاد" خواسته تا "هرگونه همکاری با مطبوعات قانونی و وابسته" را قطع کنند، از همه متحدین جبهه براندازی خواسته تا کلیه روزنامه‌هایی را که منتشر می‌شوند تحریم کنند! همچنین اعلامیه از "مردم" خواسته که "صدا و سیمای منحوس" را به ویژه در "ساعات پخش اخبار" خاموش کنند! خواهان این شده که تمام کارکنان ادارات و موسسات تولیدی و نیز کارگران "اعتصاب کنند" و از "هر اقدام هرچه شدیدتر و قاطع‌تر آقای بنی‌صدر حمایت" کنند "توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها شناسائی شوند" تا بعداً حق آنان کف دستشان "گذارده شود! جوانان و دانش‌آموزان "همچون دوران مبارزه بر علیه شاه خائن" روی دیوارهای شهر شعارهایی نظیر "مرگ بر استبداد" و "بنی‌صدر عمل کن، حمایت می‌کنیم" و... را بنویسند و "بزرگ" هم بنویسند! اخبار و اطلاعات را به "همدیگر"، "شهرستانها" و نیز "نشریات انقلابی همچون نشریه حقیقت (!؟)" برسانند و بالاخره فعلاً به همین رهنمودها بسنده کنند و منتظر "رهنمودهای بعدی" که "متعاقباً اعلام خواهد گشت" باشند.

بازهم احتیاجی به معرفی این گروهک و نشان دادن ماهیت ضدانقلابی آن است؟ با اینهمه ما به محل تولد، نام والدین و شغل آنها هم مختصراً اشاره می‌کنیم. این گروهک در دوران شاه از عده‌ای از واخورده‌ترین عناصر مقیم اروپا و آمریکا تشکیل شد. اما تنها پس از انقلاب وارد ایران گردید اسلاف خائن آن یعنی خائنینی چون نیکخواه معدوم، پارسا نژاد، لاشائی و "سیائی" جنایتکار یعنی سیروس نهاوندی را هم که خودتان می‌شناسید. اما اگر در مورد شغل آنها بخواهید تا پس از پیروزی انقلاب که در خارج تشریف داشتند کارشان پراکندن سموم تبلیغاتی سیاست‌ساخته ضد کمونیستی و ضد شوروی بود و در این دو سال و نیم هم که در ایران تشریف دارند، به شغل قبلی‌شان ادامه می‌دهند.

ده نماینده مجلس اعلام کردند: بنی صدر

محور راستگرایان امریکائی است

می دانیم که بعضی خودجوش و عصبی دست به چنین حرکاتی می زنند که ناشی از احساسات تند و کنترل نشده آنان است در طوفان ها و گرداب های سخت اجتماعی چنین تخلقاتی هر چند ناپسند، قابل پیش بینی است لکن سکوت و گاه تأیید بعضی مسئولین مملکتی از نظر ما قابل توجیه نیست و محکوم است.

مسئولین باید با این تخلف ها، قانون شکنی ها قاطع تر و صریح تر برخورد نمایند.

در این مدت شاهد شیوه های تبلیغی شبیه به آنچه در غرب مرسوم است بوده ایم.

شیوه های دفنی و تنگ نظرانه، خود یکی از عوامل به وجود آمدن شرایط موجود است.

و برخلاف قانون اساسی از طرف بعضی نمایندگان و حتی روزنامه ها، صریحا اعلام و از رسانه های گروهی پخش شد که هر نماینده که رای مخالف یا ممتنع بدهد، مردم آنها را به شهر راه ندهند... مسئله خلاف قانون اساسی است و خود قانون شکنی می باشد... هر نماینده حق دارد طبق آنچه می اندیشد، در جوی آرام و آزاد رای بدهد...

از اول، آزادی های مقرر در قانون اساسی رعایت نشد و با هشدارهای مکرر از طرف افراد دلسوز مختلف باز هم توجه نشد. این کلام به معنای تأیید مدافعان دروغین آزادی و یا هرج و مرج طلبان نیست...

بیانیه در آخر، دست به نتیجه گیری می زند و سرانجام تصمیم امضاءکنندگان بیانیه را به شرح زیرین بیان می دارد:

" ما با این مرزبندی و اعتقاد به اصول خود و با تکرار این نکته که خواسته ایم جدا از همه درگیری ها و احیانا خصومت ها نظر بدهیم، رای به عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر می دهیم."

برابری و مقابله مستقیم با نظام جمهوری اسلامی و رهبری امام کشیده شد. (ب) تضاد و اختلاف را با جناح مخالف آنچنان عمده کرد که مرکز وحدت اکثر مخالفین نظام جمهوری و مخصوصا راستگرایان قرار گرفت.

(ج) به همین دلیل محور طیف وسیعی از نافیان استعمار تا مدافعان رابطه با غرب و از جناح مرتجع مذهبی و غیر مذهبی های امریکائی راستگرا تا نیروها و افراد مدافع سرمایه دار و فئودال قرار گرفت.

(د) غرور و خودمداری... (ه) مخالفت با نهادهای انقلابی یا بزرگ جلوه دادن نقطه ضعف ها و اشکالات آنها. (۳) و اما اشکالات وارد بر جناح دیگر:

معتقد هستیم که پدیده های اجتماعی تکعلتی نیستند یعنی موضع گیری های آقای بنی صدر با علل درونی ذکر شده را نبایستی جدا از مواضع این جناح دانست. (لذا) در رابطه با مسئله مورد بحث این انتقاد را (بی آنکه انتقاد را عمده و اصلی کنیم) بدانها وارد می دانیم:

(الف) در این مدت شاهد بهره گیری این جناح از شیوه های ناصحیح و گاه نامشروع در برخورد با افراد و جریانات دیگر بوده ایم...

(ب) افرادی که تا دیروز ضد حرکت امام بودند و حتی مرجعیت ایشان را نمی پذیرفتند فرصت طلبانه حول محور این جناح آنچنان نفوذ یافته اند که بر بسیاری از مراکز قدرت و تصمیم گیری دست یافته اند و بزرگترین دشمنی را عملا و کاملا با کلیه جناح های موجود در جبهه اسلام دارند.

(ج) در روزهای اخیر شاهد توهین، تهدید و تحقیر نمایندگان مردم، ضرب و شتم، شعارهای زننده و خلاف اخلاق بوده ایم...

این شیوه ها در شان ما و جمهوری اسلامی نیست. این اعمال را به جریان و گروه خاصی نسبت نمی دهیم.

۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در توضیح دلایل خود برای دادن رای به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر، بیانیه ای انتشار داده اند که نظر به مضمون ترفیخواهانه و مردمی موجود در بیانیه، پاره ای از آن را در زیر می آوریم:

" اصول و مبنای موضع گیری ما در رابطه با مسائل اخیر بدین شرح است:

(الف) اعتقاد به رهبری امام خمینی دام عزه (ب) قانون اساسی (ج) اعتقاد به مشروعیت نظام جمهوری. (د) ملاک ما در برخورد با جناح ها و افراد بر اساس ایمان و عمل صالح است... (ه) اصالت دادن به نقش توده ها در حرکت اجتماعی"

بسیار سبب محورهای اصلی نقطه نظرات امضاءکنندگان آن را بدین شرح توضیح می دهد:

" (۱) امام - هرگونه تضعیف موضع گیری و لطمه زدن به رهبری را برخلاف اعتقادات اسلامی خود دانسته و معنفدیم نه تنها به مصلحت سیاسی، اجتماعی ایران که به مصلحت کل انقلاب مستضعفین نخواهد بود. یقین داریم که شیطان بزرگ بیشترین نیرو و توانش را برای شکستن شخصیت و نفوذ امام خمینی می گذارد.

.... این هشدار را اول به برخی از مدافعین امام می دهیم که بدازایشان حمایت می کنند و بعد به همه مخالفان ایشان. برای ما روشن و مسلح است که امام بیشتر از هر کس از نفی ارزش های اسلامی و استعمار و روابط ظالمانه اقتصادی و فئودالی و ستم اجتماعی و استبداد و قدرت طلبی و تنگ نظری و انحصار طلبی و قهرمان پرستی رنج می برد..."

۲ - اعتقادات ما در مورد بنی صدر در این روزها بدست نیامده است. تاکنون هم به احترام نظام جمهوری اسلامی و موضع امام و امت برخورد نداشته ایم. به نظر ما این انتقادهای اصولی و اساسی بر ایشان وارد است: (الف) آگاه یا ناخودآگاه به



آبستراکسیون لیبرال ها!

روز چهارشنبه ۲۰ اسفندماه یعنی یک روز پس از اینکه فراکسیون لیبرال ها با ترک مجلس، جلسه را از اکثریت انداختند، "میزان" ارگان لیبرال ها نوشت: "نام نمایندگان که دیروز مجلس را به علامت اعتراض ترک کردند... به عنوان قهرمانانی در تاریخ این جمهوری ثبت خواهد شد!" و بدین سان راه را بر "قهرمانی" های بزرگ گشود.

در طول هفته گذشته لیبرال های "قهرمان" پرده ای چند از این "قهرمان" بازی را به نمایش گذاشتند. آنها با عدم حضور در جلسه مربوط به تصویب یک فوریتی بودن طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و نیز تصویب آئین نامه مربوطه کوشیدند تا مجلس را از اکثریت بیاندازند! به دیگر سخن حضرات لیبرال "حق" خود می دانند که به هر نحو شده با قانون مخالفت ورزند. آنها نامه جمعی می نویسند که: "تأمین جانی ندارند، حق سخن گفتن از آنها سلب شده است، مخالفت آنان به جایی نمی رسد" و... و این همه در شرایطی طرح و عنوان می شود که قرار است در مجلس تکلیف "لواح محوری" نظیر تصویب آئین نامه اجرائی بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی، قانون مربوط به چگونگی اجرای ملی کردن تجارت خارجی، قانون مربوط به تأمین آزادی های سیاسی و خلاصه هر آن قانونی که به سود انقلاب و علیه ضد انقلاب و این سازشکاران است، تعیین شود. لیبرال ها اینک استفاده از تریبون مجلس برای تبلیغ و پیشبرد سیاست های سازشکارانه شان را ناکافی می دانند و مناسب ترین تاکتیک را در شرایط کنونی، تحریم عملی این تریبون و به اصطلاح پارلمانتاریستی، از اکثریت انداختن مجلس می دانند. و با این حساب برای مردم ما راه دیگری نمی ماند جز اینکه یا لیبرال ها تا پایان این دوره از مجلس، ملزم به حضور در مجلس باشند و یا کرسی هایی را که به ناحق در اشغال خود گرفته اند، از آنان پس بگیرند.

اگر این افغانی ها مجاهدند،

پس در تهران چه می کنند؟

در هفته گذشته آیت اله مهدوی کنی در باره مهاجرین افغانی مطالبی گفتند که از تلویزیون پخش شد. ایشان در صحبت های خود به درستی وجود ۱/۵ تا ۲ میلیون مهاجر افغانی را تحمیلی بر جامعه ما خواند و اظهار داشت:

"بخش وسیعی از مهاجرین به نام "مجاهد" در سراسر ایران پراکنده هستند در حالیکه اگر واقعا آنان مجاهدند "پس در تهران چه می کنند؟" اما آقای کنی پس از طرح این حقایق و عنوان کردن یک پرسش بسیار قابل تأمل و هشداردهنده متأسفانه راه حلی ارائه دادند که به اعتقاد ما بر این گونه راه حل ها، نامی جز "راه حل هایی از نوع پاکستان" نمی توان اسم دیگری گذاشت



چرا دولت جمهوری اسلامی قانون تأمین اجتماعی قبل از انقلاب را لغو نمی کند

• تدوین قانون تأمین اجتماعی جدید منطبق بر مطالبات صنفی و رفاهی کارگران رشته‌های پیوند آنان را با انقلاب تحکیم نموده و به طریق اولی انقلاب را در مسیر تداوم، گسترش و تعمیق خود از نیروی حمایت میلیونی کارگران، بیش از پیش برخوردار خواهد ساخت.

به موازات تداوم و گسترش انقلاب و رشد آگاهی و تشکل انقلابی زحمتکشان و به‌ویژه کارگران، مهم‌ترین و مبرم‌ترین خواست‌های صنفی و رفاهی کارگران نیز بیش از پیش برآمد یافته و در مطالبات مبرم و اساسی طبقه کارگر ایران و از آن جمله تدوین و اجرای قانون مترقی تأمین اجتماعی که خود جزء مکمل و ضرور قانون کار انقلابی است، تبلوری بارز یافته است. توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان میهن ما که در دوران استبداد سلطنتی شاه همراه با سایر محرومیت‌ها از حداقل تأمین اجتماعی ضرور نیز محروم بودند، پس از انقلاب شکوهمند و مردمی بهمن پیگیرانه خواستار برخورداری از بهداشت و درمان رایگان، آموزش رایگان، حقوق بازنشستگی، مستمری، از کار افتادگی، حقوق بازمانندگان، تأمین بیکاران آماده به کار و بطور کلی تأمین اجتماعی هستند. پاسخ در خور به این خواست اساسی که تبلور بخش مهمی از مطالبات صنفی و رفاهی کارگران زحمتکش میهن ما است، بدون شک در بهبود شرایط کار و زندگی کارگران تأثیرات مهمی برجای گذاشته، رشته‌های پیوند آنان را با انقلاب تحکیم نموده و به طریق اولی انقلاب را در مسیر تداوم، گسترش و تعمیق خود از نیروی حمایت میلیونی کارگران، بیش از پیش برخوردار خواهد ساخت.

افراد کشور تأمین کند. با توجه به این اصل و بند ۱۲ اصل ۳، تأمین اجتماعی از وظایف دولت و حق هر شهروند جمهوری اسلامی ایران است. و لذا دولت موظف است با اتخاذ تدابیر قاطع به این اصل اساسی جامعه عمل ببوشاند. در حال حاضر قانون تأمین اجتماعی رژیم سرنگون شده شاه اجرا می‌شود که به هیچ روی منطبق با مصالح انقلاب و نیازهای جامعه ما نیست. نارسائی‌ها و کمبودهای اساسی قانون تأمین اجتماعی فعلی عبارت است از:

- ۱- عدم مشارکت تشکل‌های کارگری در تدوین و اجرای این قانون. قانون فعلی عمدتاً از قوانین کشورهای امپریالیستی و به ویژه فرانسه اقتباس شده و در ارگان‌های اجرائی آن فقط در سه مورد از شرکت نمایندگان کارگران یاد شده است (شورای عالی تأمین اجتماعی، هیئت‌های بدوی و تجدید نظر). این نمایندگان نیز اغلب توسط وزیر کار و امور اجتماعی انتخاب می‌شوند و در مقابل تعداد زیادی نمایندگان کارفرمایان و مقامات اداری در ارگان‌های یاد شده حضور دارند.
- ۲- شمول قانون تأمین اجتماعی کنونی بسیار محدود است. این قانون میلیون‌ها روستائی، گروه‌های بزرگی از

توده زحمتکش و محروم شهری و از جمله بسیاری از اصناف، کارگران فصلی، کارگران ساختمانی، انبوه دستفروشان و حاشیه‌نشین‌های شهری و بسیاری دیگر را تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

۳- بی‌توجهی به منافع تولیدکنندگان خرد (اصناف و پیشه‌وران و کسبه جزء) و فشار شدید بر آنها. قانون فعلی که بر اساس منافع سرمایه‌داران بزرگ وابسته و با توجه به منافع انحصارات امپریالیستی تنظیم شده است در طول دوران عملکرد خود فشار سنگینی را بر منافع تولیدکنندگان خرد وارد آورده است. اغلب این تولیدکنندگان از پرداخت ۲۵٪ حق بیمه خود عاجز بوده و اکثراً کار خود را

بدین علت تعطیل کرده‌اند و یا اینکه به اخراج کارگران خود اقدام نموده‌اند. فشار وارد بر تولیدکنندگان خرد، از جانب سرمایه‌داران بزرگ، فشار مضاعفی بر کارگران واحدهای خرد است و باعث گردیده که کارگران وابسته به تولید خرد اغلب نه تنها از مزایای تأمین اجتماعی برخوردار نباشند بلکه همیشه در انتظار اخراج و بیکاری بسر برند. (در سال ۱۳۵۹ میزان حق بیمه نزدیک به یکصد صنف از ۲۵٪ به ۱۳٪ تقلیل یافت) ۴- محدود بودن قانون فعلی از جهت مزایای

قانون صدها هزار معلول، سالمند و بی‌سرپرست و بطور کلی کسانی را که به عللی قادر به کار نیستند را دربر نمی‌گیرد و این محدودیت، شامل میلیون‌ها بیکار نیز می‌شود. علاوه بر نارسائی‌های اساسی که ذکر شد، باید به نارسائی‌های دیگری نیز اشاره کرد که عبارتند از: الف: به علت آشنا نبودن کارگران به مزایای تأمین اجتماعی که عامل اساسی آن عدم مشارکت آنان در تدوین و اجرای این قانون است، اکثراً درصد استفاده از مزایای تأمین اجتماعی برنی‌آیند. از سوی دیگر بسیاری از کارفرمایان از پرداخت حق بیمه و ارسال لیست به سازمان تأمین اجتماعی "خودداری می‌نمایند و این در حالیست که حق بیمه کارگران را از دستمزد آنها کم کرده و مورد سوء استفاده قرار می‌دهند. این موضوع را مدیرعامل تأمین اجتماعی نیز تأیید کرده است. (اطلاعات ۳۰ اردیبهشت ۶۰)

ب: در قانون فعلی، تعداد افراد تحت تکفل در هنگام پرداخت حقوق بازنشستگی و یا از کارافتادگی در نظر گرفته نمی‌شود. و: در قانون فعلی بین مستمری از کارافتادگی ناشی از کار و غیرناشی کار تفاوت قائل شده‌اند. در صورتی که چنین تفاوتی مبنای منطقی ندارد. ز: در قانون فعلی به ۳ روز اول بیماری در صورتی که بیمار در بیمارستان بستری نباشد، حقوقی تعلق نمی‌گیرد. (ماده ۶۲ بند ۱). ح: به علت ناآشنائی بسیاری از کارفرمایان جزء به قانون و مقررات تأمین اجتماعی اغلب آنها به جهت دیرکرد در پرداخت حق بیمه متضرر می‌شوند. همچنین در شرایط فعلی نارسائی‌های زیادی در تشکیلات سازمان تأمین اجتماعی وجود دارد که خود

چنین مسائلی پیش نمی‌آید. ب: به علت تعیین دستمزد مقطوع برای پاره‌ای از رشته‌ها (ماده ۴۱ قانون فعلی) و تغییر نکردن آن از سالها قبل تاکنون کارگران بسیاری ناچارند پس از ۳۰ سال کار و با داشتن چند سرعائله با حداقل حقوق ماهانه (۱۹۰۵۰ ریال) بازنشسته شوند.

ج: به علت اینکه قانون فعلی تأمین اجتماعی از ابتدا تمام صنوف را دربر نگرفته است و تعدادی از آنها بعداً مشمول قانون شده‌اند (تاریخ شمول) این مسئله در پرداخت حقوق بازنشستگی، از کارافتادگی و بازماندگی تأثیر زیادی برجای گذاشته و باعث هدر رفتن سالهائی از سنوات خدمت کارگران شده است.

د: براساس بخشنامه ۱۳۵ فنی "سازمان تأمین اجتماعی" در صورتی که کارگاهی سه شرط لازم (مساحت بیش از ۱۰۰ متر، بیش از ۵ کارگر، ماشینی یا نیمه‌ماشینی بودن وسائل) را نداشته باشد، از ابتدای اجرای مقررات تأمین اجتماعی مشمول بیمه کامل نمی‌شود. این بخشنامه خود موجب نادیده گرفتن سوابق کاری بسیاری از کارگران شده است.

ه: در قانون فعلی، تعداد افراد تحت تکفل در هنگام پرداخت حقوق بازنشستگی و یا از کارافتادگی در نظر گرفته نمی‌شود. و: در قانون فعلی بین مستمری از کارافتادگی ناشی از کار و غیرناشی کار تفاوت قائل شده‌اند. در صورتی که چنین تفاوتی مبنای منطقی ندارد.

ز: در قانون فعلی به ۳ روز اول بیماری در صورتی که بیمار در بیمارستان بستری نباشد، حقوقی تعلق نمی‌گیرد. (ماده ۶۲ بند ۱). ح: به علت ناآشنائی بسیاری از کارفرمایان جزء به قانون و مقررات تأمین اجتماعی اغلب آنها به جهت دیرکرد در پرداخت حق بیمه متضرر می‌شوند.

همچنین در شرایط فعلی نارسائی‌های زیادی در تشکیلات سازمان تأمین اجتماعی وجود دارد که خود

**اصول ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی
(حقوق سوزائی و سندیکائی کارگران)
باید در قانون کار جدید تثبیت شود**

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



تعطیل کارخانه‌ها و اخراج کارگران انقلاب را تضعیف می‌کند

کارخانه قند دزفول، که سهامش متعلق به ایادی دربار بود و بعد از انقلاب بهمن توسط دولت صادره و ملی گردید، هم‌اکنون ۹۵٪ مراحل ساختمانی‌اش به اتمام رسیده و ۵٪ باقیمانده نیز به دلیل حاضر نشدن شرکت آلمان غربی (که بنا به ماهیت امپریالیستی‌اش و دشمنی با انقلاب ایران حاضر به اتمام طرح نیست) همچنان متوقف مانده است. کارشناسان چکسلواکی طرحی به سرپرستی کارخانه و دولت ارائه دادند که به جای نصب یک دستگاه ۵۰۰۰ تنی شیره‌کشی آلمانی، حاضر به نصب دو دستگاه ۲۵۰۰ تنی هستند که متاسفانه مسئولین دولتی به این پیشنهاد توجهی نکرده و بی‌مسئولیتی آشکاری از خود نشان دادند. وجود مدیران لیبرال و برخی مسئولین قشری در راس امور کارخانه و عدم برخورد مسئولانه با کارکنان، بی‌برنامگی دولت و عدم استفاده از افراد لایق و انقلابی، شرایطی را پیش آورده است که منجر به اخراج بیش از ۱۲۰۰ تن از پرسنل کارخانه شده است. مدیریت کارخانه در پیشبرد برنامه اخراج کارگران، با استفاده از بخشنامه‌ای در مورد اخراج و بازخرید

"کارکنان مازاد" که به امضای استانداری خوزستان نیز رسیده است، با نامه‌پراکنی به کارکنان از آنان خواسته است که با صبر انقلابی (!) "همکاری" لازم را در این امر بنمایند! اما کارگران در اعتراض به اینگونه تصمیم‌گیری‌های یکجانبه و غیر مسئولانه در مقابل دفتر رئیس کارخانه اجتماع کردند و خواستار بازگرداندن کارکنان اخراجی شدند و متعاقب آن تصمیم گرفتند نمایندگانی از میان خود انتخاب نموده و جهت مذاکره به تهران بفرستند. در تهران، نمایندگان کارگران متوجه می‌شوند که اساساً هیچگونه اعتباری برای کارخانه منظور نگردیده است و یکی از مسئولین برنامه بودجه متذکر می‌شود که اعلامیه نخست‌وزیری در مورد پرداخت ۵۰٪ حقوق به کارکنان کارخانه‌هایی که در اثر جنگ تعطیل شده‌اند، شامل کارخانه قند دزفول نمی‌شود زیرا این واحد هنوز در مرحله طرح است. باید از دولت آقای رجائی پرسید که: اولاً، چرا این کارخانه مدتهاست همچنان در مرحله طرح متوقف شده است؟ چرا دولت به کارشکنی‌های

امپریالیستی‌های آلمانی تمکین نموده و سعی نمی‌کند جهت تکمیل نهائی طرح از امکانات دوستان انقلاب ایران برخوردار شود؟ ثانیاً، تعطیل کارخانه و بی‌توجهی به سرنوشت بیش از ۱۲۰۰ خانواده کارگر اخراجی در تحکیم پایه‌های انقلاب دارد؟ بسیاری از خانواده‌های کارکنان این واحد در اثر جنگ تحمیلی آواره شهرها شده‌اند. روشن است که تن در دادن به این چنین سیاست‌های لیبرال‌پسندانهای اثرات مخربی در روند تعمیق انقلاب بجا خواهد گذاشت. دولت با بی‌توجهی به طرح کارشناسان چکسلواکی جهت اتمام ساختمان کارخانه، بی‌جهت از امپریالیسم آلمان انتظار یاری به انقلاب را دارد و با دست‌زدن به اینگونه اقدامات (تعطیل موقت کارخانه و اخراج کارگران) که نمونه مشابه آن کم نیست (فولاد اهواز، ماشین‌سازی اراک و...) زمینه مناسبی برای توطئه‌چینی‌ها و اخلاص‌گری‌های لیبرال‌ها و دشمنان انقلاب فراهم می‌آورد. خوب است آقای رجائی سخنانی را که در اول ماه مه بر زبان راندند به یاد بیاورند.

با افشاء و طرد مدیران ضد انقلابی و لیبرال سنگر تولید را مستحکم‌تر سازیم

مدیران و صاحب‌منصبان لیبرال که از زمان دولت لیبرال بازرگان در "سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران" از نفوذ و قدرت اجرایی فراوانی برخوردار بودند، با انتصاب مدیران ضدانقلابی و لیبرال برای اداره واحدها و مراکز صنعتی و تولیدی مهم، همواره تلاش می‌کردند که با برنامه‌ریزی‌های خاص خویش، وابستگی صنایع را به انحصارات جهانی تداوم بخشند. این لیبرال‌ها پس از سقوط دولت بازرگان نیز از آنجا که آنچنانکه باید سیاست قاطعانه و پیگیری در افشاء و طرد آنان از عرصه تولید به اجرا درنیامد، که وابسته به این جریان کماکان از طریق اخلاص در (جبهه‌میلی) بود، اخراج تولید و شایعه‌پراکنی و تشدید ناراضی و ایجاد تفرقه در صفوف کارگران اقدام انقلابی شورا، خواهان به اقدامات ضدکارگری، ضد انقلابی خویش ادامه داده و وابسته به ضدانقلاب و می‌دهند به نحوی که طی لیبرال‌ها از واحدهای تولیدی هفته‌های اخیر نیز دامنه و خدماتی کشور شده‌اند.

کارگران و زحمتکشان

در تظاهرات غیر قانونی شرکت نمی‌کنند

در رابطه با تشنج‌های سیاسی اخیر، سندیکا‌های مبارز اصناف، اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی مبنی بر لزوم حفظ آرامش و پای‌بندی همه نیروها به قانون و نظم انقلابی منتشر کردند که ذیلاً نمونه‌ای از این تراکتها را می‌آوریم:

سندیکا‌های کارگران کفاش، خیاط، قناد، خم کار نوردکار و سازندگان ظروف فلزی

ما هرگونه درگیری و تشنج را می‌آوریم؛ کارگران و زحمتکشان! تشنج

کارگران مبارز ایران!

با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار

جبهه انقلاب را تقویت کنید

به خواست‌های برحق کارگران شرکت ساختمانی دژگان باید سریعاً رسیدگی شود

کار. بیمه. کارفرما از حقوق کارگران حق بیمه معین را کسر می‌کند ولی کارگران را از مزایای آن برخوردار نمی‌سازد. ۲- دریافت اضافه‌کاری روز جمعه به میزان ۳۵٪ دستمزد طبق قانون کار. ۳- کاهش ساعات کار هفتگی به ۴۴ ساعت کار در هفته بر اساس مصوبه شورای انقلاب. ۴- اخراج کارگران افغانی و استفاده از کارگران ایرانی طبق تعهد شرکت به اداره

کار. بیمه. کارفرما از حقوق کارگران حق بیمه معین را کسر می‌کند ولی کارگران را از مزایای آن برخوردار نمی‌سازد. ۲- دریافت اضافه‌کاری روز جمعه به میزان ۳۵٪ دستمزد طبق قانون کار. ۳- کاهش ساعات کار هفتگی به ۴۴ ساعت کار در هفته بر اساس مصوبه شورای انقلاب. ۴- اخراج کارگران افغانی و استفاده از کارگران ایرانی طبق تعهد شرکت به اداره

کارگران شرکت راه و ساختمانی دژگان (بندر عباس) در گرمای ۵۰ درجه و در شرایطی طاقت‌فرسا برای اتمام پل‌های جاده کمربندی بندرعباس (که در شرایط فعلی بخش مهمی از کار حمل و نقل واردات کشور از این جاده انجام می‌گیرد) فداکارانه در حال کار و تلاش هستند. کارگران این شرکت اخیراً خواست‌های بحق و منطقی خود را به شرح زیر اعلام کرده‌اند:

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

خبرهایی از روستاهای کشور



روستائیان حسین آبادگیان خواهان اجرای بند "ج" و

۵ "اصلاحات ارضی هستند نهائونند - روستای حسین آباد گیان در ۱۵ کیلومتری نهائونند واقع است. فتودال این روستا پرویزظفری بزرگ مالک نهائونند و نماینده مجلس در زمان رژیم شاه و عضو حزب پان ایرانیست می باشد که اخیرا زمین های وی از طرف جهادسازندگی مصادره و به زیر کشت رفته است. در اوایل خردادماه روستائیان زحمتکش این روستا با ارسال نامه های به جهاد ضمن حمایت خود از مصادره زمین ها اعلام داشتند که آماده اند تا آن بخش از زمین های این مالک که فعلا بایر هستند را کشت نمایند و همچنین زمین هایی که اکنون جهاد کشت نموده پس از برداشت برای سال آینده به زیر کشت برند. با اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی به خواست این دهقانان زحمتکش پاسخ دهید.

کشاورزان خسارت دیده خواهان وام بدون بهره از دولت می باشند

اهر - در اوایل اردیبهشت ماه امسال تگرگ قسمتی از محصولات برخی روستاهای منطقه گرمادوز از توابع ارساران اهر از جمله روستاهای بالان، کلانتر، زربیل، شیخان و قوشلاغ و... را از بین برد. در پی این مسئله روستائیان زحمتکش با مراجعه به مسئولین دولتی خواستار وام بدون بهره جهت جبران خسارات وارده شدند. اما متأسفانه تاکنون دولت در این جهت اقدامی نکرده است. ارگان های مسئول باید در جهت تامین این خواست کشاورزان که تنها درآمد آنها از بین رفته و از نظر

اقتصادی کاملا در مضیقه هستند، هرچه زودتر اقدامی مقتضی به عمل آورند و وام های بدون بهره، همچنین کمک های بلاعوض در جهت بهبود وضع آنها در اختیارشان قرار دهند.

از اقدام انقلابی سپاه پاسداران جیرفت حمایت کنیم

جیرفت - در پی درج خبر مربوط به جنایات رضاخان مهیمی از خوانین جیرفت در کار ۱۱۴ اطلاع یافتیم که رضاخان و پسرش توسط سپاه پاسداران دستگیر و زندانی شده اند. ما ضمن حمایت از این اقدام انقلابی سپاه خواهان محاکمه و محاربات این فتودال مزدور می باشیم.

جلوی فعالیت ضد انقلاب در گل زرد را بگیرد

نهائونند - روستای گل زرد در یک و نیم کیلومتری نهائونند قرار دارد. این روستا چندی است که عرصه فعالیت ضدانقلابیون شده است. در جلسات این ضد انقلابیون عده ای از فتودال های منطقه، ساواکی ها و معلمین ساواکی اخراجی شرکت دارند. از جمله جمشیدرصوانی معروف به پسر حاجی دکتر فتودال روستای گل زرد، اسیرحسین ظفری بزرگ مالک روستای بابا رستم، حاجی رستگاری فتودال روستای گل زرد، پسر خانم حاتمها فتودال روستای رضی آباد شرکت می نمایند. از اقدامات این باند ضد انقلابی جعل کوبن های مایحتاج عمومی، سرقت مسلحانه در روستاها توسط ایدیشان جهت نشان دادن عدم امنیت و تضعیف دولت و آزار و اذیت روستائیان زحمتکش می باشد. لازم است مقامات مسئول منطقه هرچه زودتر در جهت سرکوب این ضدانقلابیون اقدامات

عاجل به عمل آورند.

فصل برداشت غلات نزدیک است تدارک لازم را باید دید

اراک - مدتی است که برداشت محصول در برخی مناطق استان مرکزی نظیر قم و ساوه شروع شده و در سایر مناطق از جمله اراک نزدیک است. بنابراین ضروری است پیش بینی های لازم برای برداشت محصولاتی نظیر جو و گندم به عمل آید تا محصولات دچار خسارت نشده و حاصل یک سال تلاش و زحمت دهقانان از میان نرود. از جمله مواردی که می بایست از هم اکنون توسط مقامات مسئول و بخصوص جهاد سازندگی پیگیری شود، عبارتند از:

- ۱- تهیه کمباین برای برداشت محصول با نرخ عادلانه.
- ۲- تهیه سوخت و مخصوصا روغن موتور برای کمباین ها و خرمن کوب ها
- ۳- بسیج نیروهای مردمی برای کمک به دهقانانی که به

تنهایی قادر به برداشت محصولات خود نیستند.

۴- بسیج روستائیان زحمتکش از طریق شوراهای روستائی برای حفاظت از خرمن ها و خنثی ساختن توطئه های ضدانقلاب و ایادی فتودال ها و زمینداران بزرگ.

با خرید محصولات کشاورزی از طریق شرکت های تعاونی دست سلف خررها و واسطه های بزرگ را کوتاه کنید

مازندران - برای کوتاه نمودن دست سلف خررها و واسطه های بزرگ و تشویق کشاورزان به افزایش تولید، خرید محصولات کشاورزی از طریق تعاونی ها توسط دولت امری ضروری و به نفع انقلاب است. اکنون در مازندران بخاطر عدم توجه دولت به این مسئله مشکلات فراوانی برای روستائیان زحمتکش به وجود آمده است. مثلا یکی از برنجکاران نور می گوید:

"برنج را از ما کیلوئی ۱۰ تومان می خرند در حالیکه همان برنج را در بازار

کیلوئی ۲۲ تومان به فروش می رسانند در صورتی که اگر دولت از طریق تعاونی های ما برنج را مستقیما خریداری نماید، می تواند جلوی این افزایش قیمت را بگیرد."

و یا یکی از کشتکاران زحمتکش گرگانی می گوید:

"نرخ سیب زمینی در اواخر اردیبهشت ناگهان از ۵۵ - ۵۰ ریال به ۳۰ ریال نزول کرده است. پائین آمدن قیمت ها همزمان با برداشت محصول آغاز شده است که اگر همچنان ادامه یابد، مجبوریم محصول جدید سیب زمینی را به کیلوئی ۲۰ ریال به سرمایه داران بفروشیم و این مسئله باعث می شود که سال آینده مثل زمان طاغوت خیلی ها زمین ها را رها کرده و راهی شهرها شوند."

دولت باید با تعیین قیمت های ثابت و تضمین خرید محصولات دهقانان و ایجاد شبکه سراسری تعاونی ها و توزیع مناسب دست عوامل سودجو را کوتاه کرده و جلوی افزایش بی رویه قیمت محصولات کشاورزی را بگیرد.

جهادسازندگی و سایر ارگان های مسئول باید: با در نظر گرفتن زمان برداشت محصول گندم و جو در مناطق مختلف کشور و آمارگیری از کمباین های هر منطقه، امکانات لازم را جهت حمل و نقل و استفاده مناسب از آنها فراهم سازد و جلوی ضایعات ناشی از تاخیر در دروی گندم و جو را بگیرد.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ترکمن صحرا

ضد انقلاب در منطقه سرکوب باید گردد

روز سه شنبه ۱۹ خردادماه ۶۰ بمبی در مقابل مسجد قائمیه گنبد منفجر گردید که بر اثر آن یک کودک ۱۰ ساله به نام محمد اردنجی به شهادت رسیده و حدود ۱۰ نفر دیگر جراحات مختلفی برداشتند. این اقدام جنایتکارانه ضد انقلاب زنگ خطری است برای مسئولین جمهوری اسلامی در منطقه تا بر هوشیاری خود بیافزایند و برای مقابله با خطرات ناشی از فعالیت‌های آنان اقدامات جدی‌تری به عمل آورند.

بطور کلی در ترکمن صحرا وجود عوامل متعددی از قبیل عدم رعایت حقوق ملی و مذهبی مردم توسط جمهوری اسلامی ایران، عملکردهای غیر دموکراتیک بعضی از ارگان‌های دولتی، مبارزه حاد طبقاتی حضور فراوان مالکان و سرمایه‌داران ضربه خورده در منطقه عدم تصفیه کامل ساواکی‌ها و رستاخیزی‌ها و... دست به ضدانقلاب فرصت آنرا بخشیده است تا فعالیت‌های خود را سازماندهی کرده و تشدید نماید. شایعه پراکنی، دشمنی آشکار با خط امام و نیروهای مترقی، تبلیغات وسیع و علنی به نفع سلطنت طلبان و لیبرال‌ها و غیره از شیوه‌های مرسوم و

متداول آنان است. در میان این ضدانقلابیون طرفداران توطئه کنفرانس طائف که در پوشش "شورای مرکزی اهل سنت" (شمس) به رهبری مفتی زاده و مولوی عبدالعزیز فعالیت می‌کنند جای ویژه‌ای دارند. در اساسنامه این تشکیلات آمده است: "تلاش برای انسجام و تشکل اهل سنت ایران در جهت وحدت اسلامی، تشکیل شوراهای تابعه در تمام شهرها و نقاط سنی نشین که رابط میان مردم و شورای مرکزی می‌باشد... و ایادی این باند تحت همین عناوین به تبلیغ و پخش اعلامیه و سخنرانی در نقاط مختلف ترکمن صحرا مشغولند. کانون سازماندهی این دارو دسته "انجمن اسلامی ترکمن صحرا" واقع در بندر ترکمن است که زیر نظر شخصی به نام ملاشاه نظری اداره می‌شود. وی که از همان پیروزی انقلاب با همکاری یکی از جنایتکاران سابقه‌دار به نام "یاری"، به عنوان نماینده مفتی زاده در منطقه به حرکات تفرقه افکنانه مشغول و اوائل نیز از حمایت ارگان‌های انقلابی برخوردار بود، در تاریخ ۱۶ فروردین ۶۰ توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندر ترکمن دستگیر گردید، اما طرفداران شناخته شده وی



شهادت محمد اردنجی، کودک ۱۰ ساله، زنگ خطری است برای مسئولین جمهوری اسلامی تا اقدامات جدی‌تری برای مقابله با ضدانقلاب و خطرات ناشی از فعالیت‌های آنان به عمل آورند.

ترکمن صحرا " برعلیه جمهوری اسلامی و به طرفداری از مفتی زاده و اعلامیه‌ای نیز به امضاء " سازمان اسلامی محمدی اهل سنت - زاهدان " به دفاع از شاه نظری در گنبد پخش کرده و توسط عوامل خود تلاش‌هایی برای نفوذ در شوراهای محلات شهر می‌کنند که تا حدی نیز با موفقیت همراه بوده است. این باند ضدانقلابی روابط بسیار نزدیکی نیز با افغان‌های مهاجر در منطقه برقرار کرده‌اند، بطوریکه افغانی‌ها با تشکیل جلسات مشترکی فعالیت‌های خود را هماهنگ کرده و تبلیغات خود را بر علیه حکومت‌های ایران و افغانستان شدت بخشیده‌اند تحت این عنوان که رژیم ایران هم کمونیستی است چون همان کارهایی را می‌کند که رژیم افغانستان انجام می‌دهد، مثل گرفتن زمین مردم و... پوسترها، اعلامیه‌ها و تراکت‌های ضد انقلابیون افغانی به وسیله دار و دسته "شمس" بطور گسترده در منطقه پخش می‌شود و جو نا امنی و نگرانی زیادی هم که در اثر دزدی و قاچاق و جنایت‌های پیاپی این عده بر منطقه حاکم گردیده است زمینه مساعدی برای تبلیغات ضد حاکمیت "شمس" فراهم می‌سازد.

جدا از حرکات ساواکی‌ها و سلطنت طلبان، و لیبرال‌ها و... این‌ها فقط گوشه‌ای بود از فعالیت یک باند سازمان یافته در منطقه که مسئولین جمهوری اسلامی لازم است با هوشیاری کامل هر چه سریع‌تر در جهت سرکوب و متلاشی کردن آن اقدام نمایند

سنی ترکمن و بلوچ منطقه و جم فرماندار سابق گنبد که خلق مسلمانی است در کلاله تشکیل گردید و بلافاصله روز ۵ خرداد ۶۰ تعدادی از این روحانیون با ایران پیما از کلاله عازم تهران می‌شوند تا در کنفرانس "شورای مرکزی سنت" شرکت نمایند و در همین رابطه عده‌ای دیگر از جمله قاری آخوند و نیازی رئیس آموزش و پرورش کلاله به زاهدان نزد مولوی عبدالعزیز می‌روند. پس از این تماس‌ها دار و دسته مذکور فعالیت‌های خود را سازمان داده و به تبلیغات گسترده‌ای در منطقه دست می‌زنند. اعلامیه‌هایی به امضاء "انجمن اسلامی

عناصری از افراد ساواکی، رستاخیزی، طرفداران بختیار، عوامل سرمایه‌داران و زمینداران و عده‌ای فریب خورده در مسجد حاج محمد قادری تحصن کردند و آزادی شاه‌نظری را طلب می‌کنند که سپاه نیز بعد از یک روز وی را آزاد می‌سازد. این باند ضد انقلابی روابط نزدیکی نیز با هواداران آیت‌الله شریعتمداری که در محله پشت راه آهن بندر و خیابان بهار گنبد فعال بوده و علناً به طرفداری از شریعتمداری و ضدیت با خط امام می‌پردازد به هم رفته است. بطوریکه در اوائل خرداد ماه جلسه مشترکی با شرکت روحانیون

و زمین‌ها نیز توسط ژاندارمری به فتودال‌ها بازگردانده می‌شود. دهقانان زحمتکش قریه کوشک محمدآباد از ارگان‌های انقلابی منطقه بخصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرودشت انتظار دارند که با تعقیب جدی این جریان، قاتل دهقان مزبور را به محاکمه کشیده، نمایندگان دهقانان را از زندان آزاد و زمین‌های بلااستفاده مالکین و فتودال‌ها را در اختیار زحمتکشان روستا قرار دهند.

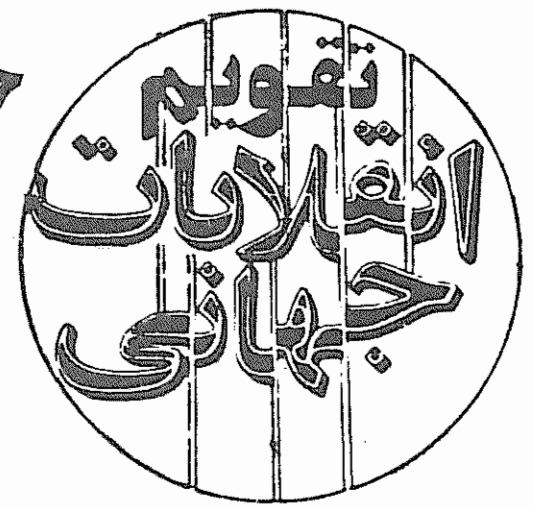
دهقانان را گرفته و چون با مقاومت آنها روبرو می‌گردند یکی از نمایندگان مالکین با تیراندازی به طرفشان باعث شهادت یک دهقان زحمتکش و زخمی شدن عده‌ای دیگر می‌گردد. این فرد مزدور که مویدی نام دارد بلافاصله توسط سپاه دستگیر می‌شود اما در کمال تعجب ژاندارمری منطقه نیز همان روز تعداد زیادی از دهقانان را به جرم واهی ایجاد اغتشاش بازداشت نموده و به شیراز می‌فرستد که ۷ نفر از آنها با قرار روانه زندان می‌شوند

است که متعلق به فتودال‌های منطقه بوده و همچنان بایر مانده است. دهقانان زحمتکش روستا با اعلام اینکه مالکین این زمین‌ها همگی از سرمایه‌داران و فتودال‌های بزرگی هستند که در شهر زندگی کرده و احتیاجی به کشت زمین‌ها ندارند و مضافاً بر اینکه برای افزایش تولید و جلوگیری از ورود محصولات کشاورزی از خارج همه زمین‌ها باید به زیر کشت بروند، اقدام به کشت زمین‌های مزبور می‌کنند اما ایادی و عمال فتودال‌ها جلوی

شهادت يك دهقان زحمتکش به دست عمال فتودال‌ها

کنار میهمان توسط زمینداران بزرگ و فتودال‌ها و عیال جنایتکارشان رخ می‌دهد و واقعه زیر نمونه دیگری از آن است: روستای کوشک محمدآباد از توابع منطقه بیضاء شهرستان مرودشت فارس دارای زمین‌های حاصلخیز فراوانی

تزلزل‌ها و مماشات مسئولین جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با خوانین و فتودال‌های ضدانقلابی به ویژه توقف اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی زمینه‌ساز توطئه‌ها و جنایات بی‌شماری گردید که هر روزه در روستاهای مختلف گوشه و



خلق عمان قاطعانه به مبارزه خود ادامه می دهد

انقلاب در ژانویه ۱۹۷۶ مترتب بود به جهانیان ثابت نمود.

اتحاد وحشیانه نیروهای امپریالیسم و ارتجاع و رژیم دست نشانده مسقط همراه با برخی کمبودها و اشتباهاتی که پیشتر انقلاب، دچار آن شد به عقب نشینی موقت نظامی انقلاب منجر گردید. دشمنان شرط می بستند که ضربات نظامی آنها می تواند به شکست کامل سیاسی انقلاب منجر گردد. اما آنها در دستیابی به این هدف شکست خوردند و هنوز از این مسئله در وحشت هستند.

انقلاب و پیشتر آن "جبهه" در محدود ساختن اثرات شکست نظامی در محدوده شرایط عملی، موفقیت حاصل نموده، درسهای مثبت و منفی آن را جذب کرده و با استفاده از این آموزشهای خلاق برای ایجاد بنیانی استوار و پایگاهی مستحکم در جهت مبارزه ای قاطع تر و همه جانبه، با اتکاء بر دید عمیق سیاسی در جهت استراتژی ادامه انقلاب در کشورمان و رهبری آن تا پیروزی نهائی کوشش کرد و آن را به زمینه ای برای پیروزی در این آزمایش مبدل ساخته است.

دوره گذار گذشته - پس از عقب نشینی - شاهد موفقیت های بزرگ و شایقی در جهت تقویت شرایط خود ویژه انقلاب و پیشتر آن، جبهه بوده

عمیقاً اعتقاد داریم که انقلاب عمان یکی از اجزاء انقلاب جهانی است که در کنار تمامی نیروهای استقلال، پیشرفت و سوسیالیسم جهان قرار دارد. ما اهمیت خاصی برای تقویت و تحکیم روابط رزمجویانه با این نیروها به رهبری کشورهای سوسیالیست دوست و پیشتر آنها اتحاد شوروی قائلیم.

است. در عین حال و از سوی دیگر این دوره تا به امروز شاهد برخوردهای نظامی متعدد در تلفیق با مبارزه چند جانبه سیاسی و توده ای علیه رژیم دست نشانده و اربابان امپریالیستی اش بوده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا با توجه به پیروزی های درخشانی که خلق های ایران و افغانستان و پایداری انقلاب فلسطین و سوریه در مقابل توطئه های

کمته اجرائی مرکزی جبهه خلق برای آزادی عمان در تاریخ ۲۵ آوریل ۸۱ پیامی به مناسبت فرا رسیدن سالروز انقلاب مسلحانه خلق عمان برای نیروهای انقلابی منطقه و جهان ارسال نمود. در این پیام ضمن گرامی داشت سالروز انقلاب نهم ژوئن بر اراده قاطع خلق عمان برای ادامه مبارزه و همچنین ضرورت وحدت هرچه مستحکم تر نیروهای انقلابی منطقه و جهان در مقابل امپریالیسم آمریکا تأکید شده است. ما ضمن نثار درودهای بی پایان خود به خلق رزمنده عمان و رهبری آن، جبهه خلق برای آزادی عمان قسمت هایی از این پیام را برای اطلاع هموطنان خود درج می نمائیم:

... پیشروی شجاعانه انقلاب عمان در روز ۹ ژوئن ۱۹۶۵ به عنوان تجلی گرد اراده توده های ما آغاز گردید تا به خواسته ها و آرزوهای آنها برای آزادی، استقلال ملی و دموکراسی جامعه عمل بپوشاند. اینها اهدافی هستند که به خاطر آنها خلق ما در طول ۱۶ سال مبارزه هزاران شهید تقدیم کرده فداکاری های عظیمی در تمامی جبهه ها بروز داده و صدها زندانی

سیاسی که بسیاری از آنها تا به امروز همچنان متحمل رنج شکنجه هایی هستند که در زندان های حکومت مستشاران انگلیسی و نوکرشان قابوس گرفتارند.

انقلاب ما مورد هجوم توطئه های خرابکارانه امپریالیستی پی در پی واقع شده است. این انقلاب مورد هجوم حملات وحشیانه نظامی متعددی بوده که در آنها نیروهای متعدد امپریالیستی و عوامل مرتجعشان در منطقه و در رأس همه آنها نیروهای رژیم سرنگون شده شاه شرکت داشتند.

عمان برای امپریالیسم جهانی و سرکرده آن امپریالیسم ایالات متحده آمریکا منطقه حساسی بوده و همچنان هست. البته این مسئله انقلاب عمان را با مشکلات پیچیده ای مواجه ساخته است.

اما علیرغم این مشکلات پایداری انقلاب در تمامی شرایط امکان تحقق بخشیدن به هدف نابودی و ختم انقلاب که امپریالیستها و مرتجعین در راه آن کوشش می کردند را از آنان سلب کرد. انقلاب عمان موجودیت خود را در شرایط تهاجم امپریالیستی و ارتجاعی حفظ نمود و قدرت خود را در فائق آمدن بر مشکلات عدیدهای که با آنها روبرو بود، بخصوص نتایجی که موقتا بر پیروزی نیروهای امپریالیستی و عوامل محلی اش بر نیروهای

امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع به دست آورده اند و ادامه مبارزه قهرمانانه جنبش ملی لبنان و تمامی گروه های انقلابی عرب و همچنین با توجه به نتایج کمپ دیوید و بحرانی که به آن دچار آمده است اکنون در حال سازماندهی نیروهای وسیع دریایی در خلیج عمان و جزیره مصیره و توسعه پایگاه های تجاوزگرانه دریایی و هوایی خود در پایگاه های سلاله، تمرست، مصیره، مسقط، خصب، ام القصر و سایر مناطق عمان تحت پوشش مشروعیت بین المللی رژیم قابوس می باشد که علنا از چنین حضور نظامی دعوت به عمل آورده آنرا ستایش کرده و تشویق می نمایند و منافع ملی خلق عمان و همچنین منافع ملی و امنیت منطقه و همچنین منافع ملی و قطعنامه های همبستگی ملی علیه کمپ دیوید و شرکای آنرا زیر پا گذارده است.

ما کاملاً به قدرت سازنده خلق خود که قادر است مبارزه را با استفاده از تمام شیوه ها منجمله مبارزه مسلحانه برای تحقق آزادی و استقلال کشورمان و برای قرار دادن عمان در جایگاه واقعی خود. در عرصه مبارزه ملی و بین المللی علیه امپریالیسم و صهیونیسم وابسته به آن ایمان داریم. ما علاوه بر اتکاء بر توده های خلقمان و نیروی خلاقه اشان به پشتیبانی و همبستگی مردم خلق عرب مان و دولت های ملی آن و حمایت مؤثر و همبستگی نیروهای انقلاب جهانی به رهبری کشورهای جامعه سوسیالیستی و همه نیروهای که در جهان برای اهداف رهایی، پیشرفت و صلح می رزمند تکیه داریم.

ما خود را جزء جداناپذیری از جنبش انقلابی عربی خلق عربمان و جزء جداناپذیری از جنبش انقلابی جهان می دانیم. به همین دلیل برای تقویت و تحکیم روابط رزمجویانه خود به تمامی سازمان های عربی و سازمان ها و احزاب دمکراتیک و دول ملی عربی اهمیت فوق العاده ای قائل هستیم، زیرا ما از نظر تاریخی در مقابله با توطئه های امپریالیستی، صهیونیستی و ارتجاعی که خطرناک ترین حلقه آن اکنون در کمپ دیوید متجلی است، در یک سنگر قرار داریم و در نتیجه مبارزه ما مبارزه ای است همبسته. ما در عین حال عمیقاً اعتقاد داریم که انقلاب عمان یکی از اجزاء انقلاب جهانی است که در کنار تمامی نیروهای استقلال، پیشرفت و سوسیالیسم جهان قرار دارد. ما اهمیت خاصی برای تقویت و تحکیم روابط رزمجویانه با این نیروها به رهبری کشورهای سوسیالیست دوست و پیشتر آنها اتحاد شوروی قائلیم. تا آزادی و عدالت بر جهان نوین ما حاکم گردد و امپریالیسم جهانی و حرکاتش که بر پایه کنترل غارت خلق ها و تشنج فزاینده و جنگ های جهانی قرار دارد نابود گردد...

کمیته اجرائی جبهه خلق برای آزادی عمان

قبل از هر چیز این مسئله را روشن کنند که این "مجاهدین" چه کسانی هستند و چرا اکثریت این نیروی طفیلی، مبادرت به فساد، فحشاء، قاچاقچی گری و جنایات هولناک را بر همان "جهاد" ادعای خودشان ترجیح می دهند؟! رهبران این "مجاهدین" از چه قماشند و چرا دست در دست امپریالیستها و سران مرتجع ترین حکومت های منطقه که دشمن آشتی ناپذیر هم جمهوری اسلامی ایران و هم جمهوری دمکراتیک افغانستان هستند، گذاشته اند؟! ما اطمینان داریم که هرگاه مسئولین صدیق و با حسن نیت، مسائل مربوط به افغانستان را با عمق و دقت بیشتری تعقیب نمایند، به نتایج دیگری خواهند رسید که با برداشتهای فعلی آنان کاملاً متفاوت خواهد بود.

بقیه از صفحه ۵

با انقلاب یا...

... عقیده

آقای کنی این بود که: "باید مانند پاکستان مهاجرین افغانی را در اردوگاه هایی واقع در نواحی مرزی اسکان داد تا هم در دسری برای جامعه نباشند و هم در خدمت جنبش رهایی بخش (!) قرار گیرند."

به اعتقاد ما اگر آقای کنی اندکی در پاسخ به پرسش هشیارانه ای که خود بدرستی مطرح کرده اند تأمل می نمودند، قاعدتاً می بایست به راه حل دیگری می رسیدند. یعنی آقای کنی می بایست

سیاست خارجی چین :

پیوند با امپریالیسم و خیانت به انقلاب

در هفته گذشته پس از دیدار الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا از چین توافقنامه دو کشور مبنی بر فروش اسلحه به چین از طرف دولت آمریکا اعلام شد . این توافق برای کسانی که با سیاست خارجی چین آشنائی دارند به هیچ وجه تعجب برانگیز نیست چرا که رهبری مائوئیستی چین نزدیک به یک دهه است که سیاست اتحاد آشکار و همه جانبه با امپریالیسم را دنبال کرده و نقش فعالی در ضربه زدن به انقلاب خلق های سراسر جهان بر عهده گرفته است . مائوئیست ها با طرح تئوری ارتجاعی سه جهان ، چین را به سرعت از مواضع ضد امپریالیستی دور کرده ، با ائتلاف با ارتجاعی ترین محافل جهان خیانتی آشکار به انقلاب خلق چین و امر انقلاب جهانی نمودند .

تمام آن حکومت های فاسدی که روزگاری مورد شدیدترین حملات تبلیغاتی پکن واقع می شدند ، هم اکنون به دوستان متحد این کشور تبدیل شده اند . سیاست ضد شوروی که اکنون وجه اصلی سیاست رهبران چینی را تشکیل می دهد بطور آشکار و عینی این کشور را در جهت استراتژی عمومی امپریالیسم جهانی سیر داده است . به همین دلیل است که ارتجاعی ترین محافل بورژوازی در غرب مدت ها است درایت سیاسی رهبران چینی را مورد ستایش قرار داده و هماهنگی با اردوی امپریالیستی جهان را دلیلی بر "واقفگرائی" سیاست خارجی چین قلمداد می کنند .

نظریه پردازان بورژوازی ، سیاست های رهبران چین را صرفاً "به دلیل ماهیت ضد شوروی و ضد سوسیالیستی آن تحسین کرده و از آنها برای مقابله با نیروهای اردوگاه سوسیالیستی و متحدان آن بهره برداری کرده اند .

از سوی دیگر رهبران پکن نیز کشور خود را به اتحاد با نیروهای امپریالیستی کشانیده اند تا در عوض از کمک های فنی و نظامی و اقتصادی آنها بهره مند شوند .

نگاهی کوتاه به جنبه های مختلف سیاست خارجی چین در گذشته و حال پرده از ماهیت خائنانه عملکردهای مائوئیستی ، و به ویژه تئوری ارتجاعی سه جهان ، بر می دارد .

رهبران چین زمانی ایالات متحده آمریکا را دشمن شماره یک بشریت می دانستند و هرگونه مناسبات کشورهای سوسیالیستی با امپریالیسم آمریکا (حتی مناسبات دیپلماتیک) را نوعی خیانت به آرمان سوسیالیسم قلمداد می کردند . به دنبال گسیختن از اردوگاه سوسیالیستی در دهه ۶۰ که ناشی از عظمت طلبی های افراطی رهبری چین بود ، حکومت چین به مسیری گام نهاد که نتیجه اجتناب ناپذیرش تئوری "سه جهان" در اوائل دهه هفتاد و حرکت به سوی هماهنگی کامل با سیاست های تجاوز کارانه اردوگاه امپریالیستی جهان به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بود . تئوری مائوئیستی و ارتجاعی سه جهان به مقابله زمینه تئوریک سیاست ضد سوسیالیستی چین عمل کرده و همکاری این کشور را با پلیدترین و ضد انسانی ترین نیروهای ارتجاعی جهان توجیه نموده است . لازم به تاءکید است که نکات اصلی این تئوری توسط

شخص مائوتسه تنگ تنظیم شد و در زمان حیات خود وی به اساس سیاست خارجی چین تبدیل شد . مائو در ۶ فوریه سال ۱۹۷۴ در ملاقات با کنت کائوندا رهبر زامبیا چنین گفت : به گمان من ایالات متحده و اتحاد شوروی "جهان اول" ، ژاپن اروپای غربی و کانادا "جهان دوم" ، و کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین جهان سوم را تشکیل می دهند . مائوئیست ها سپس ایالات متحده را "بر قدرت دفاعی" و اتحاد شوروی را "بر قدرت تهاجمی" نام نهادند و بدین طریق خطر اصلی جهان و دشمن شماره یک بشریت را اتحاد شوروی معرفی کردند . بر اساس چنین تحلیل پوچ و رسوائی ، رهبران چین به وحدت استراتژیک با امپریالیست ها پرداخته و بزرگترین خیانت ها به آرمان سوسیالیسم را مرتکب شدند .

در دهه هفتاد گرایش نزدیکی با دولت های امپریالیستی و به ویژه آمریکا به یک جنبه برجسته سیاست خارجی چین تبدیل شد . ملاقات های متعددی بین رهبران دو کشور بوجود آمد که از آن جمله می توان دیدار نیکسون از چین در سال ۱۹۷۲ را ذکر کرد . در اثر چنین سیاست هایی بود که الکساندر هیگ وزیر خارجه کنونی آمریکا در سال ۱۹۷۸ هنگامی که فرماندهی عالی نیروهای مشترک "ناتو" را به عهده داشت اظهار داشت " از نظر ما چین به مثابه شانزدهمین عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تلقی خواهد شد" در سال ۱۹۷۹ هواکوفنگ رهبر چین از کشورهای اروپای غربی دیدار کرد و مذاکراتی در زمینه مخالفت با تشنج زدائی و خلع سلاح اتمی به عمل آورد . وی صریحاً از حکومت های اروپائی خواست که برای مقابله با اتحاد شوروی ، با استقرار موشک های هسته ای آمریکا در اروپای غربی موافقت نمایند . در همین سال هیات های نمایندگی پکن از کشورهای انگلستان و فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی نیز دیدار به عمل آوردند و مذاکراتی در زمینه همکاری های نظامی و اقتصادی و سیاسی انجام دادند . در ماه مارس سال ۱۹۸۰ وزیر دفاع انگلستان که به پکن رفته بود اعلان کرد که " انگلستان آماده است تا چین را بانواع صلاح های جنگی مجهز نماید " .

همچنین در دیداری که در سال ۱۹۸۰ هیات نمایندگی چین به رهبری هواکوفنگ از ژاپن به عمل آورد ، همکاری های نظامی بین دو کشور تدارک دیده شد . دو ماه بعد هواکوفنگ برای بار دوم به ژاپن رفت و در آنجا با کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا ، و رهبران کشورهای "آ سه آن" مذاکراتی در زمینه های استراتژیک انجام داد .

در اوائل سال ۱۹۷۹ تنگ شیائوپینگ از ایالات متحده آمریکا دیدار کرد و مذاکرات محرمانه ای با کارتر و سایر مقامات حکومتی این کشور انجام داد . وی در این سفر آشکارا درخواست کرد که اتحاد چین ، آمریکا اروپای غربی و ژاپن برای مقابله با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برقرار شود . در ژانویه سال ۱۹۸۰ هارولد براون وزیر دفاع ایالات

متحده از چین بازدید به عمل آورد و این دیدار در واقع آغازگر استقرار پیوندهای مستقیم بین ایالات متحده و چین در حوزه نظامی بود . دو طرف هدف مشترک خود را مقابله با "خطر شوروی" اعلام داشته و عملیات مشترک و هماهنگ را در حوزه بین المللی مورد توافق قرار دادند . به ویژه در این مذاکرات توافق مشخصی در مورد ارائه کمک های مادی و نظامی مشترک به ضد انقلابیون افغانستان ، و همچنین افزایش کمک های نظامی به پاکستان صورت پذیرفت .

در ماه ژوئن همین سال هیئت نمایندگی چین از ایالات متحده بازدید به عمل آورد . این هیئت اجازه یافت که از برخی پایگاه های نظامی آمریکا دیدار کند . در خلال مذاکرات این هیئت با مقامات کاخ سفید ، آمریکا موافقت کرد که سیستم های رادار ، هواپیما های حمل و نقل نظامی ، و تسهیلات ارتباطی در اختیار چین قرار دهد و علاوه بر این آمریکا پذیرفت که کمک های وسیعی برای توسعه صنایع نظامی چین اختصاص دهد .

دیدارهای فوق نمونه هایی از تلاش های پکن برای نزدیکی با امپریالیست ها بود . این تلاش ها از حوزه همکاری های سیاسی زودگذر فراتر رفته و به حوزه همکاری های نظامی و استراتژیک وارد شده است .

در آوریل سال ۱۹۸۰ تنگ شیائوپینگ بطور رسمی تاءکید کرد که : "نزدیکی بین چین و آمریکا اقدامی نیست که صرفاً بر اساس ملاحظات تاکتیکی اتخاذ شده باشد ، بلکه این نزدیکی سیاست استراتژیک طولانی مدت ما خواهد بود" در ادامه تلاش برای نزدیکی با ایالات متحده ، رهبران چین کوشیدند که پیوندهای نظامی و سیاسی با کشورهای دیگر پیمان "ناتو" و همچنین ژاپن برقرار کنند و به همین دلیل هیات نمایندگی چین طی دیدار با سران این کشورها اظهار داشت

" ایالات متحده ، اروپای غربی و ژاپن باید هزینه های نظامی خود را بالا برند و در مقابله با شوروی قاطعانه تر عمل نمایند " اقدامات حکومت چین در زمینه مسائل بین المللی دقیقاً مورد توجه امپریالیست ها قرار گرفته و واکنش های مثبت نشان داده اند .

دیدار هفته گذشته الکساندر هیگ از پکن که در طی آن توافق آمریکا برای فروش اسلحه به چین اعلام شد ، نیز بخشی از همین تلاش های حکومت چین در جهت پیوند استراتژیک با امپریالیسم و مقابله با اردوگاه سوسیالیستی جهان است .

همزمان با چرخش ارتجاعی در سیاست خارجی چین ، در موضع گیری های این کشور نسبت به جنبش های آزادی بخش ملی و تمام نیروهای ضد امپریالیست سراسر جهان نیز تغییری فاحش ایجاد شد . مناسبات گرم چین با رژیم فاشیستی پینوشه در شیلی ، و همچنین با حکومت های دیکتاتوری و فاسد آرژانتین - برزیل در آمریکای لاتین و مقابله و خصومت با کوبای سوسیالیست در این قاره جنبه ای از سیاست خارجی چین را تشکیل می دهد .

در جریان حوادث آنگولا در سال ۱۹۷۶ چین رسماً "و آشکارا در کنار اردوی امپریالیستی قرار گرفت و همراه نژادپرستان آفریقای جنوبی علیه انقلاب آنگولا به رهبری میلا وارد عمل شد . و پس از پیروزی میلا نیز این سیاست چین همچنان ادامه دارد بطوری که در حال حاضر همراه با آفریقای جنوبی و سایر محافل ارتجاعی قاره آفریقا به توطئه علیه حکومت آنگولا ادامه می دهد .

همچنین در سال ۱۹۷۸ در جریان شورش بقیه در صفحه ۱۷

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

گرامی باد خاطره پرشکوه فدائی شهید محمد رضا اکبری

هواداران سازمان در مرد به مناسبت شهادت فدائی شهید رفیق محمد رضا اکبری که در جبهه سوسنگرد به شهادت رسیده است، اعلامیه‌ای منتشر کردند. در این اعلامیه ضمن اشاره به مبارزات رفیق شهید در دوران انقلاب، خطاب به مردم مبارز مرد آمده است: "... ما هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" مرد نسبت به تعهدی که در برابر انقلاب پرشکوه مردم میهنمان داریم، در شرایط حساس کنونی تفرقه - افکنی در میان صفوف فشرده خلق را محکوم کرده و آن را سلاح زنگزده امریکائی می‌دانیم."

تعطیل موقت مجتمع فولاد اهواز ضربه به انقلاب است

شاخه خوزستان سازمان در رابطه با تعطیل شدن مجتمع فولاد اهواز اعلامیه منتشر کرد و در آن عوارض خسارات ناشی از آن را برشمرد. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است: "... صادر کنندگان حکم تعطیل موقت مجتمع فولاد پس از ماه‌ها بی‌سیاستی و بی‌برنامگی و تردید و ندانم - کاری در زمینه صنعت مادر، سیاست تخریب برگزیدند و راه انهدام صنایع پیش گرفتند. بی‌آنکه برنامه‌ای با اهداف معین و روشن ارائه دهند، به تمام کوشش‌های بی‌دریغ و متعهدانه کارکنان مجتمع که در جهت تنظیم برنامه انقلابی برای راه‌اندازی آن تلاش می‌نمودند، پشت پا زدند. در برابر بی‌برنامگی مسئولان صدرنشین صنایع فولاد، در برابر سیاست‌های اخلاک‌گرانه کارشناسان لیبرال و در برابر تنگ‌نظری‌ها و کوتاه‌بینی‌های ناشی از جهل علمی، متخصصان مومن به انقلاب و کارگران شریف فولاد همواره از برنامه‌های دفاع می‌کنند که با در نظر گرفتن امکانات موجود به بهترین طریق ممکن با مصالح انقلاب همراه باشد."

از خواست‌های برحق زحمتکشان بخش چگنی خرم‌آباد دفاع کنیم

شاخه لرستان سازمان اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کرد. در این اعلامیه با اشاره به حوادثی که اخیراً در بخش چگنی خرم‌آباد اتفاق افتاده است و همچنین فعالیت‌های ضدانقلابی فتوئال‌های منطقه به‌ویژه "عزت‌خان طولابی" و نیز بررسی وضعیت منطقه و مشکلات دهقانان و زحمتکشان آن، چنین نوشته‌اند: "... مجموعه این عوامل شرایطی را فراهم آورده است که فتوئال‌ها و زمینداران منطقه چهره خود را پشت خواست‌های برحق مردم پنهان کنند و با بهره برداری از نارضایتی‌های آنان منافع ضد مردمی خویش را پیش ببرند. هر یک از مقامات جمهوری اسلامی هرگاه بخواهند به منافع مردم پای‌بند بمانند و از توطئه‌های ضدانقلاب جلوگیری کنند جز این راهی ندارند که سیاست‌های خود را در

قبال زحمتکشان تصحیح کنند. در این مورد نخست لازم است صف دهقانان و خواست‌های برحق آنان را از صف فتوئال‌ها جدا کرد و در جهت تامین خواست‌های مردم گام برداشت. دوم اینکه توزیع مایحتاج عمومی از طریق شوراهای مردمی روستاها پیش رود و سوم اینکه بجای تکیه بر عناصر فرصت‌طلب و سودجو و استفاده از اختلافات طایفه‌ای، نیروهای ترقیخواه و مردمی را در جهت خدمت به زحمتکشان به کار گرفت.

چه کسانی مانع تعقیب و مجازات ضد انقلابیونی نظیر فتح‌اله خان شادلو هستند؟

هواداران ساربان در بجنورد اعلامیه‌ای منتشر کردند که در بخشی از آن آمده است: "... حدود چهارماه پیش ایادی فتح‌اله خان شادلو به قصد ترور یکی از نمایندگان دهقانان منطقه سعی در به‌دار کشیدن یکی از دهقانان آگاه و انقلابی و نماینده هیئت هفت‌نفره در روستای شیرآباد (۵۰ کیلومتری بجنورد) داشتند که سایر دهقانان از فریاد اسدالله متوجه جریان شده و بلافاصله خود را به محل می‌رسانند و او را در حال بیهوشی به بیمارستان بجنورد می‌رسانند."

پس از شکست توطئه ترور اسدالله مکرمی دهقانان شیرآباد بطور جمعی به ادارات و ارگان‌های مسئول مراجعه می‌نمایند و فتح‌الله خان به مدت کوتاهی توسط دادسرای انقلاب بازداشت می‌شود و طولی نمی‌کشد که با اعمال نفوذ و دخالت حامیان فتوئال‌ها و عناصر غیرمسئول شهر آزاد می‌گردد. ما ضمن محکوم کردن این‌گونه سهل - انگاری‌ها و برخوردهای مماشات‌گرایانه با این ضدانقلابیون که یکبار نیز در مورد همام‌الدین همای (فتوئال محمدآباد طیس) تکرار شده است، همراه با دهقانان زحمتکش منطقه خواهان دستگیری و محاکمه فتح‌الله خان شادلو و دیگر ضدانقلابیون هستیم.

در برداشت محصول به روستائیان کمک کنیم

هواداران سازمان در جهرم با انتشار تراکتی خطاب به همشهریان مبارز خود اعلام داشتند: "... اخیراً جهادسازندگی جهرم اطلاعیه‌ای مبنی بر دعوت مردم برای شرکت و همکاری در برداشت محصول روستائیان صادر کرده است و از آنجا که در شرایط فعلی تولید بیشتر در خدمت انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است، از مردم مبارز جهرم دعوت می‌کنیم که در این فعالیت انقلابی همگام با جهادسازندگی شرکت کنند."

فکری به حال ما کارگران زحمتکش بکند و با ملی کردن تجارت خارجی شر سرمایه‌داران و دلالتان را از سر ما کم کند. تاکنون که چنین نشده است و ما کارگران قالبیاف مانند سابق اسیر این سرمایه‌داران زالوصفت هستیم.

ما می‌خواهیم این پول‌هایی که سرمایه‌داران وابسته و دلال‌های بیکار می‌برند، قطع شود و فرش‌هایی را که ما با جان و دل می‌بافیم، بطور مستقیم در اختیار مصرف‌کنندگان قرارگیرد.

در اینجا بد نیست که قسمتی از نحوه فروش فرش را برایتان بگویم تا مشاهده کنید که چگونه سرمایه‌داران بدون کوچک‌ترین زحمتی صاحب سرمایه می‌شوند.

یک فرش از روزی که بافته می‌شود تا روزی که به دست خریدار واقعی آن یعنی مصرف‌کننده می‌رسد، چندین مرحله را طی می‌کند. کارگران قالبیاف معمولاً یا خودشان دستگاه قالبیافی دارند و یا اینکه برای دیگران کار می‌کنند. تجار بزرگ نیز از کارگران قالبی نمی‌خرند بلکه با دلال‌ها و واسطه‌ها معامله می‌کنند. دلال‌ها فرش را که می‌خرند، مدتی میان خودشان رد و بدل می‌کنند و سپس با قیمت مناسب به تاجرهای می‌فروشند. تاجرهای هم شروع می‌کنند به یکدیگر فروختن و هر کدام مبلغ قابل توجهی سود می‌برند و پس از استفاده‌های کلان یا آن را به خارج صادر می‌کنند و یا با قیمت‌های گزاف به مصرف‌کنندگان می‌دهند.

خلاصه کلام قیمت فرش تا به دست مصرف‌کننده برسد، چندین برابر، با قیمتی که ما به آنها فروخته‌ایم افزایش می‌یابد.

اکنون ما از دولت تقاضا داریم که با ملی کردن تجارت خارجی، هم دست این واسطه‌ها را کوتاه کند و هم در هر منطقه یک شرکت تعاونی فرش دایر کنند تا کارگران بتوانند فرش‌هایی را که با هزاران خون دل می‌بافند، بطور مستقیم در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند.

با درودهای فراوان به فدائیان خلق "اکثریت" مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا - کارگر قالبیاف از توابع شبستر

از میان نامه‌ها حرف‌های زحمتکشان

نامه یک قالبیاف زحمتکش از شبستر از خون انگشتانمان گل‌های قالی رنگ می‌گیرد

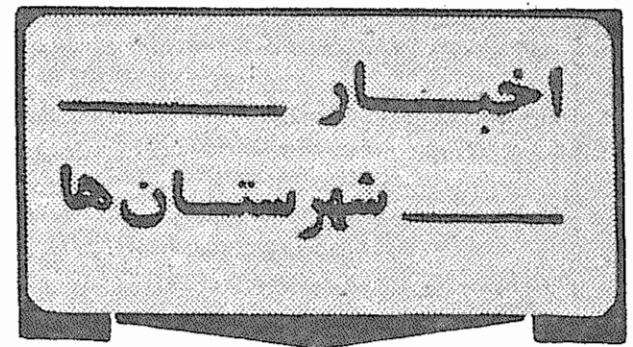
نشریه محترم کار: با درود بی‌پایان به سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"

رفقا، من یک کارگر قالبیاف هستم و در یکی از توابع شهرستان شبستر زندگی می‌کنم. می‌خواستم کمی برایتان از وضع کارگران قالبیاف بنویسم و بگویم که به قول یکی از شاعران "از خون انگشتانمان گل‌های قالی رنگ می‌گیرد."

بله رفقا، ما هنوز اسیر دست تاجران و دلالتان زالوصفت هستیم. آنها از کودکی شاهد مرگ تدریجی ما هستند. اگر هم مقداری دستمزد به ما می‌دهند، برای آن است که بتوانیم حداقل غذا و خوراک بخور و نمیری تهیه کنیم تا زنده باشیم و برای آنان جان بکنیم!

همانطور که می‌دانید زحمتکشان در انقلاب ایران سهم بزرگی داشتند و دارند. کارگران قالبیاف نیز که مدت‌ها زیر ستم این مزدوران بودند، فعالانه در انقلاب پرشکوه ایران شرکت داشتند. در آن هنگام سرمایه‌داران و تجار بزرگ به گوشه خانه‌هایشان خزیده و بسیاری از کارگاه‌های قالبیافی را بسته و ما را رها کرده بودند. کارگران نیز بدون دریافت دستمزد با سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کردند.

پس از انقلاب، ما انتظار داشتیم که دولت جمهوری اسلامی که خود را از زحمتکشان می‌داند



تخریب کومه های صیادی افزودن بر ناراضی ها است

بهشهر - گروهی از پاسداران بهشهر کومه های صیادی و تعدادی از ساختمان ها، را که به وسیله صیادان و اهالی روستای 'زاغمرز' در محدوده اراضی ملی، ساخته شده بود تخریب کردند. قبل از این اقدام گروهی از اهالی محل که هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی اند از مسئولان و نهادهای انقلابی خواسته بودند که به جای تخریب راه حل های دیگری پیدا کنند تا هم موازین قانونی رعایت شود و هم سرمایه و زندگی عده ای از زحمتکشان بر باد نرود. متأسفانه این درخواست مورد توجه قرار نگرفت و با یک اقدام نادرست و نسنجیده به ناراضی ها دامن زده شد. یکی از صیادان پس از تخریب کومه اش چنین گفت: "به من ده هزار تومان ضرر زدند اما با این کارشان حداقل ۵۰۰ نفر را ناراضی کردند!" شخص دیگری می گفت: "معلوم نیست نهادهای بهشهر از کجا فرمان می گیرند؟ گویا آنها خودمختار هستند"

هواداران سازمان در "زاغمرز"، در جریان این واقعه، ضمن اینکه سعی داشتند راه حل های درستی ارائه دهند (و با عمل تخریب نیز موافق نبودند) اما به سهم خود اجازه ندادند عناصر مخالف انقلاب و جریان های انحرافی از این رویداد تا سف آبر سو استفاده کنند و موجب درگیری و برخورد میان مردم و نهادها شوند. مسئولان منطقه می بایستی به خواست های صیادان و زحمتکشانی که کومه هایشان را ویران کرده اند رسیدگی کنند و با عناصری که خودسرانه اقدام به تخریب کومه ها نموده اند، بطور جدی برخورد نمایند.

دادگاه انقلاب اسلامی اراک از چه کسانی دفاع می کند؟!

اراک - مدتی است که خانها و زمین داران بزرگ منطقه همچون خانبلوکی ها، فراهانچی ها بیات ها، خسروانی ها و دیگران می کوشند از راه های مختلف زمین هایی را که توسط روستائیان زحمتکش صادره شده و یا از طریق هیات های هفت نفره در اختیار آنها قرار گرفته مجدداً تصاحب کنند! دادگاه انقلاب اسلامی اراک که موظف است از منافع توده ها دفاع کند، در بسیاری از موارد به دفاع از مالکین خونخوار برخاسته است. به عنوان نمونه اخیراً حکمی از طرف این دادگاه صادر شده که بر طبق آن می بایست زحمتکشان روستای "عباس آباد طورگیر"

نیاز کشاورزان از مشکلات اساسی و مبرم فعلی آنان است. در این فصل روستائیان نیاز حیاتی به مواد سوختی جهت کار پمپ های آب تراکتور سم پاشی و غیره دارند. با اشکالاتی که فعلاً در امر توزیع سوخت در روستاها وجود دارد، روستائیان دچار گرفتاری های زیادی در این زمینه هستند. لازم است مسئولین امر هرچه سریع تر فکری برای توزیع سریع و به موقع سوخت در روستاها بنمایند.



اخبار کوتاه

رویدادهای تأسف باری که طی چند ماه گذشته در گناباد و کاخک و مناطق اطراف اتفاق افتاد و منجر به کشته شدن چند نفر و دستگیری عده ای شد، در ادامه خود درگیری هایی را به دنبال داشت.

هواداران سازمان در این مناطق نیروهای انقلابی و مردم را به حفظ آرامش و همکاری هر چه بیشتر در جهت حل مشکلات مردم و بوجود آوردن زمینه تفاهم در منطقه فرا می خوانند.

خوشنشینان روستای "گردکانه" سنقر با یاری نهادهای انقلابی زمین های عباس قبادی بزرگ مالک این روستا را مصادره کردند. در همین زمان مهاجمین وابسته به باند قاسملو روستائیان را به گلوله بستند که یک نفر محروح شد. پس از چهار ساعت درگیری مهاجمین...

با مصادره نمایندگی شماره ۱۱ ایران ناسیونال در ارومیه که متعلق به سرمایه داری به نام "معماری" بود، ۶۰ نفر از کارگران و کارمندان این واحد مجدداً مشغول کار شدند و ۶۰۰ نفر متقاضی که ۲۰ میلیون تومان پول به این سرمایه دار داده بودند به حقوق خود رسیدند. سرمایه دار مزبور چندی پیش از مرز ترکیه فرار کرد.

در اوایل اردیبهشت ماه بارندگی های شدید در مناطق جیرفت و بافت کرمان دهها هزار دام متعلق به عشایر و روستائیان را از بین برد و خسارات زیادی به محصولات و فنوآت روستائیان وارد آورد. عشایر و روستائیان این مناطق که نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان خسارات دیده اند در انتظار کمک دولت و نهادهای انقلابی هستند.

سمینار سراسری مسئولین جهاد سازندگی استان ایلام با صدور قطعنامه ۸ ماده ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه تشکیل هرچه سریع تر هیات های ۷ نفره اجرای بند "ج"، ملی کردن بازرگانی خارجی و رسیدگی به وضع مالکیت ها و تعاونی ها خواسته شده است.

شازند اراضی و باغاتی را که قبلاً در تصرف سلیمان خان خانبلوکی (معدوم) و نصراله خان خانبلوکی بوده، دوباره به آنان واگذار نمایند. جالب اینکه سلیمان خان به جرم همکاری با رژیم گذشته و زجر و شکنجه روستائیان اعدام شده است و اراضی اش براساس بند "ب" قانون اصلاحات ارضی به روستائیان واگذار گردید. حال چرا دادگاه چنین رأی صادر نموده، سؤال است که باید از مسئولان دادگاه انقلاب اسلامی اراک پرسید! نمونه دیگر مربوط به ۵۰۰ هکتار زمین های مصادره شده تیمسار تاجبخش فراری است. این اراضی هم اکنون در اختیار روستائیان "کوکبیه کزاز" است و وسیعاً به زیر کشت رفته اما دادگاه با صدور حکمی این زمین ها را مشمول بند "ج" ندانسته و خواستار بازگرداندن آنها به مالک مزدورش شده است. این تیمسار ارتش شاهنشاهی زمین های وسیعی در قم، ساوه و کهگیلویه و اراک دارد و ایادی او چندی پیش روستائیان سعید آباد اراک را مضراب و مجروح کردند.

در شرایطی که روستائیان سراسر ایران یکصدا خواهان اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی هستند و بسیاری از مسئولان دادگاه های انقلاب نیز به ضرورت اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی پی برده اند باید دید چه دست هایی در دادگاه انقلاب اسلامی اراک در کار این توطئه ها هستند؟

خواست های کارگران و زحمتکشان شادشهر و باغ فیض (جاده ساوه)

شادشهر - ساکنین زحمتکش شادشهر و باغ فیض که بیش از ۱۵۰ هزار نفر هستند از کمبود آب برق، بزشک و دارو و بیمارستان و ... در رنج و عذاب اند. این زحمتکشان که عمدتاً در کارخانه های جاده ساوه و جاده کرج و کارخانجات دیگر مشغول فعالیت اند و می کوشند با بالا بردن تولید پشتیبان انقلاب باشند، بارها مشکلات خود را با مسئولان دولتی در میان گذاشته اند که مورد توجه جدی قرار نگرفته است. متأسفانه شوراهای موجود نیز نتوانسته اند در خدمت مردم محروم این مناطق باشند.

بخشی از خواست های کارگران و زحمتکشان شادشهر و باغ فیض و محلات اطراف عبارتست از:

۱- تأمین بودجه کافی برای اجرای طرح های عمرانی، رفاهی و بهداشتی
۲- قطع نفوذ زمین داران و سرمایه داران و استفاده از صدها هزار متر زمین که بوسیله زاهدی، حاج ناصر، حاج مجید و ... غصب شده است.

۳- تأمین آب بهداشتی و برق کافی و ایجاد بیمارستان، زایشگاه و مهد کودک فضای سبز و اسفالت و جدول بندی خیابان ها.

کمبود سوخت

مشکل روستائیان زنجان

زنجان - عدم تأمین به موقع سوخت مورد

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

پاسخ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آقای نبوی در مورد مسئله ایران ناسیونال و قرارداد قالبوت

● هر قراردادی در صنعت اتومبیل لزوماً می‌بایستی این شرایط را حائز باشد:

- ۱- باید بگونه‌ای باشد که فروشنده تکنولوژی در محدوده زمانی معین با سپردن تعهدات و تضمینات کافی حداکثر در ۵ سال کل تولید داخلی را به ۱۰۰٪ برساند.
- ۲- ساخت این اتومبیل تحت لیسانس خارجی نباشد و هیچگونه رویالتی (حق امتیاز) پرداخت نشود.
- ۳- تمام قطعات منفصله، مواد اولیه از طریق معاملات آزاد و نه بر اساس قیمت‌های انحصاری خریداری شود.
- ۴- کمیسیونی مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان کارخانه و دولت ناظر بر پیشرفت کار باشد.

کنیم که با توجه به نیاز اکثریت مردم محروم و زحمتکش تا چه حد شبکه وسائل نقلیه عمومی باید گسترش یابد و چه در صد از رفت و آمد توسط اتومبیل‌های سواری مشخص صورت پذیرد.

واضح است که رژیم وابسته‌قبلی توجهی به توسعه شبکه وسائل نقلیه عمومی نداشت و آگاهانه ایجاد بازار برای اتومبیل‌های سواری، بخش بزرگی از قشرهای متوسط جامعه را به سوی استفاده از اتومبیل شخصی سوق داده بود.

دولت جمهوری اسلامی ایران که نباید در هیچ زمینه‌ای ادامه دهنده سیاست‌های رژیم سرنگون شده باشد، باید بر توسعه شبکه وسائل عمومی حمل و نقل چه در شهرها و چه بین شهرها تکیه کند و با بالا بردن این امکانات عمومی، استفاده از اتومبیل شخصی را به حداقل ممکن تقلیل دهد. در این رابطه است که علاوه بر توسعه شبکه راه آهن شهری و بین شهری، استفاده از اتوبوس و مینی بوس را افزایش دهد. همین سیاست، خود بر افزایش نیاز جامعه به این نوع وسائل نقلیه عمومی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه نیاز به تولید بیشتر آنها را در دستور کار قرار می‌دهد.

براین اساس افزایش تولید اتوبوس و مینی بوس باید از اولویت برخوردار شود و طی یک برنامه زمانی، نیاز واقعی جامعه در این خصوص تأمین گردد. هم اکنون تولید داخلی اتوبوس و مینی بوس حدود شش هزار دستگاه در سال است و ممکن است ادعا شود که مصرف فعلی جامعه نیز در همین حدود است و نیاز چندانی به افزایش این ظرفیت نیست. این نیز ادعایی است نادرست چرا که برکنار از شهر تهران و صف‌های همیشه‌عریض و طولیل اتوبوس‌ها، اغلب شهرها، بالاخص شهرهای کوچکتر از حداقل این امکانات بی بهره‌اند و دولت و شهرداریها با ایجاد و توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، هم نیازهای رفت و آمد مردم را تأمین می‌کنند و هم نیاز به تولید اتوبوس و مینی بوس را افزایش داده و نتیجتاً نیاز به اتومبیل شخصی را کاهش خواهند داد. باین ترتیب اولین گام در جهت تولید خودروهای مسافری، افزایش اتوبوس و مینی بوس است. از دیگر خودروهایی که جامعه بالاخص مردم زحمتکش بآن نیاز دارند، توسعه تولید انواع وانت است که بالاخص در روستاها و شهرهای کوچک، استفاده فراوان دارد و علاوه بر رفت و آمد، از نظر حمل و نقل و محصولات نیز نقش مؤثری را برعهده دارد. میزان تولید وانت نیز چیزی نزدیک به ۴۰ هزار دستگاه در سال است که باید این ظرفیت تولیدی در جهت تأمین نیازهای واقعی جامعه، به مراتب افزایش یابد.

علاوه بر تولید این نوع خودروها، آنچه باقی می‌ماند تولید اتومبیل‌های سواری است. بخشی از این نوع اتومبیل‌ها به عنوان تاکسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این بابت نیز باید نیاز شهرهای مختلف کشور بر طبق یک برنامه زمانی مشخص، تأمین گردد. بخش دیگری از این نوع خودروها که در شرایط فعلی حجم اصلی تولیدات اتومبیل را در ایران به خود اختصاص می‌دهد متجاوز از یکصد و بیست هزار واحد در سال و قرارداد تالیون نیز عمدتاً در این رابطه مطرح شده. تولید اتومبیل‌های سواری شخصی، آنهم به انواع مختلف است. تولید این نوع

پاسخ گوئیم، باید از ایشان سؤال کنیم

- ۱- بر چه اساس و بجه دلایلی، همچون گذشته و بدون توجه به نیازهای واقعی مردم زحمتکش و بدون توجه به شرایطی که اقتصاد کشور در آن قرار دارد باید سالی متجاوز از یکصد هزار اتومبیل سواری تولید کنیم؟ آیا ما هم باید همچنانکه در مورد هر نظام سرمایه‌داری مصداق دارد، تنها خود را موظف به رفع نیازهای واقعی مردم نداشتیم باشیم؟

- ۲- دیگر اینکه آیا قرار نیست که روزی بتوانیم بدون وابستگی به خارج، اتومبیل تولید کنیم و کاهش دهیم و قطع کنیم؟ و شما نیز که در مصاحبه مطبوعاتی خود تکیه نمودید با وابستگی و با صنعت "مونتاز" مخالفید، چرا یکباره تصمیم گرفته‌اید که این کار را با عقد یک قرارداد ۵ ساله لااقل تا ۵ سال دیگر به تعویق بیندازید؟ و چرا میخواهید اجازه دهید که انحصار غارتگر قالبوت تا ۵ سال دیگر سایه شوم خود را بر صنعت اتومبیل ما همچنان حفظ کند؟

روشن است که پاسخ قانع کننده‌ای نخواهیم داشت، جز آنکه اسارت بار بودن این قرارداد را مورد تردید قرار دهید و یا همچنانکه در مورد زاپنی‌ها معتقدید که امپریالیست نیستند، براین عقیده باشید که قالبوت انگلیستی نیز امپریالیست نیست، چرا که مثلاً "به هیچ کجا لشکرکشی نمی‌کند" اما بپردازیم به چگونگی حل مسئله ایران ناسیونال. تعیین تکلیف این واحد تولیدی عظیم

سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی خود در تاریخ ۱۸ خردادماه ۶۰ در توجیه ضرورت عقد قرارداد با شرکت امپریالیستی قالبوت و با تکیه بر خطر بیکار شدن بیش از هشتاد هزار نفر کارگر، همگان را دعوت به ارائه پیشنهاد مشخص برای سال آینده شرکت ایران ناسیونال نمود.

طرح این سؤال باین شکل، خود بیانگر ادامه بی برنامه‌گی در مورد صنایع وابسته کشور و در این مورد صنعت اتومبیل سازی است. بخوبی نشان می‌دهد که متأسفانه پس از گذشت دو سال و نیم از انقلاب، دقیقاً همان سیاست‌های گذشته در این مورد اعمال میشود. این سیاست در مورد صنعت اتومبیل سازی، بالاخص در مورد ایران ناسیونال، همچنانکه در مورد اکثر قریب باتفاق دیگر صنایع کشور نیز مصداق دارد، ادامه سیاست‌های گذشته است، و نتیجه آن چیزی جز تثبیت و تحکیم وابستگی نیست. طرح این سؤال بوضوح نشان می‌دهد که در مورد این صنایع، کوچکترین تلاشی در جهت تغییر ساخت آنها بمنظور کاهش و قطع وابستگی و برنامه‌ریزی در جهت توسعه صنعتی مستقل بعمل نیامده است.

اما چرا میگوئیم این سیاست در مورد ایران ناسیونال ادامه همان سیاست گذشته است؟ اگر دو جنبه اصلی و مرتبط بهم سیاست صنعتی رژیم سرنگون شده قبلی را در نظر بگیریم یکی قرارگرفتن در تقسیم کار جهانی امپریالیستی و ایجاد صنایع وابسته در کشور و دیگری فراهم آوردن یک بازار مصرفی لوکس برای قشرهای مرفه جامعه به منظور مصرف کالاهای

● بر چه اساس و به چه دلایلی، همچون گذشته و بدون توجه به نیازهای واقعی مردم زحمتکش و بدون توجه به شرایطی که اقتصاد کشور در آن قرار دارد، باید سالی متجاوز از یکصد هزار اتومبیل سواری تولید کنیم؟ آیا ما هم باید همچنانکه در مورد هر نظام سرمایه‌داری مصداق دارد، تنها خود را موظف به تأمین تقاضاهای موجود بازار کنیم و توجهی به رفع نیازهای واقعی مردم نداشتیم باشیم؟

که خود واحدهای آقماری متعددی دارد، به تنهایی و بدون توجه به کل سیاست صنعتی کشور و برنامه ریزی در جهت رفع نیازهای واقعی جامعه و توسعه صنعتی مستقل ممکن نخواهد بود. اتخاذ تصمیم در مورد ایران ناسیونال رابطور خلاصه تنها در پرتو دو ضابطه اصلی زیر: ۱- تأمین نیازهای واقعی جامعه در زمینه رفت و آمد ۲- کاهش و ازبین بردن وابستگی صنعتی، می‌توان مورد بررسی قرارداد، بدون توجه به این دو ضابطه اصلی پاسخ‌گوئی به سؤال طرح شده از طرف سخنگوی دولت در مورد اینکه "برای سال آینده ایران ناسیونال چه کنیم؟" گمراه کننده خواهد بود.

تأمین نیازهای واقعی

در صورتی که برآن نباشیم همچون گذشته صرفاً مکانیسم بازار و "تقاضا" تعیین کننده نوع و میزان تولیدات صنعتی ما باشد بلکه بالعکس قرار براین باشد که با توجه به اولویت‌ها و نیازمندی‌های مردم و انقلاب و امکانات، منابع محدود را در جهت رفع نیازهای مبرم و فزاینده جامعه بکار گیریم، در آن صورت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد اینکه مثلاً چه تعداد اتومبیل سواری تولید کنیم، باید سیاست‌های حمل و نقل درون شهری و بین شهری مناسب با شرایط و نیازهای امروزی جامعه را تعیین کنیم، باید معین

تولیدی همان صنایع وابسته، تصمیم دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد عقد قرارداد (در واقع ادامه قرارداد) با انحصار "چند ملیتی" امپریالیستی قالبوت، دقیقاً در همان راستا است. چرا که به همان دلیلی که قبلاً از طریق عقد قرارداد در شبکه جهانی تولید امپریالیستی قرار می‌گرفتیم و با خرید تکنولوژی و با وارد کردن قطعات و مواد اولیه و با ایجاد صنعت وابسته، شروع به مونتاز و ساخت می‌کردیم و سود حاصل از تولید را در قالب حق‌الامتیازها و هزینه‌های قطعات منفصله و مواد اولیه و غیره به جیب انحصارات امپریالیستی می‌ریختیم، هم اکنون نیز درست به همان شکل عمل می‌شود. همچنین درست به همان دلیل که برای فروش همین کالاهای تولید شده، میبایست بازاری ایجاد کنیم، و تقاضا برای خرید کالاهای لوکس را بالا بریم و زمینه را برای مصرف غیر ضروری و لجام گسیخته آن فراهم آوریم. حال نیز به همان شکل خود را موظف می‌بینیم که این "تقاضا"ی موجود در بازار را تأمین کنیم و در واقع درست به همان ترتیب سابق سعی کنیم که بازار بحران زده صنایع امپریالیستی را که اغلب با بحران مازاد تولید مواجه‌اند، و صنعت اتومبیل یکی از نمونه‌های بارز آنست، التیام بخشیم.

قبل از آنکه سؤال آقای نبوی، سخنگوی دولت را

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۱۴

در مورد مسئله

اتومبیل‌ها در شرایط فعلی باید به حداقل ممکن برسد. چرا که از یک طرف با توسعه شبکه حمل و نقل عمومی نیاز واقعی به اتومبیل شخصی کاهش می‌یابد و از سوی دیگر هم‌اکنون به اندازه کافی و حتی بیش از ظرفیت فعلی شهرهای کشوری چون ایران، اتومبیل شخصی کاهش وجود دارد و طالبین اتومبیل‌های شخصی سواری خود می‌توانند فعلا از بازار داخلی خریداری کنند.

منظور ما البته این نیست که اتومبیل شخصی دیگر نباید تولید گردد و یا خانواده‌ها نباید اتومبیل شخصی داشته باشند، بلکه مسئله این است که در شرایط فعلی که اکثریت محروم جامعه از حداقل شرایط معیشت نیز بی‌بهره‌اند، دولت این حق را ندارد که همچون گذشته تنها به تامین خواست‌های قشرهای میانی و مرفه جامعه بپردازد و هر زمان نیازهای حداقل اکثریت محروم تامین گشت، آنگاه بتدریج خواست‌های بالاتری را خواهد توانست تامین کند. در کوبای انقلابی تا سالهای سال بعد از انقلاب آخرین مدل اتومبیل‌های موجود در کشور همان آخرین مدل سالی بود که در آن انقلاب صورت گرفته و قدرت به دست خلق زحمتکش کوبا افتاده بود. به هر حال تولید اتومبیل سواری شخصی در شرایط فعلی باید به حداقل ممکن برسد و تنها یک نوع از این اتومبیل‌ها (آن‌هم از نوع کاملا ساده و نه لوکس) تولید شود.

به این ترتیب یک بخش از تصمیم در مورد تولید اتومبیل در شرایط فعلی روشن می‌شود: از یک سو تولید اتوبوس و مینی‌بوس که وسائل نقلیه عمومی‌اند باید به سرعت افزایش یابد، تولید وانت که علاوه بر رفت و آمد، به حمل بار نیز کمک می‌کند و بالاخص نیاز مردم روستاها را تامین می‌کند باید افزایش یابد و بالاخره تولید اتومبیل‌های سواری بجز مورد استفاده تاکسی به سرعت به حداقل ممکن کاهش یابد و تنوع محصولی آن یعنی تولید انواع اتومبیل سواری کلا قطع گردد و تنها یک نوع اتومبیل سواری بسیار ساده تولید گردد. این اولین گام در تعیین سیاست خودروسازی کشور است اما ممکن است گفته شود که کاهش تولید اتومبیل سواری سبب تعطیل شدن کارخانه‌ها و بیکار شدن کارگران خواهد شد. این نیز ادعای درستی نیست که در زیر به آن خواهیم پرداخت:

قطع وابستگی صنعتی و تکنولوژیک

دومین ضابطه مهمی که در مورد خودروسازی باید بلافاصله مورد توجه قرار گیرد، سیاست قطع وابستگی است. صنایع خودروسازی از وابسته‌ترین صنایع کشور محسوب می‌شوند و همانطور که در سلسله مقالات کار در مورد قطع وابستگی اشاره کردیم، بدون برنامه همه‌جانبه و مشخص اقتصادی در راستای مبارزات ضدامپریالیستی مردم میهن نخواهیم توانست وابستگی صنعتی را قطع کنیم. همانطور که قبلا هم توضیح دادیم وابستگی به هیچ روی به این معنی نیست که از خارج از کشور، مواد اولیه، قطعات و کالا وارد می‌کنیم، چنانچه قطع وابستگی نیز به معنی قطع رابطه اقتصادی و تجاری با خارج نیست. وابستگی رابطه‌ای است که اقتصاد کشور ما را تحت سلطه سرمایه انحصاری امپریالیستی قرار می‌دهد و آن را به عنوان تابعی از شبکه تقسیم کار امپریالیستی در می‌آورد. در اینجا قصد نداریم چگونگی عملکرد این وابستگی که صنایع کشور ما را به زیر سلطه شرکت‌های انحصاری امپریالیستی به اصطلاح "فراملیتی" یا "چندملیتی" درآورده و ثمره رنج میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را به غارت می‌برد، تشریح نمائیم.

انحصارات امپریالیستی امروز بجای حمل مواد معدنی و غذایی از کشورهای زیرسلطه و تولید کالاهای ساخته شده در کشورهای امپریالیستی و صدور کالاهای ساخته شده به کشورهای زیرسلطه، بخشی از پروسه تولید را از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم و یا صدور سرمایه مولد به کشورهای زیر سلطه انتقال داده‌اند. در این رابطه صنایع وابسته در کشورهای چون ایران ایجاد گردید و انحصارات امپریالیستی بجای صدور یک محصول تمام شده، مثلا یک اتومبیل، این کالا را در قالب قطعات منفصله متعددی به کشور

زیرسلطه ارسال داشته و با فروش حق لیسانس ساخت، به شرکت وابسته امکان می‌دهد که این قطعات منفصله را روی هم سوار کرده و احتمالا قطعاتی از آن را نیز در داخل کشور بسازد. در همین رابطه است که از یک سو بخاطر اعطای لیسانس ساخت مبالغ عظیمی به عنوان رояلتی یا حق امتیاز دریافت می‌دارد و از سوی دیگر هزینه سنگین قطعات منفصله را که عملا معادل قیمت یک اتومبیل مونتاژ شده است، دریافت می‌دارد. علاوه بر این فروش مواد اولیه و نیز فروش ماشین‌آلات ساخت و مونتاژ سوده‌های سرشاری به دست می‌آورد و تمام این کارها را از طریق عقد قرارداد فروش تکنولوژی به انجام می‌رساند. از طریق همین قراردادها است که اسارت‌ناپذیرترین رابطه ممکن به اقتصاد وابسته تحمیل می‌شود و ادامه تولید آن کاملا به اراده شرکت انحصاری امپریالیستی مربوط می‌شود.

چنانچه در زمان تحریم اقتصادی امپریالیست‌های امریکائی، اروپائی و ژاپنی عملا کار تمام صنایع وابسته به این انحصارات متوقف شد. منظور از قطع رابطه سلطه‌آمیز با انحصارات امپریالیستی، دقیقا لغو این نوع قراردادها است. قراردادهائی که به ما تحمیل می‌کند که از طرفی از یک منبع انحصاری معین، محصولات و مواد اولیه معینی را خریداری کنیم و علاوه بر پرداخت هزینه سنگین قطعات و موادی که به‌مراتب از بازار آزاد گران‌تر فروخته می‌شود، حق امتیاز و انواع حق‌الزحمه‌های مختلف بپردازیم و از طرف دیگر امکان ساختن این قطعات را در داخل از دست بدهیم و حال حای تأسف است که دولت جمهوری اسلامی بدون داشتن هیچ برنامه‌ای برای قطع این نوع روابط قصد دارد یکی از اسارت‌ناپذیرترین قراردادها را مجددا امضاء نماید و سخنگوی دولت حتی از اینکه در پیرامون عقد این قرارداد با تالیوت "جنجال" می‌شود، اظهار تعجب می‌کند. البته این تعجب آقای "نبوی" از یک نظر درست است. چرا که فقط در مورد ادامه کار تالیوت جنجال می‌شود ولی در مورد ادامه قراردادهای مشابهی که مثلا در همین صنعت خودروسازی که بی‌سر و صدا و بی‌وقفه ادامه یافته، مثل قرارداد بنز خاور با دیملرینز آلمان و یا قرارداد سایپا با رنو (رژئی ناسیونال) فرانسوی و یا همین ایران ناسیونال با دیملرینز، زامیاد با نیشان ژاپنی و دیگر قراردادها با مزدای ژاپنی و غیره جنجال چندانی نیست. این تعجب درست است و باید این "جنجال" به‌تنها در مورد تالیوت بلکه در مورد کل صنعت اتومبیل‌سازی و در مورد کل صنعت وابسته ایران برپا شود. اما تعجب ما این است که چگونه آقای "نبوی" می‌تواند در مصاحبه مطبوعاتی در تلویزیون به میلیون‌ها هم‌میهن ما بگوید قرارداد بستن با تالیوت "گناه کبیره نیست" در حالیکه مبارزات و جانفشانی‌های مردم میهن ما درست در راه قطع وابستگی به امپریالیسم و در جهت قطع چنین قراردادهائی است که عقد آنها از جمله "گناهان کبیره" رژیم وابسته گذشته بوده است.

اما بازگردیم به مسئله ایران ناسیونال و شرایطی که برای قطع وابستگی آن لازم است. اولین اقدام عبارتست از لغو و افشای قرارداد فعلی. مردم ایران باید دقیقا از جزئیات قرارداد قبلی ایران ناسیونال با تالیوت (هیلمن کرایسلر قبلی) مطلع شوند و علاوه بر آن قرارداد پیشنهادی در دست امضاء با تالیوت نیز فاش گردد و قرارداد موجود لغو و قرارداد جدیدی با شرایط زیر با هر دولتی که حاضر به عقد آن باشد، منعقد بشود:

۱- قرارداد جدید باید بگونه‌ای باشد که فروشنده تکنولوژی در محدوده زمانی معینی با سپردن تعهدات و تضمینات کافی (مثلا حداکثر ۵ سال) کل تولید داخلی را به ۱۰۰٪ برساند. یعنی بتدریج تمام قطعات اتومبیل در ایران تولید شود بطوری که پس از ۵ سال دیگر هیچ رابطه‌ای با طرف قرارداد نداشته باشد. در این مدت کلیه ماشین‌آلات تولیدی قطعات مختلف در ایران نصب و امکان تولید کامل اتومبیل فراهم آید و طبق برنامه و بتدریج و با پیشرفت تکنولوژی متخصصین ایرانی برای این کار تربیت شوند.

۲- ساخت این اتومبیل تحت لیسانس خاصی نباشد و هیچگونه رویالتی پرداخت نشود. یعنی قراردادی منعقد شود که طرف قرارداد ظرف محدوده ۵ ساله فوق بتدریج و به نحوی معقول و مطلوب کل تکنولوژی را به ایران منتقل سازد و تنها هزینه قطعات ماشین‌آلات، مواد و کارشناس را به ترتیبی که در بند ۳ در زیر به آن اشاره می‌شود، دریافت کند و

انتظار دریافت حق امتیاز نداشته باشد. ۳- تمام قطعات منفصله، مواد اولیه از طریق معاملات آزاد و بر اساس قیمت‌های رقابتی و نه بر اساس قیمت‌های انحصاری و انتقالی درون شرکتی عرضه‌کننده تکنولوژی، خریداری شود و اگر هم طرف قرارداد خود بخش عمده‌ای از این قطعات و مواد را بخواهد تامین کند، قیمت‌های پیشنهادی با دیگر قیمت‌های دیگر عرضه‌کنندگان مقایسه و در حد مناسب‌ترین قیمت تعدیل گردد.

۴- برای حسن اجرای قرارداد و نظارت مستمر و پیگیر در زمینه انتقال سریع تکنولوژی و تبدیل خط تولید باید کمیسیونی مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان کارخانه و دولت تشکیل گردد تا مراحل پیشرفت کار را بررسی و چنانچه طرف قرارداد از انجام بموقع تعهدات خود قصور ورزید، چاره‌جویی نمایند.

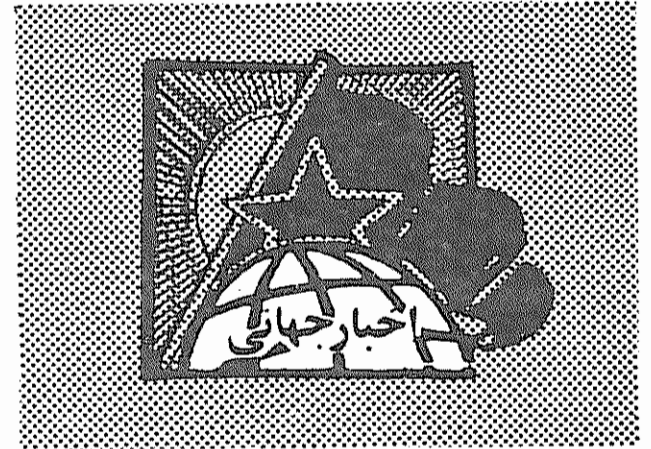
علاوه بر چهار شرط فوق برای تبدیل خط تولید سواری و منطبق ساختن آن برای تولید خودروهای دیگر به شرکت ایران ناسیونال کمک کند. به این ترتیب قراردادی منعقد می‌شود که نه‌تنها فروشنده تکنولوژی از نظر تامین مواد و قطعات نمی‌تواند تحمیل کند و ما را مجبور به خرید از یک منبع انحصاری نماید، بلکه طرف یک مدت محدود که امکان فنی آن نیز کاملا در ایران موجود است، اتکاء ما به وارد کردن قطعات از خارج قطع خواهد شد و طرف مدت کوتاهی وابستگی تکنولوژیک این صنعت به خارج قطع می‌شود. و اما در مورد قرارداد تالیوت با آنکه بخاطر "کاملا محرمانه" نگهداشتن این قرارداد، اطلاع دقیقی از آن نداریم، اما شواهد نشان می‌دهد که این قرارداد دقیقا عکس سه شرط فوق تنظیم شده است. اول آنکه برای مدت پنج سال، هر سال برای ۱۰۰ هزار دستگاه قرارداد بسته می‌شود، یعنی آنکه تا پنج سال آینده میزان اتکاء به قطعات وارداتی بی‌تغییر باقی می‌ماند و تولید داخلی افزایش نمی‌یابد

و پس از ۵ سال اگر با هم آقای "نبوی" سخنگوی دولت بودند، به مردم مراجعه کرده و همین‌سؤال امروز را تکرار خواهند کرد! دیگر آنکه بر طبق همین قرارداد که احتمالا تحت لیسانس خاص و با پرداخت رویالتی خواهد بود، قطعات و مواد از یک منبع معین یعنی شبکه تالیوت آن هم بر اساس قیمت‌های انحصاری و نه رقابتی تامین خواهد شد. البته باید متوجه باشیم که چهار شرط اصلی فوق مرتبط به هم هستند و اگر در مورد یکی از آنها شرکت انحصاری خارجی حاضر شد که امتیازی بدهد، به معنی مناسب بودن کل قرارداد نخواهد بود چنانچه ممکن است حاضر شود رویالتی نگیرد اما آن را از طریق بالا بردن هزینه فروش قطعات جبران نماید و یا ممکن است که اجازه دهد قطعاتی از اتومبیل در ایران ساخته شود اما آنچه ما می‌خواهیم ایجاد یک صنعت خودکفای اتومبیل سازی است که به انجام شروط فوق بستگی دارد.

از نظر ما انحصارات امپریالیستی حاضر به عقد چنین قراردادی که توضیح دادیم، نیستند چرا که اگر مثلا تالیوت انگلیسی و یا فولکس‌واگن آلمانی به ایران ناسیونال کمک کنند که ظرف ۵ سال به خودکفایی برسند، به این معنی خواهد بود که بعد از ۵ سال بازار بزرگ ایران را از دست داده‌اند و این در شرایطی است که در جهان امپریالیستی صنعت اتومبیل سازی با بحران اشباع تولید مواجه است و در سال گذشته فولکس واگن صدها هزار اتومبیل فروش نرفته‌داشته است. علت آنکه ما همکاری‌های اقتصادی با دول سوسیالیستی را برای استقلال میهنمان حیاتی می‌دانیم، صرفا به این خاطر است که آنها نه‌تنها مسئله‌ای به نام بحران تولید ندارند بلکه کاملا حاضرند شرایط مورد نیاز جامعه ایران را بپذیرند. همچنانکه در مورد ساخت یک جیب جدید بجای جیب امریکائی فعلی تنها شرکتی که حاضر شد شرایط مطلوب پیشنهادی کارشناسان متعهد ایرانی را بپذیرد و ظرف مدت ۷ سال کل جیب را که می‌تواند وانت و آمبولانس هم بشود در ایران بسازد، یک شرکت دولتی از رومانی بود و دیدیم که چگونه لیبرالها با خرابکاری مانع عقد این قرارداد شدند.

خلاصه‌کنیم، برای پاسخگویی به سؤال آقای "نبوی" سخنگوی دولت در مورد ایران ناسیونال باید:

اولا سیاست تولید اتومبیل در جهت افزایش تولید



حزب کمونیست چکسلواکی : در باره اوضاع لهستان

" در لهستان بدین علت اوضاع خطرناکی به وجود آمده که دشمنان سوسیالیسم از بحران‌های عمیق در تمام شئون کشور استفاده کردند و در عین حال رهبری حزب متحد کارگری لهستان دسائس آنها را قطعا " دفع نکرد . " این مطلب در شماره‌های اخیر روزنامه رودپراوو ارگان حزب کمونیست چکسلواکی به چاپ رسیده است . این روزنامه سپس می‌افزاید " نیروهای ضدانقلابی در لهستان همان تاکتیکی را انتخاب می‌کنند و همان هدفی را برای خود مطرح می‌سازند که ۱۳ سال پیش در چکسلواکی تعقیب می‌کردند و آن همانا انجام یک کودتای ضدانقلابی است . تجربیات آن ... سخت در چکسلواکی به روشنی نشان می‌دهد که ملت‌ها نباید در مقابل ضدانقلاب تسلیم شوند ... اکنون روشن است که چرخش در سیر حوادث لهستان فقط به شرطی ممکن است صورت پذیرد که بدست‌های سیمانی که در یازدهمین جلسه عمومی کمیته مرکزی حزب متحد کارگر لهستان گفته شده عمل شود و اقدام‌های قطعی علیه نیروهای ضدانقلابی و ضدسوسیالیستی به عمل آید . "

در این مقاله گفته شده است که چکسلواکی پشتیبانی خود را از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که برای کمیته مرکزی حزب متحد کارگر لهستان ارسال داشته ، اعلام کرده است .

در نامه فوق‌الذکر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن ابراز " امیدواری به اینکه کمونیست‌ها ی لهستان موفق به حل بحران موجود شوند به عدم قاطعیت حزب و دولت در برخورد به نیروهای ضد سوسیالیست اشاره کرده و متذکر گردیده است که این امر باعث پدید آمدن قدرت دوگانه در کشور شده است . کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در این نامه خواهان قاطعیت انقلابی و کمونیستی از جانب حزب و دولت لهستان برای حل بحران کشور گردیده است .

تشکیل نخستین کنگره

جبهه ملی - میهنی افغانستان

کنگره جبهه ملی - میهنی افغانستان در کابل گشایش یافت . بزرگ کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان طی سخنانی که در این کنگره ایراد کرد گفت : تاسیس جبهه ملی - میهنی امکان خواهد داد که توان و کوشش‌های همه میهن پرستان کشور در زمینه کار برای ایجاد افغانستانی نوین و شکوفا با هم متحد شود . این جریان مظهر عملی وحدت و پیوستگی نیروها و گروه‌های اجتماعی ، اقوام ، ملت‌ها ، قبائل و پیروان مذاهب گوناگون

پایان مذاکراتش با رهبران چین اعلام کرد که آمریکا هرگونه محدودیتی در مورد تحویل جنگ افزارهای تعرضی به چین را لغو می‌کند و آماده است سلاح در اختیار این کشور بگذارد .

در جریان مذاکرات هیگ با مقامات بلند پایه چینی که در محیطی کاملا تفاهم آمیز و دوستانه صورت پذیرفت رهبران دو کشور به کرات خاطرنشان ساختند که چین و آمریکا دارای منافع واحدی می‌باشند . در همین رابطه وزیر خارجه چین طی مصاحبه‌ای اعلام کرد : منافع چین و آمریکا منطبق است و سیاست هر یک از طرفین می‌تواند سیاست طرف دیگر را تکمیل کند . "

تصمیم آمریکا مبنی بر لغو تحریم فروش جنگ افزارهای تعرضی به چین علاوه بر انطباق سیاست‌های برتری طلبانه چینی با امپریالیسم آمریکا نشان‌دهنده طرح‌های گسترده و مشترک دو کشور برای ضربه زدن به دولت‌های انقلابی از جمله افغانستان و کامبوجیا می‌باشد .

از سوی دیگر شبکه تلویزیونی ان . بی . سی . آمریکا گزارش کرده است که آمریکا به کمک چین از یک سال گذشته به کمک دو دستگاه استراق سمع آزمایش‌های موشک‌های شوروی را تحت کنترل قرار داده است .

بر اساس این گزارش همکاری چین و آمریکا در زمینه اطلاعاتی پس از سقوط رژیم آمریکائی شاه و برچیده شدن ایستگاه‌های جاسوسی آمریکا در ایران به دنبال توافقنامه‌ای که در سال ۱۹۷۹ به امضاء رسیده است ، آغاز شده است .

در کشور خواهد بود . " بزرگ کارمل سپس به نوطه‌های امپریالیسم جهانی ، برتری طلبان چینی و ارتجاع منطقه اشاره کرد و گفت که " تلاش برای تحمیل اراده امپریالیسم و ارتجاع به مردم کشور عقیم خواهد ماند " .

بزرگ کارمل در پایان از تشکیل جبهه ملی - میهنی به عنوان روند عادی شدن اوضاع کشور یاد کرد .

در کنگره مؤسسان جبهه ملی - میهنی افغانستان نمایندگان اقشار گوناگون شرکت دارند . اتحاد کارگران و دهقانان پایه و اساس این جبهه می‌باشد و حزب دمکراتیک خلق نیروی رهبری آن است .

محمد نبی بجرم اختلاس برکنار شد

رهبر یکی از باندهای ضد انقلابی افغانی به نام حرکت انقلابی که در خاک پاکستان به توطئه چینی علیه خلق برادر افغانستان مشغول می‌باشد ، به جرم اختلاس برکنار شد . این فرد که محمد نبی محمدی نام دارد از جانب رهبر جدید این باند تروریستی به سرقت ۳۰۰ هزار دلار از صندوق " جهاد " متهم شده است . نصراله منصور رهبر جدید این باند همچنین اعلام کرده است که محمد نبی محمدی با مصر و اسرائیل رابطه داشته است .

مذاکرات هیگ با رهبران چین

الکساندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا پس از

بقیه از صفحه ۱۵

پاسخ سازمان

اتوبوس و مینی‌بوس و وانت و کاهش تولید اتومبیل سواری تغییر یابد . ثانيا قراردادی برای قطع وابستگی منعقد گردد که ظرف یک محدوده زمانی معین کل اتومبیل را در ایران تولید کند و در تبدیل خط تولید فعلی نیز به ایران ناسیونال یاری رساند . اما در مورد این ادعا که اگر با تالیوت قرارداد بنندیم ، دهها هزار کارگر ایران ناسیونال و واحدهای اقماری آن بیکار خواهند شد ، این ادعا به هیچ‌وجه درست نیست . در مورد خود ایران ناسیونال که کارکنان آن بالغ بر حدود ۱۲ هزار نفر می‌شود ، اولاً تمام این کارکنان در خط تولید اتومبیل سواری نیستند و بخشی از آنها در خط تولید اتوبوس و مینی‌بوس کار می‌کنند و بستن قرارداد با تالیوت تأثیری بر کار آنها نمی‌گذارد چرا که قرارداد وابستگی آنها با دیملر بنز آلمان است . در مورد خط سواری نیز تمام آن متوقف نخواهد شد چرا که تولید وانت و نیز تولید سواری برای تاکسی ، تعدادی از کارگران خط تولید سواری را کماکان به همان کار مشغول خواهد داشت . در مورد بقیه کارگران که اغلب کارگران مجرب و ماهری هستند در جریان تبدیل خط تولید برای خودروهای دیگر مشغول خواهند شد و در صورت داشتن یک برنامه منظم برای استفاده از تجارب این کارگران و مهندسان و تکنسین‌ها نه تنها هیچ‌یک بیکار نخواهند شد ، بلکه به شکل موثرتری از توان آنها برای صنعتی شدن کشور استفاده خواهد شد . در مورد کارگران واحدهای اقماری ایران ناسیونال و دیگر واحدهای تولیدی قطعات مربوط به اتومبیل نیز این حرف آقای " نبوی " به هیچ‌وجه مصداق ندارد . این

واحدهای اقماری ، کارگران کارخانه‌های متعدد سیر و قالب‌سازی ، پیستون سازی ، رادیاتور سازی ، باطری سازی ، شیشه‌سازی ، رنگ‌سازی ، شمع سازی ، لاستیک‌سازی و غیره هستند که تنها برای اتومبیل سواری ایران ناسیونال تولید نمی‌کنند بلکه برای کل صنعت خودروسازی کشور تولید می‌کنند و بستن قرارداد با تالیوت به هیچ‌وجه آنها را به تعطیلی و بیکاری نخواهد کشاند ! بنابراین ادعای بیکار شدن دهها هزار نفر کارگر ، ادعای درستی نیست و در صورت داشتن یک برنامه منظم نه تنها این کارگران بیکار نخواهند شد ، بلکه با توسعه صنعت داخلی کارگران بیشتری نیز به استخدام درخواهند آمد . به این ترتیب لغو قرارداد با شرکت تالیوت به اخراج و بیکاری دهها هزار کارگر نخواهد انجامید و نمی‌توان با تکیه بر خطر بیکاری ، عقد قراردادهای امپریالیستی را توجیه کرد .

تمدید قرارداد با شرکت انحصاری امپریالیستی تالیوت ، هیچ نقشی جز ادامه وابستگی و ادامه سلطه انحصارات امپریالیستی بر صنعت اتومبیل‌سازی نخواهد داشت و عقد چنین قراردادی خطای بزرگی خواهد بود . امضاء کنندگان آن نیز در مقابل مردم میهن مسئول و پاسخگو خواهند بود . تنها راه برخورد به حل مسئله ایران ناسیونال همان است که در بالا به آن اشاره کردیم . ضمناً اگر با یک حساب سرانگشتی سوخت مورد نیاز یکصد هزار دستگاه پیکان را حساب کنیم و با احتساب مصرف تقریبی یکصد لیتر با نرخ‌های فعلی ، بالغ بر سه میلیارد ریال در ماه هزینه مصرف سوخت خواهد بود که در صورت به‌کار گرفتن اتوبوس و مینی‌بوس و راه‌آهن شهری با هزینه بسیار کمتری می‌توان تعداد سرنشینان این تعداد پیکان را جابجا کرد و شاید از این طریق محل درآمدی هم برای دولت در نظر گرفت و بلاشک مشاغل جدیدی هم ایجاد خواهد شد که برعکس نظر آقای " نبوی " کارگران نه تنها بیکار نخواهند شد ، بلکه سطح اشتغال تا حدودی هم بالا خواهد رفت .

اطلاعیه شاخه کردستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره: حوادث اخیر کشور و جنگ افروزیهای باند قاسملو

خواست‌های مردم کردستان را از جانب جمهوری اسلامی تأکید می‌کند. گرایش‌های انحصارطلبانه و قشری در برخورد با سایر نیروهای انقلابی از طرف جمهوری اسلامی، آنهم در این لحظات حساس، بسیار خطرناک است و مستقیماً انقلاب را زیر ضرب قرار می‌دهد.

انقلاب داخلی و در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی با همه توان خود ایستادگی کند و همچنین بار دیگر اهمیت همکاری و همگامی همه نیروهای انقلابی و مردمی را برای دفع این توطئه‌ها و ضرورت تشخیص درست دوستان و دشمنان انقلاب و پاسخگویی به خواسته‌های برحق توده‌ها، زحمتکش مردم و از جمله توجه جدی به

در این اعلامیه آمده است: "با آغاز تهاجم جدید نیروهای خط‌امام به مواضع رئیس‌جمهور و لیبرالها و برکناری رئیس‌جمهوری از فرماندهی کل قوا از جانب امام خمینی، ضدانقلاب و دیگر نیروهای طرفدار امپریالیسم بر دامنه توطئه‌هایشان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی افزوده‌اند. نیروهای ضدانقلاب از قبیل فراریان و وابستگان رژیم سابق، خوانین و فتوادل‌های عدالت‌گرای، باند قاسملو و دیگر نیروهای ضدانقلابی در کردستان، لیبرالهای کهنه‌کار و ورشکسته جبهه ملی، حزب آمریکائی "رنجبران" و... بر شدت فعالیت‌های ضدانقلابی خود افزوده و همه‌جا با شایعه پراکنی و ایجاد تشنج و درگیری و به‌وجود آوردن جو ناامنی سعی در به‌دست‌آوردن مجدد مواضع از دست‌رفته خود دارند.

اقدامات ضدانقلابی باند قاسملو و دیگر نیروهای ضدانقلابی در کردستان اینک مدتهاست به صورت حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، برای نابودی انقلاب مردم ما درآمده است. هم‌اکنون چندین هفته است که همزمان با توطئه سراسری ضدانقلاب و لیبرالها، باند قاسملو نیز بر شدت حملات خود به نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان افزوده است و در طی هفته‌های اخیر همراه با گروهک کومله شهرهای مهاباد، سقز، بانه، پیرانشهر و... را مورد حمله قرار داده و مقدمات حمله به شهرهای ارومیه و نقده را نیز فراهم کرده‌اند و بدین ترتیب بار دیگر همگامی و هم‌پیمانی خود را با نیروهای ضدانقلابی خارج از کردستان و نیز با لیبرالهای توطئه‌گر نشان می‌دهند.

اعلامیه آنگاه پس از اشاره به همکاری‌های دیرینه بین لیبرالها و دار و دسته قاسملو در مبارزه با خط‌امام چنین می‌گوید:

برای مبارزه با دار و دسته قاسملو و دیگر گروه‌های ضدانقلابی در کردستان نیز بدون شک قاطع‌ترین شیوه‌ها، توجه به خواسته‌های مردم کردستان و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران است. استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز برای حل مسئله کردستان قطعاً نمی‌تواند به نفع انقلاب و تثبیت جمهوری اسلامی در کردستان باشد. توجه اساسی به این مسئله با در نظر گرفتن حساسیت وضع فعلی و توطئه سراسری ضدانقلاب و دیگر هواداران امپریالیسم، اهمیتی به مراتب بیشتر از گذشته پیدا می‌کند. حل عادلانه مسئله کردستان بخوبی می‌تواند ریشه ضدانقلاب را در این بخش از میهنمان بخشکاند و انقلاب را هرچه بیشتر نیرومند گرداند. تأکید امام خمینی از مدت‌ها قبل مبنی بر تأمین حقوق عادلانه مردم کردستان و پیام تاریخی ۲۶ آبان ۵۸ ایشان، بخوبی بیانگر اهمیت حل مسئله کردستان و تأثیر عظیم آن در پیشبرد انقلاب است.

سازمان ما در شرایط حساس کنونی که نبرد جبهه انقلاب و ضدانقلاب در میهنمان وارد مرحله حساسی شده است، وظیفه خود می‌داند که در برابر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و ضد

ضد انقلاب را افساء کنیم

(۱۱)
۲۶- معترض‌ها (از خوانین بندرعباس) علیه انقلاب توطئه می‌کنند



خوانین و ضدانقلابیون فارغان که در رژیم گذشته از نوکران حلقه به‌گوش شاه خائن بودند اینک آزادانه علیه انقلاب و مردم زحمتکش فارغان و نواحی بندرعباس مشغول توطئه‌اند. توده‌های زحمتکش منطقه این جنایتکاران را که ضربات و لطمات جانی و مالی فراوانی به آنان وارد آورده‌اند، به خوبی می‌شناسند.

خانواده معترض‌کیوان از جمله خوانینی هستند که با نفوذ خود در ارگان‌های حکومتی در زورگوئی نسبت به زحمتکشان منطقه گوی ستمگری را از دیگر همپالکی‌های خود ربوده و آزادانه به توطئه‌چینی و آزار مردم آن نواحی مشغولند. اخیراً "ناصرخان معترض کیوان" یکی از خان‌های منطقه با یاری زحمتکشان دستگیر شد. او همکاری "صمیمانه‌ای" با ساواک منحل داشته و عضو افتخاری این سازمان جنایتکار بوده است. همچنین او از دوستان صمیمی تیمسار مدنی فراری و از طرفداران سرسخت بختیار بوده و در چندین فقره قتل دهقانان زحمتکش از جمله "خزئل‌ترابی" شرکت داشته است.

با دستگیری "ناصرخان معترض کیوان" توطئه‌ها پایان نیافته و اکنون جانشینان ضد انقلابی او از جمله "منذرخان معترض کیوان" که از طرفداران پروپاقرص جبهه ملی است و "علیرضاخان معترض"، "داریوشخان فرهنگ"، "حاجی یعقوب شریفی" زمیندار و ساواکی معروف منطقه شمال فارغان آزادانه به تحریک جوانان منطقه، تبلیغات ضدانقلابی و اقدامات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و زحمتکشان روستائی مشغولند. ما لازم می‌بینیم که مسئولین منطقه با تعقیب و مجازات انقلابی عناصر معلوم‌الحال فوق، زحمتکشان منطقه را از ستم‌هایی که بر آنان روا می‌شود، برهانند.

بقیه از صفحه ۱۱

سیاست خارجی...

ایالات‌شایا در رژیم، حکومت چین از رژیم دست‌نشانده موبوتو سه‌سه‌سکو حمایت کرد و کشتی‌های چین کمک‌های خود را به سوی رژیم فرستادند. و این عمل در حالی صورت پذیرفت که امپریالیسم فرانسه نیز آشکارا نیروی نظامی بدان منطقه گسیل داشت.

در خاورمیانه حکومت چین برخلاف کشورهای مرفعی جهان که سیاست‌های خائنانه رژیم انور سادات را محکوم کرده‌اند، حمایت از رژیم افزایش داده‌است. در سال ۱۹۷۹ قراردادی بین دو کشور به امضاء رسید که به موجب آن چین متعهد شد تا یک هواپیما و سایر تجهیزات نظامی را به رژیم سادات ارائه دهد. همچنین رهبران چین از قرارداد خائنانه کمپ دیوید که بین اسرائیل و مصر منعقد شد حمایت کردند.

در اوج درگیری‌های جنبش آزادی‌بخش عمان که رژیم آمریکائی شاه نیز به کمک سلطان قابوس نیروی نظامی اعزام کرد، چین نیز علیه جبهه آزادی‌بخش عمال موضعگیری کرد و به حمایت از سلطان قابوس پرداخت.

در ۱۹۷۹ تجاوز مسلحانه چین علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام به خاطر دعاوی ارضی صورت پذیرفت. این تجاوز به سرزمین ویتنام قهرمان بار دیگر هماهنگی سیاست‌های چین و آمریکا را به جهانیان نشان داد. خصومت‌های چین با ویتنام و لائوس و کامپوچیا، و حمایت آشکار از دارو دسته خون‌آشام "پول‌پوت" جنبه دیگری از سیاست خارجی ارتجاعی چین را تشکیل می‌دهد.

سیاست خارجی چین، در شاخ آفریقا خلیج فارس خاورمیانه و خلاصه در مورد تمام جنبش‌های آزادی‌بخش آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، هماهنگ با سیاست اردوی امپریالیستی جهان عمل کرده است. این سیاست که دشمنی و خصومت با اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را هدف اصلی خویش قرار داده است بیش از هر چیز دلیلی بر خصومت امپریالیستی جهان خواهد شد.

در حال حاضر سیاست خارجی چین به یکی از علت‌های اصلی تشنج آفرینی و جنگ افروزی در سراسر جهان تبدیل شده است. به همین دلیل وظیفه تمام نیروهای انقلابی و پیشرو و صلح‌دوست جهان، افشای ماهیت این سیاست و مقابله با آنست.

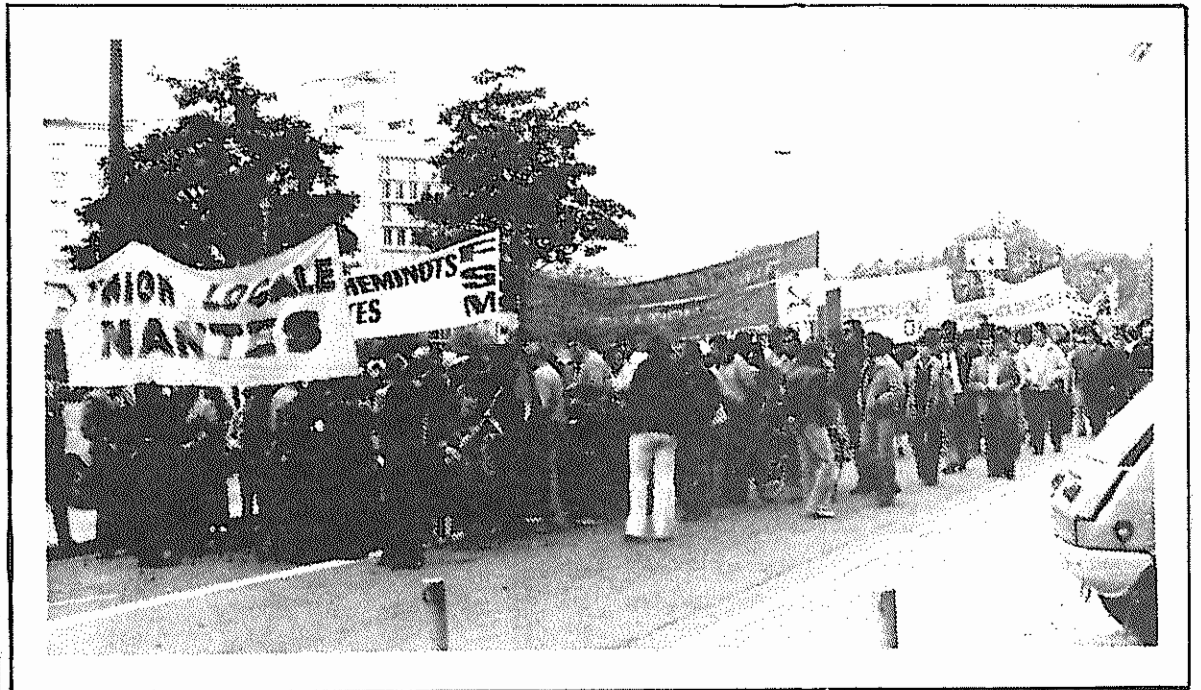
بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

کمک داروئی هواداران سازمان در میلان و زم برای جنگ زدگان ایران

با شروع جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر صدام علیه انقلاب و خلقهای میهنان سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" به تمام اعضا و هواداران خود دستور داد به هر نحو و شکل ممکن در جبههها و پشت جبههها علیه تجاوزگران به مقابله برخیزند. مبارزه مسلحانه با تجاوزگران در جبههها به گواه شهادت بیش از ۶۰ تن از فدائیان خلق "اکثریت" از جمع آوری و ارسال دارو و جمع آوری کمکهای مالی و داروئی در پشت جبههها برای جنگ زدگان نمونههای بارز و روشنی از مبارزه فدائیان خلق می باشد.

با شروع جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر صدام علیه انقلاب و خلقهای میهنان سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" به تمام اعضا و هواداران خود دستور داد به هر نحو و شکل ممکن در جبههها و پشت جبههها علیه تجاوزگران به مقابله برخیزند. مبارزه مسلحانه با تجاوزگران در جبههها به گواه شهادت بیش از ۶۰ تن از فدائیان خلق "اکثریت" از جمع آوری و ارسال دارو و جمع آوری کمکهای مالی و داروئی در پشت جبههها برای جنگ زدگان نمونههای بارز و روشنی از مبارزه فدائیان خلق می باشد.

در جشن همبستگی بین المللی به مناسبت سومین سال انقلاب ایران کارگران فرانسه از مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم پشتیبانی کردند



بزرگی در تحکیم صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم به دست آورند. حزب کمونیست فرانسه از مبارزه مردم ایران در راه استقلال و آزادی حمایت کرده و پشتیبانی مجدد خود را به مناسبت این شب سیاسی همبستگی بین المللی اعلام می نماید. "در پیام همبستگی کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه نیز که توسط دبیر منطقه ای سندیکا خوانده شد از انقلاب ایران و مبارزات کارگران ایران و نقش قاطع آنان در پیروزی انقلاب حمایت و پشتیبانی گردید. دبیر منطقه ای کنفدراسیون در قسمتی از سخنان خود چنین گفت: "اتحاد منطقه ای کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه به نام ۲۰۰۰۰ کارگر عضو خود در نانت همبستگی خود را با کارگران و مردم ایران اعلام می کند. . . . دخالت های امپریالیسم آمریکا را در ایران محکوم می کند و از مبارزات مردم و کارگران ایران برای آزادی خود حمایت می نماید. " در آخرین قسمت این جشن هواداران سازمان در کنار رفقای السالوادوری و افغانی به سئوالات شرکت کنندگان در جشن و حاضران پاسخ دادند. شرکت کنندگان جشن همبستگی بین المللی در پایان برنامه از نمایشگاه عکس انقلاب ایران و جنایات جنگی امپریالیسم در ایران دیدن کردند.

صفوف خود را فشرده تر می کنند تا با مبارزات متحد خود تداوم و تعمیق انقلاب ایران را تضمین کنند. " سپس دو سری اسلاید در مورد انقلاب ایران و توطئه های امپریالیسم در ایران نمایش داده شد و سرود کارگر توسط هواداران سازمان خوانده شد. این جشن با نمایش یک فیلم یک ساعته از مبارزات کارگران و زحمتکشان السالوادور علیه امپریالیسم و نوکران داخلی آن ادامه پیدا کرد و پس از آن فیلم انقلاب افغانستان به نمایش درآمد. در ادامه برنامه سرود انترناسیونال به دو زبان فارسی و فرانسه توسط دانشجویان کمونیست فرانسه و هواداران سازمان مشترکاً خوانده شد که همبستگی بین المللی و همزمی تمام کارگران جهان را در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم به نمایش گذاشت. در قسمتی از پیام همبستگی حزب کمونیست فرانسه که به مناسبت این جشن به مردم انقلابی ایران داده شده بود، چنین آمده است: "انقلاب ایران ضربه جدیدی بر سلطه امپریالیسم وارد کرده است. بله، همه چیز در نائید این است که جهان در جهت مثبتی در حرکت است دیگر امپریالیسم نمی تواند بر اساس تمایلات واقعی خود برای جنگ و صلح تصمیم گیرد. امپریالیسم در حال عقب نشینی است و خلقها می توانند موفقیت های

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در نانت فرانسه به مناسبت سومین سال انقلاب ایران در شب ۴ فروردین برای تقویت همبستگی بین المللی و معرفی انقلاب ضد امپریالیستی دموکراتیک ایران در سالن کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (E-G-T) برگزار کردند. در این شب سیاسی که جبهه انقلابی دموکراتیک السالوادور (FD-R) کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (C-G-T)، حزب کمونیست فرانسه، دانشجویان هوادار انقلاب دموکراتیک افغانستان و سازمان آزادیبخش فلسطین شرکت داشتند، با گذاشتن نمایشگاه عکس، غرفه فروش نشریات و نوارهای انقلابی برپا کردند. حزب کمونیست فرانسه و کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه هر یک طی پیامهایی از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و از انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک ایران پشتیبانی کردند. یکی از رفقای هوادار در آغاز جشن در افشای توطئه های امپریالیسم علیه انقلاب ایران گفت: " . . . اکنون امپریالیسم تمام توجهات و تلاشهای خود را در تقویت بورژوازی لیبرال قرار داده است تا با سرنگونی دولت ضد امپریالیست کنونی، دولت بورژوازی را در ایران حاکم کند و تمام دستاوردهای انقلاب را نابود کند ولی کارگران و زحمتکشان ایران

شماره
تاریخ
پست



مقامات عالی در لوزان ۵۰ لیلو در انرا مختلف
از وزارت سازمان دانشجویان ایرانی
ایران هر ادار سازمان کربلای عین فراهان
ایران (اکثریت) حمایت کند که مبارز
ایرانی نمول سرگورانی جمهوری اسلامی ایران
در لوزان کرد



مقام ۳۰/۱۵ لیلو دارو در انواع مختلف از طرف سازمان دانشجویان ایران در ایتالیا هوادار سازمان کربلای عین فراهان (اکثریت) مبارزات به جنب زدگان ایران نمول سفارت جمهوری اسلامی ایران - روم

حساب
مبارزات
۶۹/۱۲۳

AMBASSADE DE LA REPUBLICQUE ISLAMIQUE D'IRAN ROME

هواداران سازمان در مصاحبه با رادیوی کارگران فرانسه توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ایران را افشاء کردند

در این مصاحبه رادیویی گفته شد " انحصارات فرانسه از عدالت انقلاب ایران و کارگران فرانسه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند "

ضد انقلاب

در کویت " هار " شده است

این روزها ضدانقلابیون فراری در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و از جمله کویت، به فعالیت خودافزوده‌اند. حمایت مستقیم و غیر مستقیم شیوخ و عوامل امپریالیسم از این مزدوران که اخیرا با اعلام خبر جعلی حمله هواپیماهای ایرانی به خاک کویت بیش از پیش مشخص گردید، ابعاد توطئه‌ها را نشان می‌دهد. در کویت که به یکی از پایگاه‌های ضدانقلابیون وابسته به آمریکا تبدیل شده دفتری به نام " ارتش آزادیبخش ایران " گشایش یافته که تبلیغات گسترده‌ای را میان ایرانیان مقیم کویت و اتباع این کشور به راه انداخته است. ساواکی‌های فراری و سرمایه‌داران نقش مهمی در هدایت و تامین بودجه این دفتر دارند. یکی از تجار ایرانی مقیم کویت به نام " قبازد " که تنها در کویت ۲۵۰ موتورلنج و دهها ساختمان مجهز دارد، مبالغ زیادی را در اختیار ضد انقلابیون قرار داده است. او به همراه سایر سرمایه‌داران فراری مبالغ قابل توجهی را صرف تاجگذاری رضا پهلوی کردند و با پشتیبانی دولت کویت عده‌ای از ارادل و اوباش را به هواپیمائی ریختند و به قاهره بردند! از دیگر اقدامات محافل

ضدانقلابی، برگزاری اجتماعات سخنرانی و نمایش فیلم در سالن‌های عمومی است که با اجازه دولت کویت برگزار می‌شود. ساواکی‌ها و عناصر خودفروخته با نام " شجاعیان بختیار " و " ابو مسلم خراسانی " و... مبادرت به پخش اعلامیه و عکس‌هایی از رضاپهلوی، در لباس خلبانی و یا در کنار دریا می‌نمایند و علیه انقلاب ایران و مقامات جمهوری اسلامی دست به کثیف‌ترین تبلیغات می‌زنند. چندی پیش " اویسی " خائن برای سخنرانی به کویت رفته بود که با اعتراض شدید جوانان انقلابی ایرانی روبرو شد. در این میان پلیس کویت به طرفداری از این عنصر ضد خلقی وارد معرکه شد و عده‌ای از انقلابیون را دستگیر کرد. البته نیروهای مبارز مقیم کویت و از جمله هواداران سازمان فدائیان خلق ایران " اکثریت " با تمام نیرو ضدانقلابیون در برابر ایستادگی می‌کنند و اعمال آنها را زیر نظر دارند. دولت جمهوری اسلامی وظیفه دارد این توطئه‌ها را با دقت تعقیب نماید و با اتخاذ سیاست‌های روشن و سنجیده و یاری گرفتن از نیروهای انقلابی به مقابله با آن برخیزد.

صلح عادلانه با پشتیبانی سایر نیروهای صلح‌طلب جهان قصد بازسازی ویرانی‌های جنگ و ساختن ایرانی جدید با زندگی بهتر را دارند. در آخرین قسمت این مصاحبه رادیویی با گفته اینکه کارگران فرانسوی حمایت امپریالیسم فرانسه را از رژیم خونخوار شاه و ضد انقلاب ایران فراموش نخواهند کرد از رفقای هوادار سازمان خواست اگر پیامی به کارگران فرانسه دارند، از طریق رادیومبارزه به آنها برسانند. در اینجا یکی از رفقا گفت: " کارگران و زحمتکشان ایران در فرانسه دو نحوه برخورد کاملا متفاوت و متضاد در ارتباط با انقلاب خویش می‌بینند اول نحوه برخورد کارگران فرانسه است که از انقلاب ایران حمایت کرده و از آن پشتیبانی می‌کنند و دوم نحوه برخورد سرمایه‌داری انحصاری فرانسه است که از ضدانقلاب و سرمایه‌داران فراری ایران پشتیبانی می‌کند و نیروهای بینابینی نیز آنطور که از جرایدشان برمی‌آید از انقلاب ایران ناپیگیرترین نیروها را به رسمیت می‌شناسند که سیاست‌های آنها با سیاست‌های بورژوازی لیبرال بیشتر شباهت دارد تا نیروهای موسوم به " خط امام " این نیروها دارای روحیه سازشکارانه با امپریالیسم و به‌ویژه با امپریالیسم اروپا و ژاپن می‌باشند. به همین جهت کارگران و زحمتکشان ایران فقط کارگران فرانسه و سازمان‌های صنفی طبقاتی و سیاسی آنها را دوستان انقلاب خود در فرانسه می‌دانند. کارگران ایران در مبارزه برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم

مدارکی پیدا شد که نشانه دهها سال تسلط و دخالت آمریکا در مسائل داخلی ایران بود و همدستی تمام امپریالیست‌ها و ارتجاع بین‌المللی را با نیروهای ضد انقلاب ایران و بورژوازی لیبرال را برای توقف انقلاب ایران نشان می‌دهد. سقوط دولت بورژوازی لیبرال و تعمیق آگاهی‌های سیاسی و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران از دستاوردهای مهم تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران بوده است. " یکی از کارگران حاضر در استودیو پرسید: در مورد جنگ عراق با ایران چه اطلاعاتی می‌توانید در اختیار کارگران شنونده قرار دهید؟ رفیق هوادار پاسخ داد: بعد از سقوط دولت بورژوازی لیبرال در ایران، امپریالیسم آمریکا شکست انقلاب ایران و سرنگونی حاکمیت ضد امپریالیستی ایران را در برنامه خود قرار داد. همانطور که می‌دانید بعد از اشغال جاسوسخانه، امپریالیسم آمریکا ایران را محاصره اقتصادی کرد که بازار مشترک اروپا نیز از آن پشتیبانی کرد سپس مستقیما به خاک ایران در منطقه طبس دخالت نظامی کرد که با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد. امپریالیسم سپس دو طرح کودتا در ارتش ایران ریخت که توسط پرسنل انقلابی ارتش افشاء گردید. با شکست توطئه‌های مذکور، این بار امپریالیسم به وسیله رژیم صدام جنگ ناخواسته‌ای را به مردم ایران تحمیل کرده است که کارگران و زحمتکشان ایران با مقاومت‌های قهرمانانه خود این توطئه‌ها را هم به سر نوشت توطئه‌های دیگر دچار کردند و اکنون با مبارزه برای یک

در روز ۸ آوریل (۱۹ فروردین) هواداران سازمان در نانت فرانسه طی یک مصاحبه نیم ساعته در رادیو " مبارزه " که توسط کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه () اداره می‌شود، شرکت کرده و توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و به‌ویژه امپریالیسم فرانسه را علیه انقلاب ایران افشاء کردند. رفقای هوادار در این مصاحبه رادیویی به سئوالات متعدد خبرنگار رادیو و کارگران حاضر در استودیو درباره تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، سیاست‌های سازشکارانه بورژوازی لیبرال ایران، جاسوس‌های امریکائی و جنگ رژیم صدام علیه ایران پاسخ دادند. در پاسخ یکی از سئوالات در مورد تصرف جاسوسخانه آمریکا گفته شد: " کارگران و زحمتکشان ایران موجودیت انقلاب ایران را در تداوم و تعمیق آن می‌دانند و در زمان انقلاب در خیابان‌ها و راهپیمائی‌ها فریاد می‌زدند بعد از شاه نوبت امریکاست ولی دولت بورژوازی لیبرال آقای بازرگان نه تنها به این خواست‌ها و حرکات انقلابی مردم توجهی نداشت بلکه سعی می‌کرد با سیاست " گام به گام " خود سلطه امپریالیسم را مجددا بر کشورمان برقرار کند و بالاخره دولت بورژوازی لیبرال بی‌توجهی خود را به فریادهای مردم به جایی رساند که به ملاقات برژینسکی مشاور امنیتی کارتر رفت. در همین زمان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با حرکت انقلابی خود به فریادهای ضد امریکائی مردم ایران پاسخ دادند و جاسوسخانه را به تصرف خود درآوردند. در سفارت آمریکا

متعدد خود اطلاعات بیشتری در مورد نقش طبقه کارگر ایران در پیروزی و تداوم انقلاب ایران و نقش سازمان فدائیان خلق ایران " اکثریت " در سازماندهی طبقه کارگر خواسته‌اند. هواداران در پاسخ به این خواسته‌های کارگران فرانسه با حضور در مناطق کارگری و سلول‌های حزب کمونیست توضیحات مداومی در این مورد به کارگران می‌دهند.

خود راهمدوش کارگران فرانسه می‌بینند. گفتنی است در لابلای این مصاحبه رادیویی ترانه‌های خلقی ایران از ساخته‌های کارگاه هنر ایران پخش گردید بعد از پخش این مصاحبه رادیویی مسئول روابط عمومی رادیو مبارزه به رفقای هوادار اطلاع داد که پخش این مصاحبه با استقبال کارگران فرانسه روبرو شده است و کارگران طی نامه‌های

از تحریف تاریخ و برخورد خصمانه با مصدق تنها لیبرال‌ها سود می‌برند

سالهای ۲۹ تا ۳۲ سالهای خروج مردم ایران علیه سلطه حاکمانه امپریالیسم انگلستان بر میهن ما و سالهای مبارزه بخاطر ملی کردن نفت است. بر اثر همین مبارزات مصدق امپریالیستی در روزهای ۲۰ و ۲۱ خرداد ۱۳۳۵ هیئتی به ریاست حکس انگلیسی از طرف شرکت (سابق) نفت ایران و انگلیس وارد تهران شد تا پیرامون طرز اجرای ملی شدن نفت ایران با دولت مصدق مذاکره کند.

پیشهادهای این هیئت امپریالیستی عملاً در جهت نفی حاکمیت ملی مردم ما بر منابع نفت سرزمین خویش به شمار می‌رفت و به همین جهت مردم آگاه و نیروهای انقلابی علیه تصویب آن به فعالیت پرداختند. برعکس ایادی مزدور انگلیس، دربار عناصر ارتجاعی شرکت نفت سابق دولت، مجلس و مطبوعات دست راستی با فشار به دولت مصدق کوشش کردند تا پیشهادهای فوق از سوی ایران مورد پذیرش قرار گیرد. پس از چند روز مذاکره در روز ۲۹ خرداد، از طرف دولت طی یک قطعنامه ۶ ماده‌ای خلع ید از شرکت نفت سابق اعلام شد و دکتر مصدق طی پیامی اعلام داشت: "آن‌ها (شرکت سابق) نخواسته‌اند زبان ما را بفهمند من مکرراً اعلام کرده‌ام که به هیچ وجه نمی‌توانم در اجرای قانونی که مظهر ارزو و اراده ملت ایران است قصور و مسامحه به کار برم... دستور دادم عملیات اجرایی ادامه داده شود."

(اطلاعات ۳۰ خرداد ۱۳۳۵) این اقدام، جزئی از مبارزات عمومی مردم ایران برضد امپریالیسم انگلستان و در جهت ملی کردن کامل نفت به شمار می‌رفت. در راس این حرکت دکتر مصدق رهبر مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در فاصله سالهای ۲۹ تا ۳۲ قرار داشت. مبارزاتی که یکی از درخشان‌ترین دوران پیکار مردم ایران علیه امپریالیسم می‌باشد. این مبارزات هرچند که با کودتای

ارمنی ۲۸ مرداد به شکست انجامید، اما نتایج و تحارب گرانبهایی را برای زحمتکشان ایران به همراه داشت. رژیم شاه پس از ۲۸ مرداد با توطئه سکوت و به‌ویژه تحریف وقایع همواره کوشید نسل پس از ۲۸ مرداد را از تحارب و درس‌های این دوران از مبارزات مردم بی‌اطلاع نگاه‌داشته، تاریخ میهنمان را با دروغ و بهتان تحریف نماید و مردم را از آگاهی و به‌کارگیری تحارب این تاریخ پرخوش و خروش محروم سازد.

متأسفانه برخورد جمهوری اسلامی ایران با این دوره از مبارزات ملت ایران نیز سرشار از تنگ‌نظری و قشریتی است که به هیچ‌روی شایسته یک دولت روی کار آمده از انقلاب نیست. مقامات جمهوری اسلامی به‌حای آموزش و آموزش دادن از مبارزات این دوران، غلبه بر ضعف‌ها و خطاهایی که به شکست ملی کردن نفت انجامید و بهره‌وری از نقاط قوت آن، سیاست تحریف را پیشه کرده و با مبارزات سالهای فوق برخوردی غیر مسئولانه و خصمانه دارند. به‌ویژه سیاستی که رژیم جمهوری اسلامی در برابر مصدق و یاناسیونالیسم ترقی خواهانه وی در پیش گرفته نمونه کامل چنین بی‌مسئولیتی‌هایی نسبت به یک جنبش رهائی بخش و رهبر آن می‌باشد. در این امر تردیدی نیست که مصدق از اشتباه و آنهم اشتباهات بسیار جدی که در شکست جنبش خلق نقش اساسی داشت، مبرا نبوده‌است. وی به دلیل درک سطحی و عدم شناخت کافی از امپریالیسم و به‌ویژه محافظه کاری در برابر ارتجاع که از تعلقات طبقاتی وی ناشی می‌شد هرگز نتوانست مبارزه‌ای پیگیر و بی‌امان را علیه دشمنان مردم پیش برد، در جهت تقویت وحدت خلق مبارزه کند، علیه بزرگ مالکان و سرمایه‌داران وابسته دست به اقدامات قاطع زند، امرای سرسپرده ارتش را برکنار نماید و... اما این ضعف‌ها بدان معنی نیست

که چشم بر آرمان‌های استقلال طلبانه و مبارزه، وی به‌ویژه علیه امپریالیسم انگلستان فرو بندیم. همین آرمان‌های استقلال طلبانه و مبارزه ضد امپریالیستی باعث شد که مصدق، تبدیل به رهبر مبارزات مردم شده و به‌عنوان یک مبارز راه استقلال و آزادی در قلوب مردم جای‌گیرد.

سیاست کینه توزانه جمهوری اسلامی نسبت به مصدق و حملات غیر مسئولانه‌ای که بوی صورت می‌گیرد و آخرین آنرا در اقدام نادرست تعویض نام حیایان مصدق دیدیم، باعث شده‌است که از مدتها پیش بورژوازی لیبرال ایران حیل‌گرانه و زیر پرچم دفاع از مصدق، از احساسات توده‌های مردم نسبت به وی به‌خود خود بهره برداری کند. دارو دسته و رشکسته به اصطلاح جنبه ملی هم‌آواز با سایر لیبرال‌های ایران با سوء استفاده از برخوردهای غلط جمهوری اسلامی نسبت به مصدق به دروغ خود را ادامه دهندگان راه وی و نمود ساخته و در پوشش افکار آزادیخواهانه و استقلال طلبانه مصدق سیاست‌های سازشکارانه و خیانت آمیز خویش را تبلیغ می‌کنند. لیبرال‌هایی که در طول ۳۰ سال قدم بقدم از مواضع ضد امپریالیستی مصدق دور شده و در هر قدم بیشتر از پیش به منجلاب سازش با امپریالیسم در غلطیده‌اند، شادمان از حملات جمهوری اسلامی به مصدق، امکان یافته‌اند افکار ضد انقلابی خود را با ناسیونالیسم ترقی خواهانه مصدق - که مورد تاخت و تاز جمهوری اسلامی قرار گرفته - یکسان جلوه‌گر ساخته، خود را "آزادیخواه"، "مصدقی" و... جازده، برای خود نزد توده‌های مردم کسب وجهه کنند. از سوی دیگر دشمنی کوربینانه با مصدق باعث آن شده که محافل مشکوکی نظیر طرفداران بقائی که در ضدیت با مصدق از سوابق تاریخی نیز برخوردارند به راحتی در طیف "خط امام"

نفوذ کرده و داغ افکار مخرب و ضدانقلابی خویش را بر پیشانی انقلاب بکوبند. "ضد مصدق"‌هایی که کودتای ۲۸ مرداد را تأیید کرده و حتی برای پیروزی آن کوشیدند و پس از کودتا نیز به دست‌بوس شاه و رژیم کودتائی وی رفتند و به حمایت از آن برخاستند امروز زیر پرچم همین سیاست غیرمسئولانه گردآمده و به چنین سیاست خطرناکی بنوبه خود دامن می‌زنند تا در فرصت مناسب با رهبران ضد امپریالیست و مردمی جمهوری اسلامی همان‌کند که با مصدق کردند. هنوز داغ ننگ همکاری با رژیم کودتا و حمایت قداره نندان سپهبدزاهدی که برخی از وعظ امروز را در جلسات وعظ همراهی می‌کردند بر پیشانی آنها باقی است و شگفتا که امروز چنین عناصری تحت حمایت حکومت جمهوری اسلامی اینجا و آنجا به سخنرانی و سخنگوئی برای جمهوری اسلامی می‌پردازند. مصدق مبارزی استقلال طلب بود. باید این خصمت ملی او را ارج نهاد و کوشش‌هایی را که امروز لیبرال‌ها

برای سوء استفاده از نام او عمل می‌آورند رسوا ساخت. باید نشان داد که بین آرمان‌های ترقیخواهانه مصدق و اهداف سازشکارانه لیبرال‌ها هیچ قرابت و نزدیکی وجود ندارد. باید جنایتکارانی را که در ضدیت با مصدق و جنبش خلق به یادوئی رژیم کودتا پرداختند و امروز در درون جمهوری اسلامی لانه کرده‌اند، افشا و برملا کرد. باید با مصدق همانگونه برخورد کرد که شایسته وی است، در غیر اینصورت ورشکستگی چون رهبران جنبه ملی فرصت می‌یابند به نام او خیانت‌های خود را رنگ و روی "آزادیخواهانه" بزنند. اما، متأسفانه برخورد جمهوری اسلامی چنین نیست و تنها به مخدوش ساختن مرز دوستان و دشمنان انقلاب می‌انجامد. سیاست مخربی که تاکنون بارها نتایج زیان‌بار آن را شاهد بوده‌ایم.

جلسات ضبط شده بحث آزاد را پخش کنید

در پایان ضبط پنجمین جلسه بحث آزاد سیاسی پیرامون "آزادی، هرج و مرج و زورمداری" همه شرکت کنندگان توافق کردند که بحث آزاد پیرامون "استقلال و مفهوم نه شرقی و نه غربی" ادامه یابد. اما علیرغم این قرار هم اینک این بحث‌ها متوقف شده است. علاوه بر آن، با کمال تأسف حتی سه قسمت از پنج قسمت بحث سیاسی که نزدیک به یک ماه از ضبط آخرین آن می‌گذرد به دلایلی که برای مردم ایران روشن نیست تاکنون پخش نشده است. تردیدی نیست که قطع این برنامه‌ها خواست مشترک همه نیروهای مخالف انقلاب از یک سو و محافل و عناصر قشری و انحصار طلب درون جمهوری اسلامی از سوی دیگر است. به اعتقاد ما، ممانعت از پخش این برنامه‌ها و بدتر از آن قطع آنها، مردم را نسبت به درجه پایبندی مسئولین جمهوری به آزادی‌های سیاسی و اجرای قانون اساسی دچار تردید می‌سازد. پخش این مناظره‌ها، آگاهی توده‌های مردم را ارتقاء داده و مردم را در خنثی کردن انواع توطئه‌های ضدانقلاب و دشمنان جمهوری اسلامی تواناتر می‌سازد. ما مصراً از مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی می‌خواهیم اولاً "برنامه‌های ضبط شده را هرچه سریع‌تر پخش کنند و ثانیاً بدون تسلیم به فشارهای وارده از سوی محافل قشری و انحصار طلب برگزاری و ضبط تلویزیونی بحث آزاد سیاسی را ادامه دهند."

حجت الاسلام خوئینی ها: در طول ریاست جمهوری بنی صدر به تدریج شعار مرگ بر آمریکا فراموش شده بود

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در جلسه روز یکشنبه ۳۱ خرداد مجلس شورای اسلامی به عنوان موافق طرح عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر، سخنان خود را چنین آغاز می کند:

"قبل از وارد شدن در بحث و استدلال برای موافقت با عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر و دادن رای مثبت به آن لازم است نکاتی را متذکر شوم: آن چیزی که وجدان عمومی جامعه و نیز مجلس شورای اسلامی و اینجانب را به بحث پیرامون عدم کفایت

بنی صدر مخالفت شدید وی با نهادهای برخاسته از انقلاب... مخالفت مستمر ایشان با مجلس شورای اسلامی... یا دخالت صریح آقای بنی صدر رئیس قوه مجریه، در قوه قضائیه... نیست. (اگرچه این همه آشکارا حرکت به سوی ساختن پیکره منحوس دیکتاتوری است. سخن بر سر مسئلهای مصیبت بارتر از این حرفهاست".

حجت الاسلام سپس به برداشت نادرست و سوء استفاده آقای بنی صدر از یازده میلیون رای اشاره

جمهوری اسلامی ایران آشکار نمایند که البته بخشی از این گناه به عهده کسانی است که این پیشنهاد را به امام کردند. "... اینها هیچکدام دلیل اینجانب برای اثبات عدم کفایت سیاسی ایشان نیست. "... نه، اینها هیچیک مصیبت اصلی نیست. که اینها، همه میوه های تلخ شجر خبیثه ای است که باید نمایندگان محترم و مهم تر، ملت ایران بدان توجه کنید. ملت ایران! اینجای بحث از یک نفر نیست که اگر مسئله یک نفر بود این همه جنجال نداشت. اینجا بحث از یک جریان است. جریان آمریکا، ضد اسلامی.

داخلی مسئله آمریکا را به فراموشی بسپارد؟ افکار عمومی را از طرف آمریکا به دشمنانی موهوم برای این جمهوری منحرف نماید؟ آیا شما هرگز دیده اید که اجتماع کنندگان در سخنرانی های آقای بنی صدر، در میدان شهدا، در شهرهای مختلف، در پی سخنرانی های ایشان، ناگهان فریاد مرگ بر آمریکا از حلقوم آنان بیرون بیاید و فضای سیاسی را عطرآگین کند؟ بنده در همینجا به ملت ایران عرض می کنم که این بدعت زشت آقای بنی صدر را کنار بگذارید و در اجتماعات فریاد مرگ بر آمریکا را سر دهید. ملت

امام، که فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند". سرانجام حجت الاسلام در پایان سخنان خود، این نتیجه گیری درخشان و لازم را به عمل می آورند: "بله! دلیل اصلی اینجانب بر عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر این است که ایشان در متن جریان خط آمریکا قرار گرفته است و از این پایگاه است که به مقابله با نهادهای انقلابی برخاسته است. آقای بنی صدر از پایگاه خط آمریکا به مخالفت با سپاه پاسداران برمی خیزد... از پایگاه خط آمریکا است که با دادگاه های انقلاب به مخالفت برمی خیزد و تاسف

"آیا آقای بنی صدر در سخنرانی ها و مصاحبه ها سعی نکرده است که دائما با طرح مسائل و اختلافات داخلی مسئله آمریکا را به فراموشی بسپارد؟ افکار عمومی را از طرف آمریکا به دشمنانی موهوم برای این جمهوری منحرف نماید؟ آیا شما هرگز دیده اید که اجتماع کنندگان در سخنرانی های آقای بنی صدر، در میدان شهدا، در میدان آزادی، در شهرهای مختلف، در پی سخنرانی های ایشان ناگهان فریاد مرگ بر آمریکا از حلقوم آنان بیرون بیاید و فضای سیاسی را عطرآگین کند؟"

از سخنان خوئینی ها

حجت الاسلام سپس در حالی که مدام از سوی نمایندگان با شعار مرگ بر آمریکا، تأیید می شد، به سخنان خود اینگونه ادامه می دهد:

"آیا این انصاف هست که شما اختلاف خط آمریکائی ضد اسلام را با خط اصیل انقلاب اسلامی یعنی خط امام به نزاع بین دو جناح سیاسی داخلی تفسیر کنید؟"

... آقای بنی صدر به ۱۱ میلیون رای تأکید می کند ولی آیا اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد تأیید سراسر کشور و اکثریت قاطع ملت ایران جز وابستگی به آمریکا قرار نگرفت؟ آیا امام این اقدام انقلابی را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نخواند؟ و ... فکر می کنید که چرا آقای بنی صدر از اولین مخالفین این حرکت بود و از هر وسیله ای برای درهم شکستن این حرکت استفاده می کرد؟"

... هیچ فکر کرده اید که چرا از زمانی که آقای رئیس جمهور بنی صدر به مقام ریاست جمهوری دست می یابند، به تدریج شعار مرگ بر آمریکا فراموش شده است؟ آیا آقای بنی صدر در سخنرانی ها و مصاحبه ها سعی نکرده است که دائما با طرح مسائل و اختلافات

حجت الاسلام سپس در حالی که مدام از سوی نمایندگان با شعار مرگ بر آمریکا، تأیید می شد، به سخنان خود اینگونه ادامه می دهد:

"آیا این انصاف هست که شما اختلاف خط آمریکائی ضد اسلام را با خط اصیل انقلاب اسلامی یعنی خط امام به نزاع بین دو جناح سیاسی داخلی تفسیر کنید؟"

... آقای بنی صدر به ۱۱ میلیون رای تأکید می کند ولی آیا اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد تأیید سراسر کشور و اکثریت قاطع ملت ایران جز وابستگی به آمریکا قرار نگرفت؟ آیا امام این اقدام انقلابی را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نخواند؟ و ... فکر می کنید که چرا آقای بنی صدر از اولین مخالفین این حرکت بود و از هر وسیله ای برای درهم شکستن این حرکت استفاده می کرد؟"

... هیچ فکر کرده اید که چرا از زمانی که آقای رئیس جمهور بنی صدر به مقام ریاست جمهوری دست می یابند، به تدریج شعار مرگ بر آمریکا فراموش شده است؟ آیا آقای بنی صدر در سخنرانی ها و مصاحبه ها سعی نکرده است که دائما با طرح مسائل و اختلافات

حجت الاسلام سپس در حالی که مدام از سوی نمایندگان با شعار مرگ بر آمریکا، تأیید می شد، به سخنان خود اینگونه ادامه می دهد:

"آیا این انصاف هست که شما اختلاف خط آمریکائی ضد اسلام را با خط اصیل انقلاب اسلامی یعنی خط امام به نزاع بین دو جناح سیاسی داخلی تفسیر کنید؟"

... آقای بنی صدر به ۱۱ میلیون رای تأکید می کند ولی آیا اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد تأیید سراسر کشور و اکثریت قاطع ملت ایران جز وابستگی به آمریکا قرار نگرفت؟ آیا امام این اقدام انقلابی را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نخواند؟ و ... فکر می کنید که چرا آقای بنی صدر از اولین مخالفین این حرکت بود و از هر وسیله ای برای درهم شکستن این حرکت استفاده می کرد؟"

... هیچ فکر کرده اید که چرا از زمانی که آقای رئیس جمهور بنی صدر به مقام ریاست جمهوری دست می یابند، به تدریج شعار مرگ بر آمریکا فراموش شده است؟ آیا آقای بنی صدر در سخنرانی ها و مصاحبه ها سعی نکرده است که دائما با طرح مسائل و اختلافات

سیاسی آقای بنی صدر واداشته است، اختلاف ایشان با بعضی از شخصیت ها و یا سازمان ها و احزاب سیاسی نیست. هر چند که آقای بنی صدر برای سرپوش گذاشتن بر سر مسئله اصلی در پی چنین فریبی سخت تلاش کرده است و ...

دلیل اینجانب برای اثبات عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر فقدان عدم تقوای سیاسی ایشان و حتی وجود خصلت های شیطانی از قبیل روحیه استکباری و خودخواهی و خودمحوری و میل به تشخصات شاهنشاهی نیست. هر چند که این ضعف ها ...

نیز اعتقاد اینجانب بر اثبات عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر به مفهوم پاکی و منزه بودن مخالفین وی از هر دسته و گروه و یا شخصیت های سیاسی و از هر عیب و نقصی نیست ...

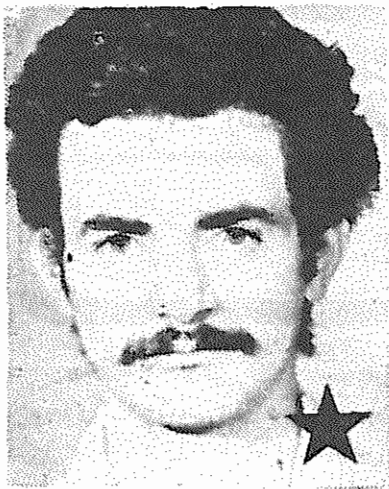
نیز دلیل اینجانب بر اثبات عدم کفایت سیاسی

می کنند و می گویند: "آقای بنی صدر یا نمی دانست و یا نمی خواست بدانند که مفهوم آراء هر چه بیشتر، داشتن حق مقابله و خصومت بیشتر با سایر قوا نیست" و برعکس "مفهوم یازده میلیون رای نیز تأکید بر همین امر (همکاری با دیگر قوای منتخب ملت) است نه چیز دیگر، که اگر بیست میلیون می شد، دلیل بر تأکید بیشتر این حقیقت بود و جرم ایشان در آن صورت بزرگ تر نیز بود و ...

نیز: " ... اصرار دارم که به این بی کفایتی نظامی برای اثبات عدم کفایت سیاسی ایشان متمسک نشوم. زیرا می ترسم که ناخواسته به شرف و حیثیت افسران و درجه داران و سربازان دلیر ایران خدشه ای وارد شود که ... (آقای بنی صدر) اجازه نداد که پیش از جنگ ارتشیان شریف، استعداد خود را در بازسازی ارتش



رفیق فدائی بهزاد شیوا در راه تحقق آرمان زحمتکشان و به هنگام تصرف ارتفاعات فوج سلطان شهید شد



فدایی خلق

رفیق شهید بهزاد شیوا

فدائیان خلق (اکثریت) ، اتحادیه کتابفروشان ، شورای کارکنان وزارت کشاورزی و ... آورده شده بود ، گلباران کرد .

جاودان باد خاطره پر افتخار فدایی خلق و رزمنده دلیر جبهه نبرد علیه امپریالیسم جهانی به سر کردگی آمریکا ، رفیق شهید بهزاد شیوا

دانشگاهی اش همکاران اداریش ، نمایندگان شورای کارکنان وزارت کشاورزی ، هم محله‌ای‌ها و رفقای سازمانیش حضور داشتند . در این مراسم رفیق عضو کمیته مرکزی سازمان ضمن تسلیت به خانواده مبارز رفیق و ضمن درود به همه شهدای خلق به ویژه شهدای گلگون کفن جبهه نبرد علیه صدام و امپریالیسم آمریکا ، خاطره تابناک رفیق فدایی شهید بهزاد شیوا را گرمی داشت و تاج گلی از طرف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نثار مزار رفیق کرد . علاوه بر آن مزار گلگون رفیق شهیدمان را گلهایی که از طرف سازمان دانشجویان پیشگام مادران شهدای

شرکت در صف مقدم جبهه شد به علت پایان نیافتن دوره آموزش با رفتن او به صف مقدم جبهه مخالفت شد پس از پایان دوره آموزشی به لشکر ۲۸ سنج منتقل شد . یکی از همزمان او در سنج می نویسد :

بهزاد چندین بار داوطلب حمله در صف مقدم جبهه جنگ علیه تجاوزگران صدامی شد . و بالاخره در جبهه مریوان هنگام تسخیر ارتفاعات فوج سلطان در راه آرمان والایش به دست مزدوران صدامی به شهادت رسید .

* * *

در مراسم شب هفت رفیق شهید ، فدایی خلق بهزاد شیوا بسیاری از رفقای او بر مزارش حضور یافتند و به خاطره تابناکش درود فرستادند . در این مراسم یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی سازمان دوستان

تاریخ ۲۵ خردادماه ۱۳۳۴ در زندان دریافت کردم . همان روز از طرف رفقای زندانی جشنی برگزار شد و هدایایی به بهزاد اهداء گردید . به این ترتیب نخستین هدیه را از رفقای زندانی دریافت کرد در سال ۴۶ تحصیلات ابتدایی ، در سال ۵۲ تحصیلات متوسطه و در اسفند ۵۸ تحصیلات عالی خود را در رشته کامپیوتر به پایان رساند . و در تاریخ ۱۶ خرداد ۶۰ ، در جبهه دفاع از میهن انقلابی به افتخار شهادت نائل آمد . در تمام عمر کوتاهش نشانه‌های انسانیت به تناسب سن و سال در او تجلی یافت .

رفیق بهزاد در مبارزات صنفی سیاسی دانشجویان شرکت فعال داشت و او همزمان با تحصیلات دانشگاهی در وزارت کشاورزی نیز کار می کرد . وقتی نخستین بار بنا به رهنمود سازمان داوطلب

روز دوشنبه ۱۸ خرداد ماه روزنامه‌های عصر تهران نام رفیق شهید بهزاد شیوا را در کنار ۲۵ تن دیگر از شهدای جبهه نبرد علیه تجاوزگران صدامی ، نوشتند . ستوان دوم وظیفه ، رفیق بهزاد شیوا که چندین ماه در جبهه مریوان با صدامیان می جنگید در تاریخ شانزدهم خرداد ماه هنگامی که به عنوان فرمانده گروهی از رزمندگان برای تصرف ارتفاعات فوج سلطان به دشمن یورش برده بود ، در نبردی قهرمانانه برای حفظ میهن انقلابی از تجاوز صدام و حامیان امپریالیستش جان خویش را نثار انقلاب کرد .

رفیق بهزاد شیوا زمانی چشم به جهان گشود که پدرش به خاطر مبارزه با دیکتاتوری شاه وابسته به آمریکا ، در زندان به سر می برد . پدرش چنین می نویسد :
"خبر تولد بهزاد را در

تهاجم قشریون به دفتر جنبش مسلمانان مبارز را محکوم می کنیم

در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید توجه کنیم بخشی از این نوشته چنین است : " جریان موسوم به خط سوم که جریانی است غیرمتشکل اما بس خطرناک که در آن اغلب کسانی که پایه‌های حکومت آقای بنی صدر را استوار کردند و باعث روی کار آمدن ایشان شدند تا التقاطیون ، امت و امثال آنها که اتحاد عملی شان در این است که هم آقای بنی صدر را می کوبیدند و هم آقای رجائی هاشمی و آقای دکتر بهشتی را ، اینک می کوشند با فرصت طلبی تمام از قیام پرخروشی که با فریادهای خروشنده امام امت شروع شده است بهره برداری سیاسی کنند . " در واقع روزنامه حزب جمهوری اسلامی با چاپ این مطالب تلویحا اجازه تهاجم به این دفتر را صادر نمود . ما ضمن محکوم کردن شدید این اقدامات قانون شکنانه ، وحدت شکنانه و سخت زیانبار به حال انقلاب اعلام می داریم که دولت و مقامات جمهوری اسلامی باید صریحا مواضع خود را در قبال این حرکات و اقدامات روشن سازند .

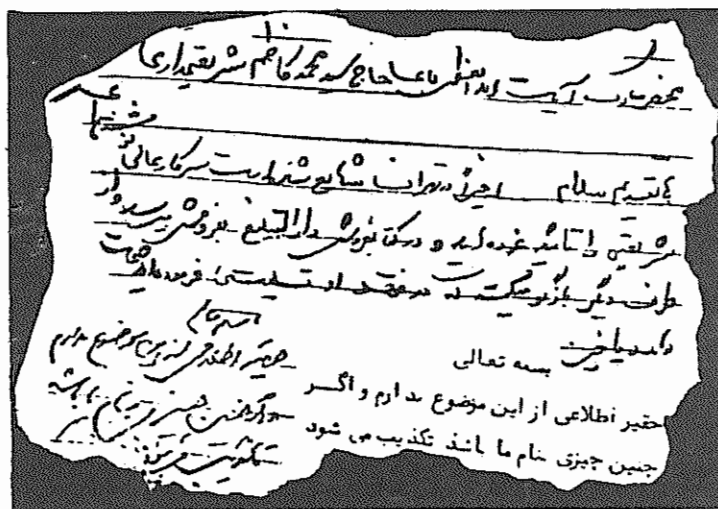
در ساعت ۱ پس از نیمه شب روز دوم تیرماه (سه شنبه) ، عده‌ای عناصر مسلح به دفتر جنبش مسلمانان مبارز حمله کرده و با کشیدن ضامن نارنجک و تهدید کارکنان این محل ، وسایل و اسناد موجود در دفتر را گردآوری و در کامیونی که به همراه داشتند بار می کنند . در این هنگام چند تن از افراد کمیته و پاسدار گشت سر می رسند ، کارکنان دفتر از افراد گشت می خواهند که این عناصر را که به دفتر جنبش مسلمانان مبارز حمله کرده اند دستگیر کنند ، اما افراد گشت تنها از غارت اموال و وسایل دفتر جلوگیری به عمل می آورند لیکن هیچ اقدامی برای دستگیری این عناصر به عمل نمی آورند . این اقدامات ضد انقلابی نشانه آن است که یک گرایش نیرومند در جمهوری اسلامی همچنان خواستار زیر پا گذاشتن قانون اساسی و همه آزادی‌های فردی و اجتماعی است . اهمیت این اقدام زمانی روشن تر می شود که به نوشته‌هایی که تحت عنوان سخنی با برادران حزب اله در تاریخ یکشنبه ۳۱ خرداد

یاد دکتر علی شریعتی گرامی باد

طرف صباغیان وزیر کشور دولت موقت صادر شد ، با برگزاری مراسم سالگرد او مشروط بر اینکه صرفا " یک برنامه فرهنگی و دانشگاهی و خالی از جنجال‌های سیاسی " باشد موافقت شد !!
مایاد دکتر شریعتی را گرامی می داریم و سالگرد وفاتش را به یاران و همسنگران تسلیت می گوئیم .

شریعتمداری ، حتی بیان تسلیت ، پس از مرگ او را نیز تکذیب کرد !!
پس از انقلاب نیز معاندین دست از توطئه چینی و مخالفت‌های رنگارنگ برنداشتند .
لیبرال‌ها و ایادی دولت موقت نیز زیرکانه ، کوشیدند از دکتر شریعتی و اندیشه‌های او " تبری جویند ! در حکمی که از

۲۹ خرداد مصادف بود با سالگرد درگذشت انسان آزاده و مبارز ، دکتر علی شریعتی . شریعتی در سال‌های ترور و خفقان ، با روش‌هایی که مبتنی بر اعتقادات و نگرش‌های خاص خود او بود ، به میدان مبارزه آمد و به سهم خود در بیان مسائل و ارائه نظرات روشن‌گرانه کوشید . در آن زمان بسیاری از سازشکاران و قشریون ، با تأیید رژیم و در لباس مذهب ، به مخالفت‌های آشکار با اندیشه‌های دکتر شریعتی برخاستند و در واقع راه را برای دستگیری او و هوادارانش هموار کردند . افرادی چون آیت‌الله خوئی و آیت‌الله شریعتمداری و ... که بعد از انقلاب چهره‌های سازشکاران برای مردم شناخته شد ، حکم بر گمراهی و ضلالت دکتر شریعتی و منع خرید و فروش کتاب‌های او دادند



چرا دولت ...

بقیه از صفحه ۶

از جهتی بازتاب عملکرد قانون کنونی است. فقدان یک مدیریت انقلابی و کارآمد نداشتن سیاست مالی صحیح و عدم سرمایه‌گذاری مطمئن همراه با سوءاستفاده‌های کلانی که صورت گرفته است موجب عدم کارآیی کنونی و وجود آینده‌ای نامطمئن برای این سازمان شده است.

اکنون که بیش از دو سال از انقلاب شکوهمند بهمن می‌گذرد، زحمتکشان و به ویژه کارگران میهن ما از مقامات دولت جمهوری اسلامی می‌پرسند چرا تاکنون قانون تامین اجتماعی زمان شاه لغو و قانون جدیدی که درخور انقلاب بزرگ میهن ما و منطبق بر روح و اهداف خلقی آن باشد، تدوین و تصویب نشده است؟ به گفته مدیرعامل "سازمان تامین اجتماعی" قانون جدید در حال آماده شدن است. متأسفانه از شواهد امر چنین برمی‌آید که در تدوین این قانون نیز به نکات اساسی پیش گفته توجه کافی نشده است.

زیرا اولاً کمیسیون مربوط به رسیدگی امور تامین اجتماعی با حضور چند وزیر و بدون شرکت نمایندگان کارگران تشکیل شده است. (کیهان ۶ خرداد ۶۰) و در هیئت بررسی و تدوین قانون نیز فقط یک نماینده کارگر (کارگر بازنشسته شرکت دخانیات) در کنار تعداد زیادی از واحدهای اداری و کارفرمایان حضور دارد. ثانیاً به گفته دو تن از دست‌اندرکاران تدوین قانون (مرتضی نصیرا، غلامرضا انصاری) که هر دو از مسئولین و از اعضای انجمن اسلامی هستند، مسئله بیمه بر اصل "تدریجی بودن" قرار داده شده است و لذا اولویت با کسانی است که سالها حق بیمه خود را پرداخته‌اند. (کیهان ۶ خرداد ۶۰) بر این اساس شمول این قانون بازم محدود خواهد بود و

زحمتکشانی را که تاکنون از هیچ‌گونه تامین اجتماعی برخوردار نبوده‌اند، یا دربر نمی‌گیرد و یا آنها را همچنان در انتظار باقی می‌گذارد. و این درحالیست که قانون جدید باید منافع محروم‌ترین اقشار جامعه را با توجه به امکانات انقلاب در درجه اول اهمیت قرار دهد. نکته دیگری که در سخنان مسئولین امر به چشم می‌خورد و خود گواه دیگری بر عدم رعایت ضوابط انقلابی در تدوین این قانون است، تردید در "شرعی بودن" حق بیمه‌ای است که از کارفرمایان اخذ می‌شود در حالیکه حق بیمه‌ای که از کارفرمایان گرفته می‌شود جزئی از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران است که به جیب سرمایه‌داران سرازیر می‌شود. هم‌اکنون عده‌ای از سرمایه‌داران به کمک بعضی از روحانیون درصدد آن هستند که از دادن حق بیمه معاف گردند و این امر متأسفانه در ذهن تدوین‌کنندگان قانون جدید نیز اثر کرده است. در اینجا ما تلاش می‌کنیم تا با توجه به مفاد قانون اساسی و با در نظر گرفتن امکانات کنونی انقلاب رئیس یک قانون تامین اجتماعی مترقی را روشن نمائیم و توضیحات مفصل‌تر را در این خصوص به آینده موکول می‌کنیم:

مزایای تامین اجتماعی در جامعه ما همچون بسیاری از جوامع دیگر باید به دو گروه تقسیم شود و در مورد هر یک ضوابط و تشکیلات خاصی نیز در نظر گرفته شود. این دو گروه عبارتند از:

۱- درمان و بهداشت، نگهداری از معلولین، سالمندان و بی‌سرپرستان و بطور کلی کلیه کسانی که به‌عللی قادر به کار نیستند. تامین بیکاران آماده به کار، کمک به خانواده‌های عیال‌مند آموزش رایگان، ایجاد آسایشگاه‌ها و تفریح‌گاه‌ها. در مورد این بخش از تامین اجتماعی،

دولت باید وظیفه تامین آن را برای تمام شهروندان به عهده گیرد. برای تهیه مخارج این‌گونه اقدامات لازم است با بهره‌گیری از قسمتی از ارزش اضافی تولید شده در کل جامعه (با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی) "ذخائر مصرف اجتماعی" شکل گیرد. این ذخائر که اعضای جامعه بدون در نظر گرفتن مقدار کاری که انجام می‌دهند برای تامین نیازمندی‌های خود از آنها استفاده خواهند کرد، باید با بهبود وضع اقتصادی جامعه توسعه یابد.

۲- گروه دیگر از مزایای تامین اجتماعی که شامل حقوق بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی، حقوق بازمندان، غرامت‌دستمزد، غرامت نقض عضو، حقوق ایام بارداری و کمک ازدواج است در خدمت کسانی قرار می‌گیرد که در سطح جامعه به کار مفید اشتغال دارند. بنابراین کلیه کارگران، روستائیان، کارمندان، کسبه پیشه‌وران و نیروهای مسلح باید تحت پوشش این مزایا قرار گیرند. بودجه این مزایا از طریق اخذ حق بیمه از کارفرمایان سه بخش اقتصادی کشور (اصلی ۴۴ قانون اساسی) و اخذ درصد محدودی از کارکنان تامین می‌شود.

مسئله "سازمان تامین اجتماعی" مجری این قانون خواهد بود و تشکلهای کارگری نیز باید به نوبه خود بر اجرای آن نظارت کامل نمایند.

تدوین و اجرای قانون تامین اجتماعی جدید باید هماهنگ با تدوین و اجرای قانون کار انقلابی باشد و به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر خدمات خود را با نیازهای رفاهی گسترش‌یافته زحمتکشان منطبق سازد و این امر عملی نمی‌شود مگر آنکه نمایندگان تشکلهای صنفی و شورایی کارگران و به ویژه تشکلهای سندیکائی که در ارتباط مستقیم با توده‌های کارگر و زحمتکش هستند در تدوین و اجرای قانون نظارت کامل داشته باشند. تجارب و شواهد عینی نشان داده است که آن دسته از کارگران که به تشکلهای صنفی خود مجهز بوده‌اند، بهتر

احمدزاده (وزیر مشاور و سرپرست صنایع فولاد) از گسترش روابط اقتصادی ایران با انحصارات امپریالیسم آلمان دفاع می‌کند

انحصار امپریالیستی "کروپ" آلمان غربی از جمله شرکت‌های چند ملیتی است که در رشته‌های بسیار متنوع از وسائل خانگی گرفته تا تجهیزات نظامی هواپیما و کشتی سازی فعالیت دارد. رژیم وابسته شاه خائن با مشارکت در ۲۵٪ (درصد) سهام شرکت چند ملیتی "کروپ" از یک سو از ورشکست شدن "کروپ" و تشدید بحران سرمایه‌داری جلوگیری نمود و از سوی دیگر بر شدت پیوند اقتصاد و صنایع میهن با کمپانی‌های امپریالیستی افزود.

لغو قراردادهای قطع پیوندهایی که وابستگی اقتصادی برای جامعه ایران به‌آوردده است محور اصلی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن است اما دولت جمهوری اسلامی نه تنها اقدامی در جهت قطع رابطه با "کروپ" ننموده است، بلکه گام‌هایی در جهت ادامه همان رابطه گذشته با انحصار امپریالیستی "کروپ" برداشته است.

نوربخش معاون سابق وزارت اقتصاد و دارائی و رئیس جدید بانک مرکزی در بازگشت از مجمع عمومی سالانه "کروپ" در آلمان غربی گفت "بر اساس این مذاکرات قرار شد ایران نیازهای صنعتی و تخصصی خود را در درجه اول از امکانات این کمپانی‌ها تا مین کند"

(اطلاعات ۱۶ خرداد ۶۰)

در درجه اول قراردادن تامین نیازمندی‌های صنعتی و تخصصی از کشورها و انحصارات امپریالیستی، توانستند از مزایای تامین اجتماعی بهره‌گیرند. از این رو تجهیز هرچه گسترده‌تر کارگران به تشکلهای صنفی راه را برای بهره‌مند شدن هرچه بیشتر و هرچه سریع‌تر توده کارگران از مزایای

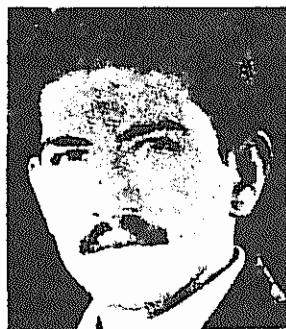
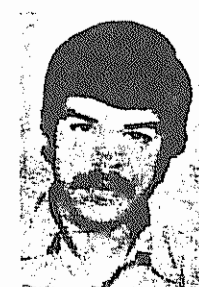
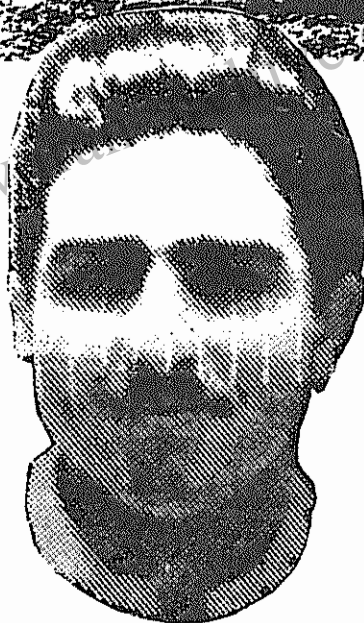
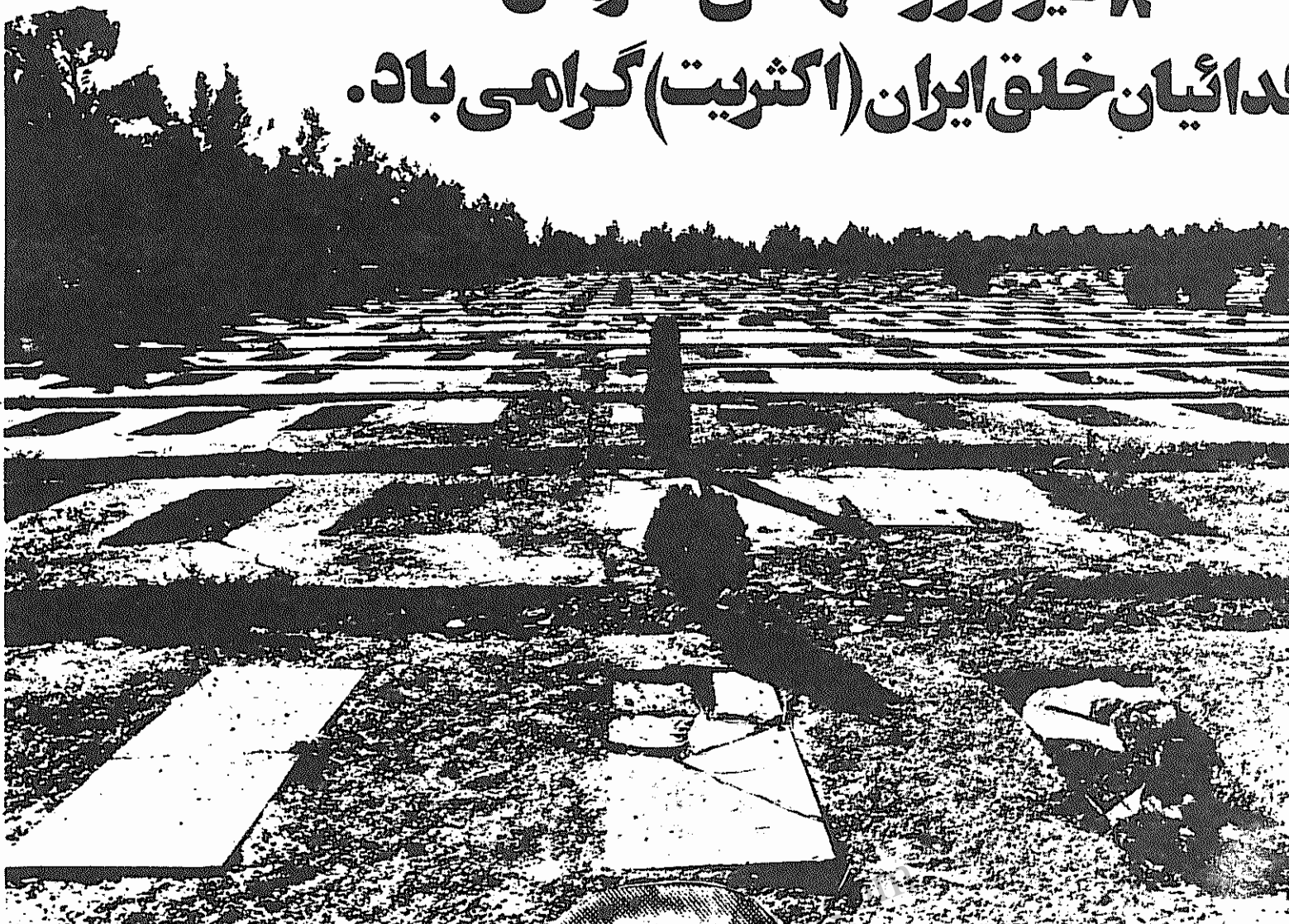
تشدید وابستگی امپریالیسم را در بر دارد و این مفایر خواست اساسی انقلاب است.

احمد زاده وزیر مشاور و سرپرست صنایع فولاد و بازمانده دولت موقت که در برقراری رابطه محدود با "کروپ" نقش ویژه‌ای دارد، هنگام بازدید اخیرش از صنایع "کروپ" (آلمان غربی) در شورای نظارت کار کارخانجات فولاد "کروپ" عملاً "درجه حمایت از انحصار امپریالیستی "کروپ" را تا حد "دایه مهربان‌تر از مادر" رسانیده است. وی که نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران است، جلوگیری از "کروپ" را حمایت از کارگران دانسته و گفت "طبق عقیده و ایدئولوژی ما سرنوشت انسان‌ها مهمتر از امور و مصالح اقتصادی است" (کیهان ۲۴ خرداد ۶۰)

ما نیز بر این باوریم که سرنوشت انسان‌ها مهمتر از امور و مصالح اقتصادی است لکن بر این باور نیز هستیم که نجات انسان‌ها در گروه تلاشی نظام سرمایه‌داری است. قرار گرفتن در شبکه انحصارات امپریالیستی از جمله داشتن روابط صنعتی با انحصار امپریالیستی "کروپ" که دولت جمهوری اسلامی از آن جانب‌داری می‌کند نه تنها در جهت منافع انقلاب ایران و خواست‌های کارگران و زحمتکشان ایران و جهان نیست، بلکه تحکیم‌کننده نظامی است که میلیون‌ها انسان رنج‌دیده را در سراسر جهان سرمایه‌داری تحت ستم و استثمار قرار می‌دهد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

۸ تیر روز شهدای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گرامی باد.



سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر